

۴۳۸

# کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۲۶ آبان ماه تا ۲ آذر ماه ۱۴۰۲ خورشیدی

سال چهارم - شماره ۱۹۰۴



آبان  
ادامه  
دارد...



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

**کیهان شما ، کیهان لندن**

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- [https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

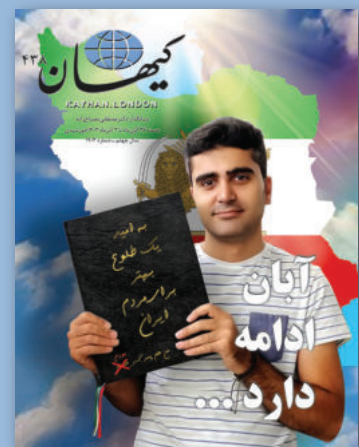
10 New Square-Lincoln's Inn  
London WC2A 3QG  
Tel: 0044 (0)20 3633 3684  
e-mail:  
info@kayhan.london  
ads@kayhan.london  
editorial@kayhan.london  
www.kayhan.london  
www.kayhanlife.com

\*\*\*\*\*

سال چهارم

کیهان شماره ۱۹۰۴ (۴۳۸)

جمعه ۲۶ آبان ماه تا ۲ آذرماه ۱۴۰۲  
۱۷ تا ۲۳ نوامبر ۲۰۲۳

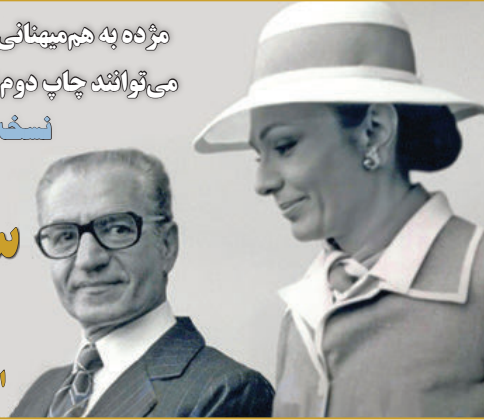


مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند  
می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند  
**نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی**  
**در دسترس خواهد بود**

**سقوط بهشت**

خاندان پهلوی و روزهای  
پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



**آگهی در کیهان آگاهی می آورد**

نشانی سایت:

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

روابط عمومی:

[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)

آگهی و تبلیغات:

[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

سردبیری:

[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY  
[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

**کیهان لندن منتشر کرد:**



کتاب «سوره: جاله عنکبوت» به قلم **حامد محمدی (افسر خلبان)**

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با **کیهان لندن** [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

# کیهان

## \* فهرست مطالب \*

۴ ..... سرمقاله- واقعبیت جنگ در میدان و جنگ روایت هادر اتاق‌های امن / الاهی بقرراط

۴-۵ ..... تیر هفته - آبان ادامه دارد ... / روشنگ آسترکی

۶ ..... اهدای جایزه «صراحت بیان» به شاهزاده رضا پهلوی ... /

۷ ..... شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با تلویزیون پاریس: برای رسیدن به پلورالیسم ... /

۸-۹ ..... احتمال تعطیل شدن شبکه «منوتو»: ذوق زدگی خبرگزاری‌های حکومتی از ... /

۹ ..... رای دادگاه استیناف حمید نوری ۲۸ آذر اعلام خواهد شد ... /

۹ ..... سعید جباری: جمهوری اسلامی تنها حکومتی است در منطقه که خواهان ... /

۱۰-۱۱ ..... سر دبیر «خبرنامه امیر کبیر»: سرکوب در دانشگاه‌ها ... / فیروزه نور دستروم

۱۱ ..... ماله و ناله! ... / اخیر اندیش (احمد/حرار)

۱۲-۱۴ ..... آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (بخش پایانی) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی

۱۴-۱۵ ..... آیا مهاجرت آخرین راه است؟ ... / فیروزه نور دستروم

۱۶ ..... به دلیل احتمال دخالت «دولت ثالث»، پرونده ترور سیاستمدار ... / احمد رافت

۱۷ ..... لغو مراسم سالگرد جان باختن یلدا آقاقلی ... /

۱۸ ..... پولیتیکو: در اروپا محتاج‌بازار حماس به اسرائیل همچنان بر سر تشدید تحریم‌ها ... /

۱۹ ..... رویتوز: صادرات نفت از ایران به چین روزانه به حدود ۱/۴۵ میلیون بشکه رسید ... /

۲۰-۲۱ ..... نکاتی در مورد مفهوم «آتش بس» ... / دکتر محمود مسائلی

۲۱ ..... بیانیه بورگن‌ها بر ماس فیلسوف آلمانی در باره «اصول همبستگی» در جنگ حماس ... /

۲۲ ..... حملات آمریکایی‌ها به مواضع سپاه پاسداران در سوریه ... /

۲۳-۲۴ ..... «خودی»‌هایی که تصفیه می‌شوند: درصاحبیت دست کم ۲۰ نماینده ... /

۲۴ ..... درخواست قانونگذاران مجلس عوام و اعیان بر بنیان دولت برای تروریستی ... /

۲۵ ..... بنیامین نتانیاهو: تنها راه توقف جنگ آزادی‌گروگان‌هاست ... /

۲۶ ..... موافقت آمریکایی‌ها با آزاد شدن ۱۰ میلیارد دلار منابع بلوکه شده ایران در عراق ... /

۲۷ ..... یک شهر و نند دیگری قربانی سناریوی جمهوری اسلامی شد ... /

۲۸-۲۹ ..... شب‌نعمت زاده فرار کرد؟ ... /

۲۹ ..... برادر دادخواه آیدار استمی به پرداخت جزای نقدی محکوم شد! ... /

۳۰ ..... پولیتیکو: رژیم ایران تهدیدی مستقیم علیه اروپا ... /

۳۱ ..... «واشنگتن پست»: امپراتوری مواد مخدر بشار اسد پشتیبان مالی شبه‌نظامیان ... /

۳۲ ..... بهره‌برداری نیروهای مسلح از معادن داخل پادگان‌ها قانونی شد ... /

۳۲-۳۳ ..... ۲۲ چاه میدان نفتی سهراب ۱۸ هکتار از هورالعظیم رامی بلعد ... /

۳۳ ..... دادستانی کرمان: «شبکه تروریستی سلطنت طلب» منهدم شد ... /

۳۴-۳۵ ..... چرادولت بر بنیان اقدام جدی علیه نفوذ اسلامگرایان در بریتانیا ... / پتکین آذر مهر

۳۵ ..... فرهاد ثابتان: تنها جرم بهائیان ایران اعتقاد به دیانت بهائی است ... /

۳۵ ..... حماس و بیمارستان‌های غزه ... / بهنام محمدی

۳۶-۳۷ ..... بورسبه دختران دانشجویان غزه توسط جمهوری اسلامی ... /

۳۷ ..... رجب طیب اردوغان: اسرائیل یک دولت تروریستی و نفرین شده است ... /

۳۸ ..... توهم تاریخی امروز و انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ... / بهرام فرخی

۳۹ ..... بازرسی گسترده پلیس آلمان از «مسجد امام علی» هامبورگ وابسته به ... /

۴۰-۴۱ ..... ادعای رویتوز: علی خامنه‌ای به رهبر حماس گفته در این جنگ دخالت نمی‌کنیم! ... /

۴۱ ..... رویتوز: جمهوری اسلامی ایران برای ساخت سه بمب اتم اورانیوم ممنوعه دارد ... /

۴۲-۴۳ ..... تد اوامر کودتورمی در بازار مسکن ... /

۴۳ ..... دیدار نماینده سازمان ملل با امیر عبداللہیان در مورد غزه ... /

۴۴ ..... آمار چک‌های برگشتی، بیاتگر عملکرد نامطلوب تیم اقتصادی دولت ... /

۴۵ ..... زندگی ۳۲ درصد جمعیت کشور در محدوده بافت فرسوده ... /

۴۶-۴۷ ..... یکی دیگر از آثار فقر و فلاکت گسترده: سرقت سالانه ۱۰۰ میلیارد تومان ... /

۴۷ ..... یک دادگاه فرانسوی حکم بازنشستگی علیه بشار اسد به جرم «جنایت علیه بشریت» ... /

۴۸ ..... پنیر و تخم‌مرغ غذای اصلی خانوارهای کارگری ... /

۴۹ ..... کلاشهرهای آلوده در ایران: قانون هوای پاک به کجا رسید؟ ... /

۵۰ ..... افزایش رویگردانی جامعه آلمان از مذهب ... / حنیف حیدر نژاد

۵۱ ..... پنج هزار سالمند «مجهول الهویه» در خانه‌های سالمندان تهران ... /

۵۲ ..... پشت جلد - عکس هفته / جانباختگان آبان ۹۸ که خانواده‌های آنها دفتر جدیدی را

بازنشر  
بازنشر



سرمقاله

## واقعیت جنگ در میدان و جنگ روایت‌ها در اتاق‌های امن

آیا اگر گروه تروریستی حماس در سحرگاه هفتم اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) حمله‌ی وحشیانه علیه اسرائیل و شهروندان غیرنظامی را مرتکب نمی‌شد، «جنگ غزه» در می‌گرفت؟ علت و معلول در علم حقوق یکی از مباحث مهم و البته به شدت پیچیده است. زنجیره‌ی «اگر» در یافتن علت یک رویداد، که «اگر» چنین نمی‌شد، چنان هم نمی‌شد، در برخی موارد با سفسطه و ترفند می‌تواند به پیدایش کره زمین و یا افسانه‌ی آفرینش برسد! اما یک چیز مشخص است: «علت» را چه در ارتکاب جرائم کیفری و چه در عملیات تروریستی و جنگ نمی‌توان به قربانی و طرفی نسبت داد که در مقابل حمله یا تجاوز و شبیخون به دفاع برحق (مشروع) از خود می‌پردازد. نمی‌توان گفت: مقتول خودش باعث شد که او را به قتل برسانم! و یا خودشان باعث شدند که به آنها حمله و تجاوز کنیم و اسیر و گروگان بگیریم! همچنین در مورد جنگ غزه، گذشته از انگیزه و هدف که توسط اسلامگرایان از جمله جمهوری اسلامی با صراحت اعلام می‌شود، ماه‌ها و سال‌ها تدارک برای ارتکاب جنایت نیز به تشخیص مرتکب کمک می‌کند.

با اینکه جنگ یکی از جلوه‌های وحشیانه و بربریت جامعه بشریست، اما همین بشر توانسته برای انجام و آغاز و پیشبرد و پایان آن نیز الزامات و تدابیر حقوقی بیاندیشد و کشورهای مختلف را به رعایت آنها فرا بخواند. جمهوری اسلامی و تروریست‌های وابسته‌اش از آنجا که در طول چهار دهه فارغ از همه تعهدات و الزامات حقوقی دست به هر جنایتی زده‌اند بدون اینکه پیامدهای آن را تحمل کنند، فکر کردند در هفتم اکتبر نیز با چند کشته و گروگان، هم جهان علیه اسرائیل بسیج می‌شود و هم آنها می‌توانند با بهم زدن «پیمان ابراهیم» قدرت‌نمایی کرده و هم امتیازاتی بگیرند. آنها به احتمال زیاد فکر چنین واکنشی را از سوی اسرائیل و دولت‌ها و جوامع غربی و حتی کشورهای عربی نمی‌کردند. اینست که هراندازه جنگ روایت‌ها از اتاق‌های امن در شبکه‌های اجتماعی و مجادلات رسانه‌های همگانی داغ باشد، واقعیت جنگ اما آنها را به تاریخ خواهد سپرد.

عکس‌ها و ویدئوهای مستند چنان جنایات تروریست‌های حماس و جهاد اسلامی در هفتم اکتبر و زرادخانه‌های آنها را در تونل‌های زیر مناطق مسکونی و بیمارستان‌ها برملا کرده که بعید به نظر می‌رسد اداره غزه بار دیگر به گروه‌های تروریستی سپرده شود. امری که بیش از همه به سود مردم این باریکه و فلسطین است.

همچنین مراکز اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی در غرب، پس از نمایش ظرفیت ویرانگر اسلامگرایی در خیابان‌های اروپا و آمریکا، امکان ندارد بتوانند مانند گذشته به فعالیت ادامه دهند. اقدامی که سال‌ها پیش می‌بایست انجام می‌شد و شاید به دلیل اطمینان به سازمان‌های امنیتی غرب و یا نداشتن «علت» در دست، به پشت گوش انداخته شد. حالا با هفتم اکتبر علت ارتکاب جنگ غزه بیش از آن مشخص است که با هیچ روایتی بتوان آن را پنهان کرد: نابودی جوامع آزاد و دموکراسی‌ها که نه تنها یهودستیزی بلکه دیگرستیزی بخش جدایی‌ناپذیر آن و اسرائیل خاکریز اول آن است. مرتکبان فکر نمی‌کردند حمله‌ای در خاورمیانه و تظاهرات «الله اکبر» در غرب، با چنان واکنشی روبرو شود که در انکار دست داشتن خود در جنایت با یکدیگر مسابقه بدهند!

تیر هفته

## آبان ادامه دارد ...



● **جامعه ایران امروز در نقطه‌ای از مبارزات ملی قرار دارد که حکومت نه می‌تواند از لبه پرتگاه قدمی به عقب بردارد و نه امکان پر کردن فاصله‌اش را با مردم دارد.**

«دم همه مردم گرم، مردم این فرصت رو از دست ندین؛ یکبار برای همیشه این رژیم تبهکار و فاسد رو که چهل ساله مردم کشور عزیز ایران رو بدبخت کرده از بین ببریم. من هم پسر کسی هستم، آمدم اینجا جان خودم را به خطر انداختم، مادرا، پدرها شما هم بگوئید بچه‌هایتان بیابند بیرون...» این جملات را پویا بختیاری ساعتی پیش از جان باختن در اعتراضات آبان ۹۸ گفته بود؛ پسر جوانی که مانند هزاران جوان دیگر ایرانی در آبان ۹۸، آگاهانه و هدفمند، به اعتراضات خیابانی پیوست و در شامگاه ۲۵ آبان ۹۸ در خیابان «رزه‌بان» مهرشهر کرج هدف گلوله مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفت و جان باخت.

بعد از جان باختن پویا، «من هم پسر کسی هستم» به نمادی از اعتراضات آبان ۹۸ تبدیل شد و بارها از سوی کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی و به صورت دیوانگاره در ایران بازنشر شد.

خانواده پویا بختیاری که از نخستین دقایق پس از جان باختن وی و با سر دادن شعار از سوی مادرش در بیمارستان هنگامی که بر پیکر بی‌جان جوان برومندش ایستاده بود، به دادخواهی خون فرزند برخاستند. اکنون چهار سال بعد از اعتراضات آبان ۹۸، پدر در زندان قزوین و مادر در زندان زنجان محبوس‌اند و جمهوری اسلامی سناریوی «مرگ تدریجی» را علیه آنها پیش می‌برد.

این خانواده در کنار ده‌ها خانواده دیگر که عزیزان آنها توسط جمهوری اسلامی در آبان ۹۸ جان باختند، فصل جدید و ماندگاری از «دادخواهی» را در چهار دهه گذشته رقم زدند. محبوبه رضانی مادر پڑمان‌قلی‌پور از جانب‌خاستگان اعتراضات آبان ۹۸، در سالگرد این اعتراضات در پیامی ویدیویی خطاب به مقامات جمهوری اسلامی ماندگاری مسیر «آبان» را با پایداری خانواده‌های دادخواه مورد تأکید قرار داده بود: «خودتان می‌دانید که با اعتراضات آبان ناپود شدید و این اعتراضات ادامه خواهد داشت، مگر اینکه خانواده‌های جانب‌خاستگان آبان را هم از بین ببرید.»

نقطه عطف جنبش ملی علیه نظام ضدملی اعتراضات آبان از ۲۴ آبان ۹۸ در پی سه برابر شدن قیمت بنزین آغاز شد و به سرعت طی دو روز در ۲۹ استان کشور گسترده شد. مردم با شعارهایی که برای جمهوری اسلامی ساختارشکن و تهدید جدی به شمار می‌رفتند، خیابان‌های بیش از ۱۰۰ شهر کشور را در اختیار گرفتند. تنها ساعاتی پس از گسترده شدن اعتراضات، دستور ویژه سرکوب مردم صادر و اینترنت تلفن «همراه اول» قطع شد. در روز دوم اعتراضات در ۲۵ آبان در اقدامی بی‌سابقه و به دستور شورای عالی امنیت ملی قطع سراسری اینترنت آغاز و ارتباط مردم درون ایران با دنیای خارج برای حدود ۱۰ روز قطع شد.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در سومین روز اعتراضات از افزایش قیمت بنزین حمایت کرد و شهروندان معترض را «اشرار و ضدانقلاب و دشمنان ایران» خواند؛ به این ترتیب چراغ سبز سرکوب حداکثری به نیروها و نهادهای سرکوبگر داده شد و آبان ۹۸ را به «آبان خونین» تبدیل کرد. خبرگزاری «رویترز» در گزارشی، به نقل از منابع آگاه، شمار جانب‌خاستگان سرکوب اعتراضات آبان ۹۸ را ۱۵۰۰ نفر عنوان کرده است. سازمان عفو بین‌الملل شمار جانب‌خاستگان را ۳۳۴ نفر اعلام و وبسایت «کلمه» وابسته به اصلاح‌طلبان خارج کشور از جان باختن ۶۳۱ نفر خبر داد. عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور دومین دولت حسن روحانی نیز جان باختن ۲۲۵ نفر را در این اعتراضات تأیید کرده بود.

ویدئوها و تصاویر منتشر شده از این اعتراضات توانست بخشی از خشونت و وحشیانه‌ی مأموران جمهوری اسلامی را مستند و ماندگار کند. بر اساس گزارش تحقیقی خبرگزاری فرانسه، بیش از ۷۵۰ تصویر و ویدئو از تیراندازی نیروهای امنیتی و کشته و زخمی شدن معترضان ثبت شده است. اعتراضات آبان ۹۸ چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی نسبت به اعتراضاتی که در چهار دهه پیشتر در ایران



گرفت. در آنسو، ایستادگی خانواده‌های‌های دادخواه در نمایاندن خوی خونخوار جمهوری اسلامی و نقاب برداشتن از چهره حکومتی که در کشتار گسترده شهروندان بی‌دفاع خودش در خیابان‌ها هیچ پروایی ندارد، در شکست روایت‌سازی جمهوری اسلامی مؤثر بود.

در این روند آنچه به عنوان جامعه مدنی شناخته می‌شد نیز دستخوش دگرگونی شد و دیگر افراد متصل به جریان اصلاح‌طلب نه تنها به عنوان چهره‌های جامعه مدنی سکاندار و نماینده جامعه و خواسته‌هایشان نبودند بلکه عملکردشان از سوی جامعه مورد نقد شفاف قرار گرفت.

اصلاح‌طلبان سال‌ها تلاش کرده بودند مدیریت پتانسیل‌های اعتراضی را با ایجاد موج‌های هیجانی، از جمله در دوران «انتخابات» به دست گرفته و «سوپاپ» اطمینان حکومت باشند. این جریان همزمان تلاش داشته تا فقط برخی فعالان جامعه مدنی، حقوق بشر، هنرمند و دگراندیش و منتقد نزدیک به خود را برجسته کرده و به افکار عمومی داخل و اپوزیسیون خارج کشور و جامعه جهانی معرفی کند. گذشته از برخی که در بزنگاه‌هایی به خارج کشور «صادر» شده‌اند، همین چهره‌های مورد اطمینان جریان اصلاح‌طلب برنده انواع جایزه نیز می‌شوند تا راوی «روایت» آنها از وضعیت درون کشور و مردم و اعتراضات آنها باشند.

پایگاه اجتماعی از خود به نمایش بگذارند، با اعتراضات آبان ۹۸ تغییر رویکرد داده و خوی سرکوبگر و «دهه شصتی» خود را بار دیگر نشان دادند.

جدا از قلع و قمع شهروندان در خیابان، تلاش شد تا برای شرایط پس از سرکوب نیز تدابیری به کار گرفته شود. جاسازی گسترده‌تر نیروهای امنیتی و نظامی از جمله سرداران و درجه‌داران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دولت و مجلس شورای اسلامی و مقامات استانی در سراسر کشور، و سپردن خیابان‌ها به آتش به اختیارات و انواع گروه‌های مزدبگیر و همچنین لشکرکشی سایبری در فضای مجازی را می‌توان در همین ارتباط ارزیابی کرد.

علی خامنه‌ای پس از اعتراضات آبان ۹۸ بود که در یک سخنرانی تغییر تاکتیک حکومت را مورد تأکید قرار داد و گفت: «بسیج در همه میادین دفاع سخت، نیمه‌سخت و نرم آماده به کار باشد و در همه محله‌های کشور در مقابل حوادث گوناگون راهبرد و تاکتیک آماده داشته باشد. در هیچ زمینه‌ای غافلگیر نشوید و سعی کنید در همه محله‌ها حضور داشته باشید. در جنگ نرم عکس‌العملی رفتار نکنید البته باید پاسخ دشمن را داد اما همیشه مانند شطرنج‌بازی ماهر یک قدم از دشمن جلو باشید و کنشی عمل کنید... بسیج در عین گستردگی چابک باشد و اسیر پابندهای رایج

→ رخ داده بود بی‌سابقه بود. هرچند پس از سال‌ها سلطه‌ی بازوی اصلاح‌طلب حکومت بر تحولات اجتماعی، اعتراضات دی ۹۶ نخستین خروش جنبش مردمی علیه جمهوری اسلامی و با شعارهایی رادیکال بود اما ابعاد اعتراضات آبان ۹۸ را نداشت.

در آبان ۹۸ نه تنها گستردگی و تداوم اعتراضات و پایداری معترضان و همچنین شعارهای مردم که به طور مشخص اصل و اساس جمهوری اسلامی و انقلاب ۵۷ را هدف قرار داده بود، بی‌سابقه بود بلکه خوی سرکوبگر و خونخوار جمهوری اسلامی در ابعاد تازه‌ای به نمایش گذاشته شد و حکومت را ناچار به تغییرات تدافعی و بیش از پیش خشن کرد.

جنبش تاریخ‌سازی که این روزها در ایران سرنوشت تحولات سیاسی را در دست دارد، با روح ملی و در برابر اهداف انقلاب ۵۷ و علیه جمهوری اسلام‌گرای برآمده از آن انقلاب شکل گرفته است. نخستین جلوه‌های این جنبش در تجمع هزاران شهروند در هفتم آبان ۹۵ در پاسارگاد و به مناسبت روز بزرگداشت کوروش نمایان شد و در اعتراضات دی ۹۶ به شکل اعتراضات خیابانی بطور فراگیر بروز پیدا کرد. در آبان ۹۸ اما به دلیل تصمیم مشخص حکومتی درباره گرانی بنزین، موج اعتراضات در خیابان‌ها به راه افتاد و توانست ناراضیاتی انباشته‌ی اجتماعی را با خود همراه



جامعه ایران اما طی سال‌های گذشته با مهندسی سیاسی-اجتماعی اصلاح‌طلبان مقابله کرده است بطوری که اکنون سناریوهای نخبه‌ها برای «جریان‌سازی» و «چهره‌سازی» به سرعت با واکنش تند و امتناع روبرو می‌شود. این جامعه طی سال‌های اخیر در بیان نظرات سیاسی و پرسشگری و کنکاش فعالان سیاسی و مدنی و همچنین رسانه‌ها روندی قاطع در پیش گرفته که با اعتراضات ۱۴۰۱ به اوج رسید.

امروز در مسیر رو به جلوی مبارزات ملی علیه جمهوری اسلامی، حکومت نه می‌تواند از لبه پرتگاه یک قدم به عقب بردارد و نه امکان پر کردن فاصله‌اش را با مردم دارد. آبان ۹۸ بی‌تردید یکی از نقاط عطف این روند تاریخی به شمار می‌رود که در تداوم آن، به گفته‌ی پویا، پسر ایران، «یک طلوع بهتر برای مردم ایران» در انتظار است.

روشنگ آسترکی

اداری نشود...» از اقدامات اخیر در راستای فرمان خامنه‌ای جهت سرکوب و کنترل جامعه، می‌توان به پاکسازی و اخراج‌های گسترده در دانشگاه‌ها و مدارس اشاره کرد که از سوی رسانه‌های داخلی با عباراتی چون «یکدست‌سازی» و «خالص‌سازی» توصیف می‌شود.

#### شکست روایت‌سازی‌های حکومتی

یکی از ضربات مهم جنبش ملی به جمهوری اسلامی که با ایستادگی دادخواهان آبان ۹۸ آغاز شد، شکست دادن روایت‌سازی‌های جمهوری اسلامی برای مخاطبان داخلی و خارجی بود.

موج جدیدی از اطلاع‌رسانی و ثبت حقیقت توسط شهروندخبرنگاران با یاری شبکه‌های اجتماعی راه افتاد که مدیریت خبرها و روایت‌ها را از رسانه‌های جریان اصلی

کند. این جنبش که در مسیر خود، بلوغ و پختگی یافته، در اعتراضات ۱۴۰۱ نیز در برابر اقدام تباه دیگری از سوی جمهوری اسلامی و در پی قتل حکومتی مهسا امینی و موضوع حجاب، خیابان‌ها را به تسخیر خود درآورد آنهم در حالی که نمادهای ملی حضور شاخص‌تری پیدا می‌کردند. در اعتراضات سال گذشته با شعارهای شفاف و اقداماتی مانند برافراشتن پرچم شیروخورشید در خیابان و درفش کاویانی در دانشگاه، وجه ایران‌گرایانه و ملی جنبش عمومی پررنگ‌تر شد.

در برابر اعتراضاتی که علیه ماهیت و ساختار جمهوری اسلامی از نیمه دهه ۹۰ خورشیدی آغاز و در آبان ۹۸ تثبیت شد و همچنان ادامه دارد، جمهوری اسلامی نیز آرایشی جدید به خود گرفت.

مقامات حکومت که پس از سرکوب‌های دهه شصت تلاش کرده بودند با پروژه «اصلاحات» چهره‌ای مردمی و دارای

«جمهوریخواهان لاگ کابین» را دریافت کرده‌اند. مؤسسه «لاگ کابین ریپابلیکنز» در سال ۱۹۷۷ در کالیفرنیا تأسیس شد. این مجموعه کانونی برای جمهوریخواهانی بود که مخالف قانون پیشنهادی «بریکز» بودند که در آن تلاش می‌شد تدریس همجنسگرایان در مدارس دولتی ممنوع شود. این قانون زمینه‌ساز محدودیت‌های شدید اجتماعی و حتا مجازات همجنسگرایان می‌شد. در طول چند دهه اما حقوق دگرباشان جنسی در آمریکا نیز مورد توجه دولت‌ها و جامعه قرار گرفت و آنها اکنون مانند دموکراسی‌های دیگر در آمریکا نیز از حقوق برابر در همه زمینه‌ها برخوردارند.

## شاهزاده رضا پهلوی در مراسم اهدای جایزه «صراحت بیان»:

# مردم ایران نه تنها برای آزادی خود بلکه برای خاورمیانه‌ای در صلح می‌جنگند

● مردم ایران «واقعاً شایسته‌ی جایزه صراحت بیان هستند، زیرا نه تنها با صراحت از آزادی خود حرف می‌زنند، بلکه برای آن می‌جنگند.»

● «ما آینده‌ای را تصور می‌کنیم که در آن ایرانی‌ها، اسرائیلی‌ها و اعراب بتوانند در کنار هم زندگی کنند، نه تنها در صلح بلکه در رفاه؛ در یک ائتلاف داوطلبانه که جایگزین «محور مقاومت» رژیم شود.»

شاهزاده رضا پهلوی شنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۲۳ جایزه «صراحت بیان» را از سازمان «جمهوریخواهان لاگ کابین» دریافت کرد. آنچه می‌خوانید متن کامل سخنان وی در این مراسم است که توسط کیهان لندن ترجمه شده و در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد.

«خانم‌ها و آقایان، عصر بخیر، خوشوقتم که اینجا با شما در کتابخانه پرزیدنت رونالد ریگان حضور دارم و به ویژه خوشوقتم از اینکه می‌توانم به خاطر فعالیت‌های مهم جمهوریخواهان لاگ کابین، به ویژه تلاش‌های شما برای برجسته کردن وضعیت اسفناک جامعه LGBTQ در کشور- ایران، قدردانی کنم. اجازه دهید با سیاست از شما به خاطر سخنان محبت‌آمیز و قدردانی از اهدای جایزه‌ی امسال صراحت بیان به خودم شروع کنم. ضمن اینکه از دریافت این جایزه سپاسگزارم، امیدوارم لطف کرده و اجازه دهید که نه از طرف خودم بلکه از طرف میلیون‌ها هم‌میهن‌ام این جایزه را بپذیریم زیرا آنها هستند که با وجود رنج کشیدن تحت سرکوب شدید، حقیقتاً صراحت بیان دارند آنهم به بهایی که کمتر کسی در غرب می‌تواند آنرا تصور کند.

امشب به ویژه به یاد جامعه دگرباشان جنسی ایران هستم که ۴۴ سال است مجبور به زندگی در هراس و سکوت بوده‌اند. در حالی که حقوق برابر برای همجنسگرایان در این کشور و در سراسر جهان، خوشبختانه، هم در قانون و هم در جامعه عادی شده است؛ اما در ایران چنین نیست. درواقع در ایران، عقربه‌های ساعت به عصر تاریکی برگردانده شده است. در حکومت جمهوری اسلامی، دگرباشان جنسی سنگسار شده، با جرئقیل در ملاء عام به دار آویخته شده‌اند، در زندان‌ها مورد شکنجه و تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، مجبور به انجام

# اهدای جایزه «صراحت بیان» به شاهزاده رضا پهلوی از سوی «لاگ کابین ریپابلیکنز»



مراسم اهدای جایزه «صراحت بیان» به شاهزاده رضا پهلوی در کالیفرنیا

با پیمان کوروش به آینده‌ی روشن‌تر فکر کرد که در آن همه کشورهای آینده‌نگر منطقه بتوانند در کنار یکدیگر همزیستی داشته باشند و برای بهبود آن همکاری کنند. ما آینده‌ای را تصور می‌کنیم که در آن حقوق اساسی انسانی همه شهروندان- صرف نظر از جنس و عقیده و گرایش جنسی آنها- رعایت شود. ما آینده‌ای را تصور می‌کنیم که در آن ایرانی‌ها، اسرائیلی‌ها و اعراب بتوانند در کنار هم زندگی کنند، نه تنها در صلح بلکه در رفاه؛ در یک ائتلاف داوطلبانه که جایگزین «محور مقاومت» رژیم شود... این، پیام دیرینه و ماندگار ملت ایران است. معرف ما کوروش کبیر است که یهودیان را از بابل آزاد کرد و نه جنایتکاران بزرگ جمهوری اسلامی که به دنبال محو دولت یهود از روی نقشه هستند. ما با اولین اعلامیه حقوق بشر از بیش از دو هزار سال پیش تعریف شده‌ایم و نه توسط رژیم اشغالگر ملت بزرگ ما به دنبال سرکوب در داخل و تهاجم در خارج است.»

این برنامه و اهدای جایزه که از مدت‌ها پیش اعلام شده بود سبب شد تا شماری از ایرانیان با تجمع در مقابل کتابخانه ریگان گرد آمده و از وی استقبال کنند.

کلین کانوی استراتژیست و مشاور رئیس جمهور دونالد ترامپ، کیتلین ماری جز از چهره‌های رسانه‌ای آمریکا و دارنده مدال طلای مسابقات ده‌گانه المپیک ۱۹۷۶ مونترال و از حامیان حقوق دگرباشان جنسی و ریچارد گرزل سفیر سابق آمریکا در آلمان که از سال ۲۰۲۰ به عنوان سرپرست مدیر اطلاعات ملی در کابینه دونالد ترامپ خدمت می‌کرد از دیگر چهره‌هایی هستند که جایزه «صراحت بیان» سازمان

● سازمان «لاگ کابین ریپابلیکنز» (Log Cabin Republicans) از مؤسسات حامی جامعه دگرباشان جنسی (LGBT) نزدیک به حزب جمهوریخواه آمریکا جایزه «صراحت بیان» این مؤسسه در سال ۲۰۲۳ را به شاهزاده رضا پهلوی اعطا کرد.

● شاهزاده رضا پهلوی در بخشی از سخنان خود پس از دریافت این جایزه گفت: «مردم ایران اعم از همجنسگرا و راستگر، محافظه‌کار و لیبرال، مذهبی و سکولار، پادشاهی‌خواه و جمهوری‌خواه، روستایی و شهری، در مبارزه با رژیم جنایتکاری که ملت بزرگ ما را برای مدتی طولانی اشغال کرده، به عنوان یک ملت متحد گرد آمده‌اند» و آنها هستند که «واقعاً شایسته‌ی جایزه صراحت بیان» اند «زیرا نه تنها با صراحت از آزادی خود حرف می‌زنند، بلکه برای آن می‌جنگند.»

سازمان جمهوریخواهان «LCR» (لاگ کابین ریپابلیکنز Log Cabin Republicans) از مؤسسات حامی جامعه دگرباشان جنسی (LGBT) نزدیک به حزب جمهوریخواه آمریکا جایزه «صراحت بیان» این مؤسسه در سال ۲۰۲۳ را به شاهزاده رضا پهلوی اهدا کرد.

السی‌ار که یکی از بزرگترین تشکل‌های جمهوریخواهان آمریکا به شمار می‌رود، پیشتر با اعلام این خبر نوشته بود: «ولیعهد رضا پهلوی که در سال ۱۹۶۰ به عنوان پسر ارشد محمدرشاه پهلوی و شهبانو فرح پهلوی به دنیا آمد، زندگی خود را وقف رسیدن به ایران آزاد و دموکراتیک کرده است. ما مفتخریم که در جشن سالانه گرامیداشت لینکلن جایزه «صراحت بیان» ۲۰۲۳ را به ولیعهد اهدا کنیم.»

در مراسم اهدای این جایزه که شنبه ۱۱ نوامبر (۲۱ آبان) در کتابخانه «پرزیدنت رونالد ریگان» در حومه لس‌آنجلس برگزار شد، شاهزاده رضا پهلوی با پرشردن وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران و با انتقاد از سیاست دولت‌های باراک اوباما و جو بایدن در ارتباط با جمهوری اسلامی، خواستار حمایت دولت‌های غربی از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران شد.

شاهزاده رضا پهلوی در بخشی از سخنان خود پس از دریافت این جایزه گفت: «مردم ایران اعم از همجنسگرا و راستگر، محافظه‌کار و لیبرال، مذهبی و سکولار، پادشاهی‌خواه و جمهوری‌خواه، روستایی و شهری، در مبارزه با رژیم جنایتکاری که ملت بزرگ ما را برای مدتی طولانی اشغال کرده، به عنوان یک ملت متحد گرد آمده‌اند» و آنها هستند که «واقعاً شایسته‌ی جایزه صراحت بیان» اند «زیرا نه تنها با صراحت از آزادی خود حرف می‌زنند، بلکه برای آن می‌جنگند.»

وی همچنین تأکید کرد: «البته بیشترین قربانیان این رژیم زنان ایران بوده‌اند. قبل از انقلاب، زنان ایران- که پیش از زنان سوئیس حق رای داشتند- در سمت‌های بسیار مانند قضاوت، وزارت، مدیریت صنایع و مناصب نظامی خدمت می‌کردند. اما وقتی انقلابیون تهران را تصرف کردند، علیه زنان فریاد سر دادند: «یا روسری یا توسری!» قوانین مترقی حمایت از خانواده که چندهمسری را ممنوع کرده، سن ازدواج را به ۱۸ سال رسانده، به زنان حق طلاق، حق حضانت فرزندان و برابری کامل اجتماعی را می‌داد، جزو نخستین قوانینی بودند که توسط این رژیم لغو شدند. زنان ایران تحت حکومت آپارتاید جنسیتی به شهروند درجه دو تبدیل شدند.»

شاهزاده رضا پهلوی افزود: «مردم ایران نه تنها برای رهایی خود مبارزه می‌کنند بلکه برای رهایی منطقه و جهان از چنگ این رژیم و آغاز دوره جدیدی از صلح می‌جنگند.»

وی به تشریح چشم‌انداز خود و مردم ایران نیز پرداخت و توضیح داد: «چشم‌اندازی که من و هم‌میهن‌انم ارائه می‌دهیم، یک خاورمیانه در صلح است. ما به این باور داریم که فراتر از موفقیت چشمگیر «پیمان ابراهیم» می‌بایست

## شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با تلویزیون پارس:

# برای رسیدن به پلورالیسم آینده، امروز باید در یک جبهه متحد علیه دشمن مشترک باشیم از سوی «لاگ کین ریپابلیکنز»



پرسش‌هایی درباره وضعیت امروز ایران و راهی که جامعه ایران در حال طی آنست و همچنین تنش‌های موجود در خاورمیانه پرداخت.

از چنگ این رژیم و آغاز دوره جدیدی از صلح می‌جنگند. چشم‌اندازی که من و هم‌میهن‌انم ارائه می‌دهیم، یک خاورمیانه در صلح است. ما به این باور داریم که فراتر از موفقیت چشمگیر «پیمان ابراهیم» می‌بایست با پیمان کوروش به آینده‌ای روشن‌تر فکر کرد که در آن همه کشورهای آینده‌نگر منطقه بتوانند در کنار یکدیگر همزیستی داشته باشند و برای بهبود آن همکاری کنند. ما آینده‌ای را تصور می‌کنیم که در آن حقوق اساسی انسانی همه شهروندان- صرف نظر از جنس و عقیده و گرایش جنسی آنها- رعایت شود. ما آینده‌ای را تصور می‌کنیم که در آن ایرانی‌ها، اسرائیلی‌ها و اعراب بتوانند در کنار هم زندگی کنند، نه تنها در صلح بلکه در رفاه؛ در یک ائتلاف داوطلبانه که جایگزین «محور مقاومت» رژیم شود.

چرا که این، دوستان من، پیام دیرینه و ماندگار ملت ایران است. معرف ما کوروش کبیر است که یهودیان را از بابل آزاد کرد و نه جنایتکاران بزرگ جمهوری اسلامی که به دنبال محو دولت یهود از روی نقشه هستند. ما با اولین اعلامیه حقوق بشر از بیش از دو هزار سال پیش تعریف شده‌ایم و نه توسط رژیم اشغالگر ملت بزرگ ما به دنبال سرکوب در داخل و تهاجم در خارج است.

بنابراین من از شما می‌خواهم که درباره این چشم‌انداز تأمل کنید: خاورمیانه‌ای در صلح. و اگر به این چشم‌انداز باور دارید، به شما می‌گویم که هم‌میهنان شجاع و با صراحت بیان من، شایسته‌ی پشتیبانی شما و حمایت ایالات متحده هستند. این رژیم باید با فشار حداکثری مواجه شود و مردم ایران شایسته‌ی حمایت حداکثری از آرمان‌های دموکراتیک خود هستند.

باور دارم که مردم من در مبارزه تاریخی خود موفق و دوباره آزاد خواهند بود. وقتی آنها این کار را به سرانجام برسانند، می‌دانم که آنها این را نیز به یاد خواهند آورد که دوستان واقعی آنها چه کسانی بودند.

بنابراین، یکبار دیگر از شما جمهوریخواهان لاگ کابین به خاطر این افتخار و اقدام مهم شما تشکر می‌کنم.

بسیار سپاسگزارم و شب خوبی برای شما آرزو می‌کنم.»

علیرضا میبیدی روزنامه‌نگار سرشناس روز شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۲ در تلویزیون پارس میزبان شاهزاده رضا پهلوی بود. وی در گفتگویی که یک ساعت به طول انجامید به طرح

هستند، زیرا نه تنها با صراحت از آزادی خود حرف می‌زنند، بلکه برای آن می‌جنگند.

و از طرف آنهاست که باید از شما بخواهم- البته نه از کسانی که در اینجا حضور دارند- بلکه از کسانی که خیلی راحت در مورد موضوعات مورد علاقه موضع می‌گیرند و توثیقی پست می‌کنند و یا درباره خبرهای روزانه می‌نویسند، آیا در حمایت از مردم ایران نیز موضعی گرفته‌اید؟

من به ویژه از کسانی که خود را «پروگرسو» [پیشرو/ مترقی] می‌نامند می‌پرسم: شما کجا بودید؟ وقتی ملتی برای برابری جنسیتی، حقوق کارگران، حقوق افراد با هر مذهبی، برای فرصت‌های اقتصادی، و برای حمایت از حقوق دگرباشان جنسی مبارزه می‌کرد؟ زمانی که هم‌میهنان من در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) به خیابان‌ها آمدند و جان خود را به خطر انداختند تا شعار «اوپاما، اوپاما، یا با اوپا یا با ما» را سر دهند، شما کجا بودید؟!

سکوت بسیاری از آنها به راستی کرکننده بود. متأسفانه، دولت فعلی [آمریکا] نیز جز همین سکوت و انکشی نداشته است. مطمئناً اقدامی هم صورت نگرفته. هم‌میهنان من از حمایت لفظی درباره «دموکراسی» و «حقوق بشر» خسته شده‌اند آنهم در حالی که شما برای کسانی که با گلوله جنگی به سر فرزندان آنها شلیک می‌کنند، پول نقد می‌فرستید درحالی که آنها در عمل برای دموکراسی و حقوق بشر می‌جنگند.

مردم ایران کسانی را که در تاریک‌ترین ساعات زندگی به آنها پشت کرده‌اند فراموش نخواهند کرد، اما از آنانکه در کنار آنها ایستادند و از آنها پشتیبانی کردند با مهر یاد خواهند کرد. و دوستان من، ما اکنون در آستانه یک لحظه تاریخی هستیم. مردم ایران با ادامه مبارزات‌شان برای آزادی و رهایی، بار دیگر به خیابان‌ها خواهند آمد. از همه شما می‌خواهم که برای آن آماده باشید زیرا در حالی که ما با هراس مویشک‌پرانی حماس، خطر شکست «پیمان ابراهیم» و مرگ و ویرانی بیشتر در سراسر خاورمیانه روبرو هستیم، مردم ایران نه تنها برای رهایی خود مبارزه می‌کنند بلکه برای رهایی منطقه و جهان

جراحی‌های تغییر جنسیت و سایر جنایات توصیف‌ناپذیر شده‌اند. آنچه جامعه دگرباشان در ایران با آن روبروست، صرفاً تبعیض اجتماعی نیست بلکه سیاست هدفمند حکومت برای نابودی کامل آنهاست.

اما در ایران همیشه اینطور نبوده است. قبل از اینکه رژیم آخوندی در سال ۱۹۷۹ بر کشور ما مسلط شود، زنان و مردان همجنسگرا از آزادی‌های اجتماعی گسترده‌ای برخوردار بودند. امروز نیز من با افتخار در کنار جامعه دگرباشان جنسی ایران ایستاده‌ام و آنها باید بدانند که من همانطور که از حقوق هر ایرانی دیگری دفاع می‌کنم، مدافع حقوق آنها نیز هستم. انقلاب اسلامی اما فقط برای جامعه دگرباشان جنسی یک جهش عظیم به عقب و به عصر تاریکی نبود.

جوامع مذهبی غیرمسلمان نیز با چنان محدودیت‌های حقوقی در ارتباط با آزادی‌های خود در قانون اساسی مواجه‌اند که فقط با قوانین نژادی نوزنگ در دوران نازی قابل مقایسه است. پیروان آیین بهائیت از حضور در دانشگاه‌ها منع شده‌اند و مزار آنها بطور مرتب تخریب شده و مورد هتک حرمت قرار می‌گیرد. کسانی که به مسیحیت گرویده‌اند مجبور به تشکیل کلیساهای زیرزمینی که غیرقانونی است شده‌اند که در صورت کشف، زندانی یا حتی اعدام می‌شوند. جمعیت یهودیان ایران بیش از ۹۰ درصد کاهش یافته و این شهروندان از حق اساسی زندگی در کشور خود محروم شده‌اند. زرتشتیان، مسلمانان سنی، آنتیست‌ها و حتی مسلمانان شیعه که انحراف دینی این رژیم را قبول ندارند بطور سازمانیافته مورد پیگرد قرار می‌گیرند. البته بیشترین قربانیان این رژیم زنان ایران بوده‌اند. قبل از انقلاب، زنان ایران- که پیش از زنان سوئیس حق رای داشتند- در سمت‌های بسیار مانند قضاوت، وزارت، مدیریت صنایع و مناصب نظامی خدمت می‌کردند. اما وقتی انقلابیون تهران را تصرف کردند، علیه زنان فریاد سر دادند: «یا روسری یا توسری!» قوانین مترقی حمایت از خانواده که چندهمسری را ممنوع کرده، سن ازدواج را به ۱۸ سال رسانده، به زنان حق طلاق، حق حضانت فرزندان و برابری کامل اجتماعی را می‌داد، جزو نخستین قوانینی بودند که توسط این رژیم لغو شدند. زنان ایران تحت حکومت آپارتاید جنسیتی به شهروند درجه دو تبدیل شدند.

به همین دلیل است که سال‌گذشته بسیاری از شما از خیابان‌های شهرهای ایران فریاد جنبش «زن، زندگی، آزادی» را شنیدید. اما چیزی که ممکن است با آن آشنایی نداشته باشید این است که این جنبش در کشور من چه ابعاد گسترده‌ای یافته است. وقتی پسران دانش‌آموز در مدارس با سر دادن شعار «زنان، زندگی، آزادی» از دختران دانش‌آموز حمایت کرده و مدیران مدارس را به چالش می‌کشیدند، دختران دانش‌آموز پاسخ می‌دادند: «مرد، میهن، آبادی!»

آنچه این روزها در ایران می‌گذرد، یک حرکت صرفاً برای حفظ یا دست یافتن به حقوق یک قشر از جامعه نیست بلکه یک جنبش ملی- یک انقلاب- است که ایرانیان را از هر قشری متحد کرده است.

هم‌میهنان من اگرچه هرگز دموکراسی واقعی را تجربه نکرده‌اند اما به بیداری سیاسی و پیشرفت قابل توجهی دست یافته‌اند. با وجود، و یا شاید اتفاقاً به دلیل چهار دهه پر از درد، رنج، کمبود و حتی تحقیر، آنها متوجه شده‌اند که تنها زمانی که متحد باشند و به کمک یکدیگر برخیزند، می‌توانند خود را نجات دهند.

مردم ایران اعم از همجنسگرا و راستگرا، محافظه‌کار و لیبرال، مذهبی و سکولار، پادشاهی‌خواه و جمهوری‌خواه، روستایی و شهری، در مبارزه با رژیم جنایتکاری که ملت بزرگ ما را برای مدتی طولانی اشغال کرده، به عنوان یک ملت متحد گرد آمده‌اند. آنها، خانم‌ها و آقایان، واقعاً شایسته‌ی جایزه صراحت بیان

# احتمال تعطیل شدن شبکه «منوتو»؛ ذوق زدگی خبرگزاری‌های حکومتی از توقف فعالیت رسانه‌های آزاد!

● شبکه تلویزیونی «منوتو» در پیامی از طرف مدیران آن، کیوان و مرجان عباسی، روز دوشنبه ۲۲ آبان ماه با اشاره به مشکلات مالی از احتمال توقف فعالیت‌های این شبکه در پایان ژانویه ۲۰۲۴ (اوایل بهمن ماه) خبر داد.

● تینا قاضی‌مراد سردبیر «اتاق خبر» دوشنبه شب با حضور در این برنامه به ارائه توضیحات تکمیلی در مورد این پیام پرداخت و گفت: «منوتو به صورت ایده یک تلویزیون تجاری کارش را آغاز کرد. درآمد ما از محل تبلیغات از انتظار ما فراتر رفت و به نظر می‌رسد این مدل می‌تواند موفق باشد اما متأسفانه در منطقه‌ای هستیم که بی‌ثباتی و سیاسی و نابسامانی اقتصادی وجود دارد که ثابت کرد ایده تلویزیون تجاری کار نمی‌کند».

● الهه بقراط سردبیر کیهان لندن در واکنش به احتمال توقف فعالیت شبکه منوتو نوشت: «تعطیلی هر رسانه‌ای که در چارچوب قوانین جوامع آزاد و دموکراسی‌ها فعالیت می‌کند، بسیار جای تأسف دارد».

شبکه تلویزیونی «منوتو» در پیامی از طرف مدیران آن، کیوان و مرجان عباسی، روز دوشنبه ۲۲ آبان ماه با اشاره به مشکلات مالی از احتمال توقف فعالیت‌های این شبکه در پایان ژانویه ۲۰۲۴ (اوایل بهمن ماه) خبر داد.

در این پیام، تعطیلی این شبکه بطور قطعی اعلام نشده ولی آمده است که اگر این شبکه «مجبور به پایان کار خود باشد» زودتر از آخرین روز ماه ژانویه سال آینده نخواهد بود.

در همین ارتباط، تینا قاضی‌مراد سردبیر «اتاق خبر» دوشنبه شب با حضور در این برنامه به ارائه توضیحات تکمیلی در مورد این پیام پرداخت و گفت: «منوتو از اکتبر ۲۰۱۰ که پخش ماهواره‌ای آن شروع شد به دلیل شکل متفاوتی از برنامه‌سازی و چهره‌های مستعد و جوانی که در این شبکه در آن زمان بودند به سرعت جای خودش را در خانه مخاطبان باز کرد و اعتماد آنها را به دست آورد و برندهای مطرح بین‌المللی توجه‌شان جلب شد و تبلیغات زیادی پخش شد... منوتو به صورت ایده یک تلویزیون تجاری کارش را آغاز کرد. درآمد ما از محل تبلیغات از انتظار ما فراتر رفت و به نظر می‌رسد این مدل می‌تواند موفق باشد اما متأسفانه در منطقه‌ای هستیم که بی‌ثباتی و سیاسی و نابسامانی اقتصادی وجود دارد که ثابت کرد ایده تلویزیون تجاری کار نمی‌کند».

وی درباره آینده این شبکه نیز توضیح داد: «هیچ تصمیم قطعی گرفته نشده اما به دلیل ارزشی که برای بینندگان و کارمندان منوتو قائل هستیم از امروز روند پایان کار را اعلام کردیم... اما نکته مهمی وجود دارد و این است پایبندی به اصول ملی همیشه در اولویت کار منوتو و مدیران آن بوده؛ در طول این مسیر حتما گزینه‌هایی سر راه ما قرار گرفته که لازمه آن تخطی و عبور از خط قرمزها بود که مدیر منوتو تصمیم گرفت از آن اصول عبور نکند».

خبر تعطیلی احتمالی شبکه منوتو واکنش‌های زیادی را در میان فعالان رسانه‌ها و کنشگران سیاسی به همراه داشت. الهه بقراط سردبیر کیهان لندن در واکنش به احتمال توقف فعالیت شبکه منوتو نوشت: «تعطیلی هر رسانه‌ای که در چارچوب قوانین جوامع آزاد و دموکراسی‌ها فعالیت



تلویزیون منوتو در اکتبر ۲۰۱۰ راه‌اندازی شد و در لندن مستقر است

می‌کند، بسیار جای تأسف دارد.»  
او توضیحاتی داد که نشان می‌دهد برای رسانه‌هایی که با از خط قرمزهای ملی» است! در همین ارتباط الهه بقراط توضیح می‌دهد که ۱۰ سال پیش وقتی نسخه چاپی کیهان لندن در آستانه‌ی تعطیلی قرار گرفت، پیشنهاداتی برای «کمک» دریافت کرد اما به شرط زیر پا گذاشتن خطوطی که سمت مردم و حقوق آنها را از رژیم جمهوری اسلامی جدا می‌کند.

بقراط در ادامه نوشت: شرط‌هایی که به ظاهر کوچک و بی‌اهمیت به نظر می‌رسند (مثلاً اینکه «نوشت رژیم!» و یا «به هر حال «آیت‌الله خامنه‌ای» رهبر ایران» است؛ باید نوشت «رهبر ایران!» و...) اما مجموعه‌ی همین شرط‌های کوچک است که سمت «ما» و «اونا رو» همواره مشخص کرده!

وی در پایان ابراز امیدواری کرد که «مدیران و همکاران منوتو بتوانند پرتوان‌تر از گذشته و بدون اینکه مجبور باشند خط قرمزهای آزادیخواهانه و مردمی را زیر پا بگذارند به کار خود ادامه دهند و دور نباشد روزی که همه رسانه‌های ایرانی در سرزمین خود به خبرسانی و تولید انواع برنامه‌ها برای مخاطبان متنوع ۸۵ میلیونی میهن خویش بپردازند.»  
کامران خوانساری‌نیا مدیر سیاست‌گذاری «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) نیز در یک پست کوتاه در ارتباط با احتمال تعطیلی این شبکه یادآوری کرد که «منوتو فقط یک تلویزیون نیست. منوتو یک سرمایه ملی است.»

شماری از فعالان سیاسی و تحلیلگران که سابقه همکاری با شبکه «منوتو» دارند نیز به تعطیلی احتمالی آن واکنش نشان داده‌اند.

حجت کلاشی فعال سیاسی مشروطه‌خواه در توییتی نوشت «تلویزیون منوتو در خیزش ملی ۱۴۰۱ مانند بازو و ارگان رسانه‌ای این خیزش ایرانگرا رفتار کرد. کارکنان و خبرنگاران‌اش در برابر یورش بدخواهان، به پدافند



انواع و اقسام کمبودها به ویژه مسائل مالی روبرو هستند گزینه‌هایی هم وجود دارد که لازمه‌ی استفاده از آنها «عبور



## رای دادگاه استیناف حمید نوری ۲۸ آذر اعلام خواهد شد



رئیس، از اعضای هیات مرگ و رئیس سیزدهمین دولت جمهوری اسلامی بی‌نتیجه مانده است و دادگاه استیناف به احتمال زیاد حکم دادگاه بدوی را تأیید خواهد کرد. ایرج مصداقی اولین شاکی این پرونده که توانست دولت و مقامات قضائی سوئد را به بازداشت حمید نوری به محض ورود به استکهلم قانع کند، معتقد است که جمهوری اسلامی به دنبال حکم تیره دادیار سابق زندان گوهردشت است زیرا محکومیت او در حقیقت مجرم شناختن کلیه افراد از جمله زمامدارانی است که در جنایت‌های سال ۶۷ دست داشته‌اند. احمد رأفت با ایرج مصداقی در همین ارتباط گفتگو کرده‌است.

دادگاه استیناف حمید نوری به پایان رسید. رای نهائی این دادگاه ۱۹ دسامبر برابر با ۲۸ آذر اعلام خواهد شد. تلاش‌های وکلای جدید حمید نوری که یکی از آنها توماس بودستروم در گذشته وزیر دادگستری سوئد بود، برای رد صلاحیت دادگاه بی‌نتیجه ماند. حمید نوری به اتهام دست داشتن در اعدام‌های سال ۶۷ در دادگاه بدوی، پس از ۹۳ جلسه، در تیرماه سال گذشته به حبس ابد محکوم شد. شاکیان این پرونده و خانواده‌های زندانیان سیاسی که در آن تابستان خونین در زندان گوهردشت اعدام شدند، معتقدند تلاش‌های حمید نوری و وکلایش برای بی‌اعتبار ساختن دادگاه و گرفتن حکم برائت دستیار سابق ابراهیم

### سعید جباری تحلیلگر سیاسی در گفتگو با کیهان لندن:

## جمهوری اسلامی تنها حکومتی است در منطقه که خواهان جنگ است



اگرچه مقامات جمهوری اسلامی در مواضعی دوگانه دخالت در حمله وحشیانه‌ی گروه تروریستی حماس به اسرائیل را همزمان تأیید و انکار می‌کنند اما رهبران غرب ترجیح داده‌اند فعلاً روی نقش رژیم ایران در این عملیات پافشاری نکنند. سعید جباری تحلیلگر مسائل سیاسی به کیهان لندن می‌گوید سیاستمدارانی که نقش رژیم ایران در تروریسم را نادیده می‌گیرند مثال آن کسی است که «نداند و نخواهد که بداند» است.

وی همچنین می‌گوید: «هرکسی که باور می‌کند یا می‌خواهد باور کند که جمهوری اسلامی و ولایت فقیه در عملیات تروریستی حماس به اسرائیل خبر نداشته یا ادعا کند رژیم همدست آنها نبوده مثال همان کسی است که خودش را به خواب زده است. نمی‌توانم باور کنم سیاستمدارانی وجود دارند که مهمات جمهوری اسلامی را باور کنند.» حامد محمدی در همین ارتباط با این تحلیلگر مسائل سیاسی گفتگو کرده است.

از ایران و وحدت ملی برخاستند.» وی تأکید کرد، «بسته شدن این تلویزیون دشمنان ایران و هواداران استبداد را شاد خواهد کرد.»

منتقدان شبکه منوتو نیز معتقدند تعطیلی این رسانه بیش از همه به نفع رژیم ایران است. همایون نادری فر فعال سیاسی پادشاهی‌خواه می‌نویسد: «پایان تلویزیون منوتو در شرایط انقلابی موجود و روزهای حساسی که در پیش داریم، اتفاق ناگوار و رژیم شادکنی است.»

وی توضیح داده: «هرچند که سهم افراد مستقل میهن‌پرست و غیرعضو در باندها و رفیق‌بازی‌های سیاسی از تریبون کارشناسان و مهمانان این شبکه اندک بود ولی در نبود رسانه‌های ملی و با پرنسیپ برای پیشبرد اهداف انقلاب ملی ایران و نجات ایران، در میان رسانه‌های فارسی‌زبان، منوتو بخصوص با ساخت و انتشار مستندهای تاریخی، نقش مهمی در آگاهی و روشنائی راه پیش روی یک ملت تحت تأثیر سانسور و پروپاگاندا، ایفا کرده است.»

اغلب آنهایی که در شبکه‌های اجتماعی به تعطیلی احتمالی این شبکه واکنش نشان داده‌اند کاربران عادی هستند. آنها با توییت‌ها یا پیام‌های صوتی و ویدیویی خواستار حمایت از «منوتو» توسط ایرانیانی شده‌اند که به منابع مالی مستقل دسترسی دارند. برخی مطرح کرده‌اند که توقف فعالیت شبکه «منوتو» گذشته از اینکه به سود جمهوری اسلامی است، توازن در رسانه‌ها را نیز به نفع جریان‌های غیرملی و همچنین وابسته بهم می‌زند.

اما آنسوئر، در داخل ایران منابع حکومتی در تیتراهایی معنادار و پرآب و تاب از تعطیلی احتمالی «منوتو» به شدت استقبال کرده‌اند. در کنار داستان‌سراییهایی که سایبری‌های رژیم و همچنین دیگر گروه‌های ضدملی تا حد مضحکه به انتشار آنها مشغولند، اغلب رسانه‌های جمهوری اسلامی در یک خط مشترک این شبکه را به اسرائیل نسبت داده‌اند. «بی‌پولی تل‌آویو، تعطیلی منوتو» و «خون بچه‌های غزه خیلی‌ها را حذف می‌کند» تیتراهایی هستند که خیرگزاری‌ها و رسانه‌های حکومتی برای این خبر انتخاب کرده‌اند.

روزنامه «فرهیختگان» در گزارشی طولانی نوشته «به نظر می‌رسد منطقی‌ترین و حتی قطعی‌ترین پاسخ درباره منابع مالی منوتو این باشد که از ابتدا حامی مالی منوتو رژیم صهیونیستی بوده است.» و بسایت‌های امنیتی از جمله «مشرق نیوز» به نقل از مخاطبان و دست‌اندرکاران خود از «شکست پروژه شبکه منوتو» گفتند.

خبرگزاری دولتی «ایرنا» در گزارشی با عنوان «فرجام منوتو و مرام ما» به بازگشت کارمندان این شبکه به ایران چراغ سبز نشان داده است. در این گزارش آمده «نباید فراموش کنیم که با تعطیلی این شبکه تلویزیونی، به جز عده ای که عضو فرقه‌های معاند و خائن هستند و خط و مشی نادرست و کینه‌توزانه با ایران دارند، مابقی کسانی هستند که از مسیر تخصص و فن یا اجبار و فریب، با این شبکه وارد همکاری شده‌اند. ضمن آنکه، ناامنی اقتصادی و شغلی برای اینان، می‌تواند مسیرهای پیشمان‌کننده‌ای را پیش روی این فریب‌خورده‌ها باز کند. مسئولان ارشد نظام، بارها گفته‌اند که درهای ایران به روی همه ایرانیان باز است.»

تقریباً تمام رسانه‌های حکومتی در ایران اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا نتوانستند ذوق‌زدگی خود را از تعطیلی احتمالی شبکه «منوتو» پنهان کنند. چنین واکنشی نشان می‌دهد رسانه‌هایی که به حقوق و اعتراضات و آزادی ملت و مملکت توجه دارند و خارج از چارچوب‌های رسانه‌های فارسی‌زبان کشورهای دیگر و یا شرکت‌های خارجی فعالیت می‌کنند تا چه اندازه جا را برای دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم تنگ می‌کنند.

## سردبیر «خبرنامه امیرکبیر»: سرکوب در دانشگاه‌ها بیش از گذشته شده! «سفیران هدایت» با تعقیب دانشجویان کم حجاب از آنها فیلم می‌گیرند!



دانشگاه به تعقیب دختران تا خروجی دانشگاه پرداخته و با اعلام به نگهبان خروجی مانع خارج شدن دانشجویان می‌شوند.»

سردبیر «خبرنامه امیرکبیر» در ادامه می‌گوید: «از سوی دیگر روند برخورد در زمینه پوشش دانشجویان وارد فاز درگیری نیز شد و در چند مورد رؤسای حراست و نیروهای وابسته به این نهاد اقدام به درگیری با دانشجویان کردند از جمله ضرب و جرح یک دانشجوی دختر توسط بهروز کرد رئیس حراست دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی یک روز پس از بازگشایی دانشگاه‌ها. این نشان می‌دهد که نهادهای امنیتی در مرحله جدید بطور غیررسمی اعلام می‌کنند که در موضوع پوشش هیچ خط قرمزی را رعایت نخواهند کرد.»

به گفته وی همزمان فضای اطراف چند دانشگاه از جمله دو دانشگاه تهران و صنعتی امیرکبیر پادگانی شده است؛ بیش از ۵۰ کافه در اطراف دانشگاه تهران و ۵ کافه در اطراف دانشگاه امیرکبیر با اتهاماتی چون «عدم رعایت حجاب» و «شبه‌سازی علیه جمهوری اسلامی» تعطیل شده‌اند تا فضای اطراف دانشگاه نیز در ساکت‌ترین حالت ممکن قرار گیرد چرا که نهادهای امنیتی در یکسال اخیر فهمیده‌اند که دانشگاه کانون اعتراضات است و باید در فضای انزوا و قیصرستانی قرار بگیرند تا هرگونه اعتراضات درون دانشگاه‌ها به بیرون از آنها سرایت نکند؛ با این حال در مواردی نیروهای حراست دانشگاهی به کافه‌های بیرون دانشگاه نیز یورش برده و اقدام به برخورد با دانشجویان بدحجاب کرده‌اند.

وی ادامه می‌دهد: «استفاده از امکان خوابگاه‌های دانشگاه یکی از حربه‌هایی است که نهادهای امنیتی کوشیدند از طریق آن از فعالان دانشجویی انتقام بگیرند. روند برخورد با دختران دانشجو به خاطر پوشش در خوابگاه شدت گرفت و علاوه بر نصب دوربین در ورودی

شاید گمان رود که شدیدترین موج برخورد در اعتراضات پاییز سال گذشته صورت گرفته اما شواهد نشان می‌دهد که میزان برخورد از یک ماه مانده به سالگرد مهسا تا امروز، بیشترین حد را در مقایسه با زمان‌های دیگر از جمله اعتراضات کوی دانشگاه در ۷۸ و اعتراضات سال ۸۸ دارد.»

به گفته این فعال دانشجویی در یک ماه اخیر و پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، شناسایی دختران بدحجاب یکی از اقدامات جدی واحدهای حراستی بوده است. از تشدید برخورد با دانشجویان دختر توسط نیروهای حراستی زن هنگام ورود به دانشگاه تا استفاده از فیلم‌های ضبط شده دوربین‌های دانشگاهی نشان می‌دهد که فشار در حوزه پوشش تشدید یافته است. از سوی دیگر واحدهای حراست در طرح موسوم به «مخبر-ضابط دانشجویی» از دانشجویان بسیجی برای تصویربرداری از دختران «بدحجاب» در کلاس‌های درسی استفاده کرده و بسیاری از دختران در اسناد اتهامی تصاویر مخفی از خود دیده‌اند که عموماً در فضای دانشگاه از آنها ضبط شده است. در کنار این طرح استفاده از نیروهای لباس شخصی در دانشگاه برای شناسایی دختران کم حجاب یکی دیگر از روش‌های سرکوب دانشجویان است. وی ادامه می‌دهد: «مشاهدات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که در صحن چند دانشگاه اصلی ایران از جمله امیرکبیر، شریف، علم و صنعت نیروهای اوباشی حضور پیدا کرده‌اند که گفته می‌شود وابستگی سازمانی به گشت انضباط شهری شهرداری تهران دارند. وظایف این طیف از افراد، گزارش لحظه‌ای از فضاهای مختلف دانشگاه‌هاست و به محض اعلام «جرم بدحجابی»، داشتت پیرسینگ پسران، کوتاهی مانتو دختران و سیگار کشیدن آنها، چند تیم از واحد حراست به محل مربوطه یورش آورده و اقدام به ضبط کارت دانشجویان می‌کنند؛ این اقدامات در ساعات پایان کار دانشگاه به اوج خود رسیده و حراستی‌ها با خلوت شدن

● «در چند دانشگاه اصلی ایران از جمله امیرکبیر (پلی‌تکنیک)، «شریف» (دانشگاه صنعتی آریامهر) و علم و صنعت نیروهای اوباشی حضور پیدا کرده‌اند که گفته می‌شود وابستگی سازمانی به گشت انضباط شهری شهرداری تهران دارند.»

● «نکته بسیار مهمی که اغلب رسانه‌ها به آن نپرداخته‌اند، ایجاد گشت‌های موسوم به «سفیران هدایت» در محیط اطراف دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی امیرکبیر است که همزمان با بازگشایی دانشگاه‌ها شروع به کار کرده‌اند.»

● «این گشت‌ها توسط نیروهای امنیتی با لباس‌های یک شکل انجام می‌گیرد و همزمان فیلم نیز می‌گیرند.»

فیروزه نوردستروم- سردبیر «خبرنامه امیرکبیر» با اشاره به اینکه «در چند دانشگاه اصلی ایران از جمله امیرکبیر (پلی‌تکنیک)، «شریف» (دانشگاه صنعتی آریامهر) و علم و صنعت نیروهای اوباشی حضور پیدا کرده‌اند که گفته می‌شود وابستگی سازمانی به گشت انضباط شهری شهرداری تهران دارند» به کیهان لندن می‌گوید: «بررسی تصاویر ضبط شده دوربین‌های دانشگاه که بخش زیادی از آن در یکسال گذشته نصب شده برای تشخیص دانشجویان بدحجاب بدعت جدیدی است که توسط حراست دانشگاه‌ها در ترم جدید دنبال شده است. نصب دستورالعمل‌های پوششی در ورودی بسیاری از دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه امیرکبیر، تهران و تربیت مدرس، یکی از اهرم‌های سرکوب در آغاز ترم جدید دانشگاه‌هاست؛ موضوعی که باعث شد بسیاری از دانشجویان دختر به خاطر مسأله حجاب، مانتو و پیرسینگ، و دانشجویان پسر به دلیل شکل شلوار و پیرسینگ در همان روز بازگشایی دانشگاه، از ورود به دانشگاه منع شوند.»

وی در ادامه توضیح می‌دهد: «در نتیجه با وجود آنکه

بازنشر

## ماله و ناله!

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۴۱) بهمن‌ماه ۱۳۸۳



رمضان‌زاده و محمد خاتمی

مجلس شورای اسلامی در جلسه روز یکشنبه بیستم دی‌ماه وزیر جدید راه را از راه نرسیده با رأی عدم اعتماد به خانه‌اش بازگرداند. بعد از رسوائی در مراسم گشایش فرودگاه جدید تهران و سپس استیضاح احمد خرم وزیر پیشین راه و به زیر کشیدن او از مسند وزارت، احمد دیگری از طرف آقای خاتمی به سمت وزیر راه برگزیده شده بود تا وزارتخانه‌ای که به فرمایش ایشان از اهمیت استراتژیکی برخوردار است و نقش بنیادی و زیربنایی در اقتصاد کشور دارد، در این چند ماهه بی سرپرست بماند.

«سید نجیب محترم» دست این بخت‌برگشته را گرفت و برد به مجلس اسلامی و گفت «آشنایی با حوزه کار، همکاری صمیمانه با بخشهای مختلف مدیریت، تحصیلات و تجربه احمد صادق بناب در سازماندهی و عرصه‌های مختلف انقلاب و جامعه و حوزه راه و ترابری سبب شده است از ایشان تقاضا کنم این مسؤلیت را بپذیرند» اما نه تنها مجلس به وزیر پیشنهادی رأی اعتماد نداد بلکه در همان جلسه، بیانیه‌ای علیه خاتمی و مجموعه دولت و مشاوران و همکاران او بین وکلا توزیع شد که هر کس دید گفت این رأی و این بیانیه پیمای است از طرف مجلس برای شخص شخص ریاست جمهوری! روز دوشنبه، یعنی یک روز بعد، سخنگوی دولت با خبرنگاران جلسه داشت و طبعاً این مسأله نیز مطرح شد. پاسخهای سخنگوی دولت، بطور خلاصه، از این قرار است: «دولت انتظار داشت مجلس با وزارت مهم راه و ترابری این گونه برخورد نکند... اگر اسم این را عدم تعامل مجلس با دولت نگذاریم پس چه نامی بر این رفتارها بگذاریم?... بیانیه‌ای که روز یکشنبه در سطح مجلس توزیع شد بیانیه‌ای دور از نزاکت و ادب بود که با اجازه یکی از اعضای هیأت رئیسه توزیع شده است. آیا همه شهروندان می‌توانند بیانیه‌ای علیه رئیس جمهوری و دولت یا قوای دیگر بنویسند و این گونه در مجلس مطرح شود؟ جامعه انتظار دارد کسانی که این کار را کردند از خاتمی عذرخواهی کنند...»

منتظر باشید همین روزها آقای خاتمی، وقتی وزیر جدیدی را به مجلس می‌برد، بابت سخنان سخنگوی دولت از نمایندگان محترم، بخصوص هیأت رئیسه مجلس مقدس عذرخواهی کند.

آقای محمد خاتمی، همان طور که قبلاً عرض شد هتزش ماله‌کشی بر خبط و خطای امام سابق و امام لاحق است. کاری که البته آسان نیست و همه کس از عهده آن بر نمی‌آید اما دشوارتر از آن، ماله کشیدن بر کارهای دولت و غازه کشیدن بر چهره مفلوک رئیس آن است که این خدمت به عبدالله رمضان‌زاده سخنگوی دولت مرجوع شده است.

شخصی از «جریر» شاعر عرب پرسید قویترین شاعر عصر ما کیست. جریر گفت بیا برویم تا او را به تو نشان دهم. جریر از پیش و سائل از پی او، رفتند تا رسیدند به خیمه‌ای که در آن، «عطیه» پدر جریر بز ماده‌ای را گرفته بود و پستانش را می‌مکید.

جریر گفت: پدر، بیرون بیا.

پیر مردی کریم‌المنظر بیرون آمد که از بینی‌اش آب و از اطراف دهانش شیر بز می‌چکید. جریر به آن شخص گفت: «این پدر من است. رخسارش را می‌بینی که چون است. از کراماتش هم این که شیر را از پستان بز می‌مکد چون می‌ترسد اگر بز را بدوش صدای دوشیدن شیر به گوش گرسنه‌ای برسد و از وی خواهش اندکی شیر بکند. قویترین شاعر عصر منم که در اشعار خود به چنین پدری فخر می‌کنم و در مقام مدح پدر بر هشتاد شاعر زبردست فائق آمده‌ام!»

مخلص هر بار که گزارشهای جلسات مصاحبه سخنگوی دولت را با گزارشگران داخلی و خارجی مرور می‌کنم دلم به حال این مرد محترم کباب می‌شود. برخلاف سخنگوی وزارت امور خارجه که با سعیدالصحاف سخنگوی صدام حسین از یک مدرسه دیپلم گرفته، آقای رمضان‌زاده آدم نجیبی است، زبان گزنده و بیان ستیزنده ندارد. در پاسخ سؤالات، مقداری ذکر مصیبت می‌کند و بعد هم مبالغی تعریف و تمجید و تحسین از جلم و سلم و آقایی و بزرگواری رئیس محترم دولت که علی‌رغم شقاوت اشکیاو کارشکنی و مانع‌تراشی آنها، مسیحی‌آوار و صلیب خود را بر دوش می‌کشد و خم بر ابرو نمی‌آورد.

در این چند ماهی که تا مصلوب شدن «سید نجیب محترم» باقی است و آقای رمضان‌زاده وظیفه خطیر سخنگویی دولت را برعهده دارد، وقتی خبرنگاران به جلسه مصاحبه هفتگی وارد می‌شوند لازم است به هر کدام یک جعبه «کلینکس» بدهند که اشکهایشان را پاک کنند.

چند خوابگاه دختران در کوی دانشگاه تهران و دانشگاه امیرکبیر بسیاری از دانشجویان خوابگاهی دختر به خاطر پوشش بیرون دانشگاه نیز به کمیته انضباطی احضار شدند و در مواردی از ورود به خوابگاه منع شدند، همزمان از تعداد زیادی از دانشجویان نیز تعهداتی برای عدم شرکت در هرگونه اعتراض احتمالی گرفته شد.

این فعال دانشجویی اضافه می‌کند: «با وجود تشدید تفکیک جنسیتی در فضاهای دانشگاهی اعم از غذاخوری، کتابخانه، فضای سبز در دانشگاه فردوسی مشهد و جشن استقبال از دانشجویان نورورد در دانشگاه‌ها، شاهد حضور گشت‌های حراستی نیز در دانشگاه هستیم که با مختلط نشست دانشجویان برخورد می‌کنند! چیزی که یادآور گشت‌های کمیته انقلاب در دهه ۶۰ است.»

سردبیر «خبرنامه امیرکبیر» تأکید می‌کند: «نکته بسیار مهمی که اغلب رسانه‌ها به آن نپرداخته‌اند ایجاد گشت‌های موسوم به «سفیران هدایت» در محیط اطراف دانشگاه صنعتی امیرکبیر و تهران است که همزمان با بازگشایی دانشگاه‌ها شروع به کار کرده‌اند، گشت‌هایی که با هدف برخورد با پوشش اختیاری در حد فاصل میدان «ولیعصر» تا «جمهوری» و از چهارراه کالج تا میدان «انقلاب» شروع به کار کرده‌اند. این گشت‌ها توسط نیروهای امنیتی به لباس‌های یک‌شکل انجام می‌گیرد و همزمان فیلم نیز می‌گیرند. هدف آنها نیز چیزی جز برخورد با مردم و درگیری با دانشجویان در خارج از دانشگاه نیست. این گشت‌ها به ظاهر با هدف «تذکر لسانی» جلوی شهروندان را می‌گیرند اما ابعاد آن تا برخوردهای شدید فیزیکی با دانشجویان بدحجاب نیز گسترده می‌شود.»

با وجود این به گفته این فعال دانشجویی، «دامنه تعقیب و گریز دانشجویان با نیروهای سرکوب محدود به فضای دانشگاهی نیست و دست‌کم در دو دانشگاه تهران و امیرکبیر، نیروهای وابسته به طرح «سفیران هدایت» دانشجویان دختر کم‌حجاب را تعقیب می‌کنند و در صورت تنها بودن آنها، اجازه ورود به ایستگاه متروها را نمی‌دهند تا آنها به زور به پوشش اسلامی تن دهند. در کنار این اقدامات نیز این نیروها با دوربین‌های نصب شده بر روی لباس‌شان اقدام به فیلم‌برداری از چهره دختران دانشجو می‌کنند.»

اخراج دانشجویان با طرح عنوان «اتمام سنوات مجاز تحصیلی» نیز بازی جدید نهادهای امنیتی است که به گفته سردبیر «خبرنامه امیرکبیر» از آغاز ترم جدید شروع شده: «پس از اعمال احکام سنگین انضباطی، اغلب فعالان دانشجویی با اتمام سنوات مجاز روبرو شده‌اند، به نحوی که عملاً باعث اخراج بسیاری از این دانشجویان شده. اقدام سرکوبگرانه‌ای که سرنوشت و آینده دانشجویان را بازیچه دست نیروهای اطلاعاتی خارج دانشگاه کرده است.»

این فعال دانشجویی در پایان گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید: «بطور کلی می‌توان گفت که در یک ماه گذشته و پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، شدیدترین موج سرکوب حتی در مقایسه با اعتراضات سال ۱۳۸۸ در دانشجویان و مراکز آموزش عالی تجربه کرده‌اند. از یک ماه مانده به سالگرد کشته شدن مهسا امینی شاهد احضار و بازجویی طیف گسترده‌ای از دانشجویان همراه با اخذ تعهدات بوده‌ایم. از سوی دیگر عمده فعالان دانشجویی به «دفت پیگیری وزارت اطلاعات» احضار شدند و حتا دانشجویانی که بر اساس معیارهای نهادهای امنیتی خنثی بودند نیز برای پاسخگویی و اخذ تعهد به «دفت پیگیری و حقوقی نیایش» دعوت اجباری شدند. این برخوردها با شروع ترم تحصیلی جدید رنگ و بوی دیگری به خود گرفت چون تداوم احضارها با ممنوع‌الورودی دانشجویان همراه شد.»

## آخرین سخنان شاه در واپسین روزهای زندگی:

می خواستم ملت را به تمدن بزرگ  
رهنمون شوم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنشر

آخرین روزها  
پایان سلطنت و  
درگذشت شاه  
(بخش پایانی)  
دکتر هوشنگ نهاوندی

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

همه گواهیها با هم تطبیق می‌کند: شاه درد وحشتناکی داشت، خون زیادی از دست می‌داد. هشیار مانده بود. هرگز شکایت نمی‌کرد. حتی دیگران را دلداری می‌داد و گاهی می‌کوشید شوخی کند. در روزهای پایانی زندگی، چندین بار درخواست کرد او را در کنار افسران و سربازانی که انقلابیون کشتند و به بدترین وجه از بین بردند، به خاک بسپارند. البته، پس از آزادی ایران. بر اساس بعضی اشارات حتی می‌شود گمانه زد که دقیقاً به کجا می‌اندیشید. و بی شک روزی، روز موعود، او را در آنجا آرمیده خواهیم دید. از آنچه در پیرامونش می‌گذشت، بریده بود. وقتی نفسی داشت، سخن می‌گفت، و فقط در مورد ایران. شاه دیگر نه نفرت داشت، نه کینه و تلخکامی.

سه روز پیش از مرگش، به اصلاان افشار، رئیس کل تشریفات که به دیدارش آمده بود اعتراف کرد: «من برای عظمت ایران و خوشبختی ایرانیان، همه چیز انجام دادم. می‌خواستم ملت را به تمدن بزرگ رهنمون شوم، و ببینید، اکنون همه چیز در معرض ویرانی است.» شاه می‌گفت به ویژه از تجزیه کشور و ظهور نیروهای گریز از مرکز در ایران، بیم دارم. او می‌گفت: «انقلاب ایران، برخلاف آنچه که پاره‌ای گفتند یا نوشتند به دلیل فقر نبود. ایرانیان می‌توانستند وضع کشورشان و سطح زندگی خود را با پنجاه یا حتی ده سال پیشش بسنجند. اغلب، افراد مرفه تظاهرات می‌کردند. شرکت در آن انقلاب، برای آنان حکم خودکشی را داشت. ولی آنها را مورد سوء استفاده قرار داده بودند.» اصلاان افشار می‌گوید می‌بایست به او نزدیک می‌شدیم تا صدایش را بشنویم، چون صدایش بسیار ضعیف شده بود: «من در انتظار سرنوشت هستم، مرتب برای ایران و برای ملت دعا می‌کنم، و مدام در اندیشه رنجهای آنانم.»

این، آخرین گفته‌های شاه بود.

بعدها دکتر فلاندرن گفت: «او فقط درباره کشورش سخن می‌گفت. در آن زمانها، او را بسیار تحسین کردم.»

## پایان زندگی شاه

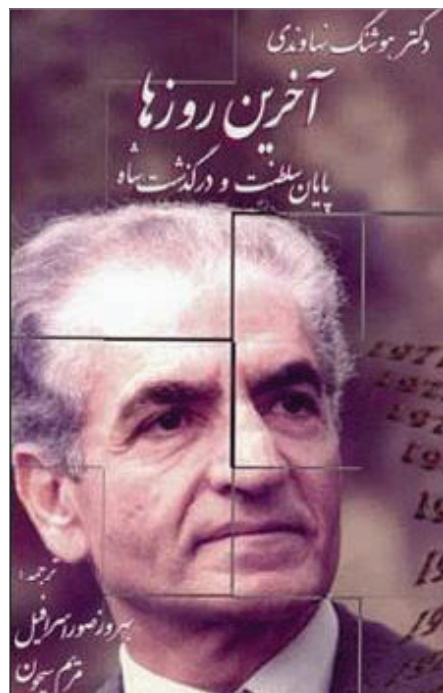
از روز ۲۵ ژوئیه، عفونت جدید و شدیدی، به‌همراه تب

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود.

نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر



دوباره ایجاد شد و شاه به حالت بیهوشی افتاد. این، پایانی بود که قابل پیشگیری نبود، و خیلی زود فرا می‌رسید. فقط موضوع چند ساعت بود.

فرزندان زوج سلطنتی در اسکندریه بودند. به رضا فرزند ارشد در شب ۲۵ به ۲۶ ژوئیه تلفن کردند. او موقعیت را درک کرد و رنگ پریده به خواهرش فرحناز گفت که شاه در حال مرگ است. فرحناز بسیار گریست و با دو فرزند کوچکتر (علیرضا و لیلا) عازم قاهره شدند. روز ۲۶ ژوئیه، گروه پزشکی بر آن شد که بگذارند طبیعت کار خود را انجام دهد و دیگر استفاده از هر وسیله یا امکان درمانی را که به هیچ درد نمی‌خورد متوقف کند. خانواده موافقت خود را اعلام کردند. بیمار به حال اغما رفت، آن روز، ۲۶ ژوئیه،

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به چاپ می‌رساند.

سالگرد مرگ پدرش بود.

شهبانو، شاهدخت اشرف، چهار فرزند شاه، دکتر لیوسا پیرنیا، اردشیر زاهدی، اصلاان افشار، مارک موریس و امیر پورشجاع دائم در بیمارستان بودند.

یکشنبه ۲۷ ژوئیه، پگاه، صدای چند نفس عمیق به‌گوش رسید. سپس دمی عمیق فرو داد، و کار پایان یافت.

تمام لوله‌های امداد رسانی پزشکی را از بدن او جدا کردند. دکتر پیرنیا حلقه ازدواج او را از انگشتش بیرون کشید و به همسرش داد. پرستاری مصری، چشمه‌ایش را بست.

افسانه به‌پایان آمد.

در ساعت ۱۰ صبح، مرگ رسماً اعلام شد و جسد را به سردخانه فرستادند.

بحثی در محافل درون و بیرون ایران درگرفت: آیا شاه وصیتنامه سیاسی از خود به‌جای گذاشته؟ من می‌توانم پاسخی به این موضوع بدهم.

در سال ۱۹۷۶، شاه چند تن از مقامات بلندپایه را به دفتر خود احضار کرد: هویدا نخست‌وزیر، رؤسای دو مجلس، دکتر جمشید آموزگار دبیر کل حزب رستاخیز، محمد باهری قائم مقام و جانشین موقت وزیر دربار (علم بیمار و در خارج از کشور در بستر مرگ بود)، تیمسار ازهارای رئیس ستاد کل ارتش، و معینیان رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی. شاه به آنان گفت: «هیچ کس ابدی نیست. زندگی و مرگ در دست خداست. وظیفه من این است که آینده‌نگری کنم و تداوم دولت و امنیت و تمامیت ارضی کشورم را در نظر بگیرم. هنگامی که من بمیرم، قانون اساسی تکلیف همه چیز را روشن کرده است. اگر وارث من به سن لازم (بیست سال) رسیده باشد، جانشینم خواهد شد. در غیر این صورت، کشور را شهبانو نایب‌السلطنه، با شورایی که شما اعضایش خواهید بود، اداره خواهد کرد. اگر این رویه، که من از شما می‌خواهم از آن پشتیبانی کنید، به هر دلیل ممکن مؤثر نشد، یا اگر این روش انجام نشد و یا رویداد ناگواری رخ داد، ارتش، رئیس ستاد کل و فرماندهان سه نیرو، باید عنان کار را به‌دست بگیرند، و به هر بهایی که شده، کشور را نجات دهند. من همه دستورات را، و همچنین خواسته‌های

سه نشان، دو نشان، ایرانی بود. نشان درجه اول ذوالفقار، نشان ارتش بود و آن دیگر، نشان کشوری سلطنتی. سومی مال مصر بود و انتخابی کاملاً به‌جا.



به دنبال تابوت، تقریباً همه اعضای خاندان سلطنتی، از جمله شهبانو و چهار فرزندش، البته و طبیعتاً سادات که کاروان مشایعان را همانند برادری راستین راه می‌برد و همسرش «جهان» بودند. ایرانیان بسیاری خواسته بودند که برای آخرین ادای احترام به شاه به قاهره بروند، اما زمان کمتر از ۴۸ ساعت بسیار کوتاه بود و بسیاری، مدارک سفر آماده نداشتند. به این جهت، شمار ایرانیان اندک بود.

ریچار نیکسون، رئیس جمهوری پیشین آمریکا، آنجا بود. او گفت: «گمان می‌کنم رفتاری که دولت ما در این قضیه از خود نشان داد، جزو صفحات سیاه تاریخ آمریکا خواهد بود.» هیچ شخصیت بین‌المللی دیگر، هیچ سر تاجدار یا پادشاه پیشینی جز «کنستانتین» پادشاه پیشین یونان و دوست خانوادگی و صمیمی شاه، حضور نداشت.

فقط چهار سفیر، کشورهای خود را نمایندگی می‌کردند: آمریکا، آلمان، اسرائیل و فرانسه. انگلیس و مراکش دیپلماتهای دون‌پایه‌تری فرستاده بودند. ملک حسین، پادشاه اردن مثل چند رئیس کشور دیگر، تاج گلی فرستاده بود.

سه میلیون مصری، کاروان سوگواران را همراهی می‌کردند.



شب ۲۷ ژوئیه، همه مطبوعات جهان، صفحات نخست خود را به مرگ آخرین شاه ایران اختصاص داده بودند.



کالبد محمد رضا شاه با حضور اعضای خانواده سلطنتی و انور سادات در قاهره به خاک سپرده شد

فاجعه‌ای که بر ایران حکمفرما بود و نتایج خارجی انقلاب، باعث شده بود که داوریها پیرامون شاه فقید، عادلانه‌تر باشد. سه ایستگاه تلویزیونی فرانسه، برنامه اخبار خود را با این خبر آغاز کردند. نخستین شبکه، مروری دراز بر گذشته، از اوج تخت جمشید تا فاجعه انقلاب را نمایش داد و اشکهای شاه را در روز ۱۶ ژانویه و هنگام ترک ایران.

شاپور بختیار آخرین نخست‌وزیر شاه، در شبکه دوم بود. سخنانش در مورد آن شخصیت تاریخی، نامنصفانه و از زبان کسی که نخست‌وزیر او بود، در شأن شاه نبود. من در شبکه سوم تلویزیون بودم.

پیامهای تسلیت و همدردی بسیاری برای خانواده شاه فرستاده شد. در نامه ژسکارستن، نه اسمش، نه مقامش و نه خاطره‌اش ذکر شده بود.



اردشیر زاهدی، به‌ویژه با آرام کردن درگیریها و بدخوییهای پیرامونیان – با روش ویژه خود که ناگهان همه چیز را پایان می‌داد – یاری ارزشمندی کرد. تلفنهای ضروری زاهدی برای حل مسائل دیپلماتیک نیز بسیار ارزنده بود.

هنگامی که پرنسس ثریا از مرگ کسی که بعدها به‌عنوان بزرگترین عشق زندگی یاد کرد، آگاه شد، بر آن شد که در مراسم خاکسپاری حضور یابد. اردشیر زاهدی با همه مهارت‌هایش، کوشش کرد و از این تصمیم بازدارد. و به او گفت که به‌نام دوستی و احترام متقابل که همیشه آنان را به هم ارتباط می‌داد، باید قبول کند که حضورش دشواریهای بزرگی از لحاظ خانوادگی و تبلیغاتی پدید می‌آورد. ثریا، که چندی پیش آخرین نامه‌اش را با پیکی خصوصی برای شاه فرستاده بود، بالاخره منصرف شد و به فرستادن تاج گل بسیار با شکوهی بسنده کرد.

آرامگاه در مسجد جامع «الرفاعی» همان جا که پیکر رضاشاه در زمان جنگ دوم جهانی در آنجا آرمیده بود تا به ایران بازگشت، پیش‌بینی شده بود.

تابوت او پوشیده با پرچم ملی ایران، بر روی یک عراده توپ قرار گرفته بود و دوازده اسب آن را می‌کشیدند.

پیشاپیش تابوت، سه افسر با لباسهای نظامی، هر یک بالشیکی در دست داشت که بر هر یک مدالی نصب شده بود. شاه فقید، در دوران زندگی و سلطنتش، بالاترین مدالها و درجات و همه نشانهای مهم کشورهای دنیا را دریافت کرده بود. و حالا، چرا فقط سه مدال؟

مسائل مربوط به ریزه‌کاریهای مراسم، پیرامونیان را دچار

خود را در چند نسخه نوشته‌ام. هر یک از شما، یک نسخه از آن را دریافت خواهید کرد. همچنین دبیر کل حزب رستاخیز.»

این سند چه شد؟ نسخه نخست وزیر به‌وسیله خود او به دکتر هادی هدایتی وزیر مشاور داده شد. متن وصیتنامه در پاکتی سر به‌مهر بود و به‌وسیله دکتر هدایتی در گاوصندوق سری رئیس دولت قرار داده شد. نسخه دفتر خود شاه، در خارج از کشور است. نسخه ارتش در آخر کار، نزد تیمسار قره‌باغی بود که با ژنرال هویزر ساخته بود و مانع هر گونه عملیات نیروهای نظامی می‌شد و به هیچ وجه به سود او نبود که آن متن برملا شود.

به همین ترتیب در مورد بختیار هنگامی که او به نخست‌وزیری رسید، تمایلی نداشت این متن مطرح گردد. و مطمئن نیستم که اصولاً از وجود آن آگاه شده باشد. نسخه‌ای که به محمد باهری داده شده بود، به‌گونه‌ای نجات یافت.

در شرایط پایانی رژیم شاهنشاهی، که کاملاً با آخرین احتمالی که شاه بدان اشاره داشت، منطبق بود، به‌سود هیچکس نبود که اشاره‌ای به آن نوشته بکند. همین طور شهبانو که روی بختیار حساب می‌کرد، و نه حتی بختیار که پیروزی انقلاب را به یک نمایش قدرت نظامی ترجیح می‌داد (تمام اسناد موجود این امر را تأیید می‌کند)، رئیس ستاد کل ارتش هم به همین ترتیب، سودی در رجوع به متن مربوط نداشت. خود شاه هم که کشور را رها کرده بود.



### پی‌نوشت

قاهره، ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۰

در آن روز ۲۹ ژوئیه، در گرمای خفقان‌آور پایتخت مصر، مراسم خاکسپاری محمد رضا شاه، که خود، آن را ساده خواسته بود، بسیار با شکوه برگزار شد. سادات اعلام کرد: «برای ابراز حق‌شناسی و گرامیداشت کارنامه شاه، ما با او، با همان افتخار و احتراماتی وداع خواهیم گفت که هنگامی که به این سرزمین آمد به او عرضه داشتیم. مصر، هرگز یاری ایران به‌هنگام جنگ ۱۹۷۳ با اسرائیل را فراموش نخواهد کرد.» چند روز پیش از مرگ شاه، امیراصلان افشار که پایان کار او را نزدیک می‌دید، برای آخرین بار به دیدار شاه آمده بود. او همه مراسم خاکسپاری را ترتیب داد. همه چیز را با همکاری همتای مصری خود، تیمور به‌انجام رساند.

## آیا مهاجرت آخرین راه است؟ گزارش میدانی درباره آنانکه چمدانهای خود را بستند: کاش «اینها» نبودند!

جعلی در دفترخانه‌اش زده بود تا بتواند هزینه سنگین رفتن فرزندش را تأمین کند.

یک شهروند دیگر می‌گوید: «سال گذشته به دوستان ۷۰ ساله من که اقامت کانادا و آمریکا دارند، کلی جوان از داخل ایران پیشنهاد ازدواج دادند. خانم، اینجا برای رفتن به شهر فرنگ، مردم به هر ترفندی متوسل می‌شوند. تب مهاجرت جدیدی که در ایران شروع شده مرا به یاد سال ۵۷ می‌اندازد؛ این تعدادی که در حال حاضر از ایران خارج می‌شوند بیشتر جزو قشر خاکستری جامعه هستند.»

فرد دیگری به بالا رفتن آمار جرم و فسادهای مالی اشاره می‌کند: «ایران پر از فقر و فساد و خفقان شده؛ دوگانگی عجیبی در کشور حاکم است. امروز رفتن از اینجا برای بسیاری آرزوست. همه فکر می‌کنند که آنطرف به بهشت موعود می‌رسند، اینجا هیچکس راضی و خوشحال نیست.»

خانمی از ارامنه ایران که خانواده پدریش در سال ۱۳۴۱ از ایران به آمریکا مهاجرت کردند می‌گوید: «خانواده من بعد از اینهمه سال هنوز دلتنگ ایرانند. بیشتر اقوام و افرادی که می‌شناسم در حال مهاجرت به آلمان، انگلستان و کشورهای اسکانندیناوی هستند؛ ترکیه پر از ایرانیانی است که سال‌ها در نوبت سازمان ملل انتظار می‌کشند. خانم، موج مهاجرت از دست شرايطی که این حکومت به وجود آورده در کشور بیداد می‌کند، ولی الان اروپا هم پر از حزب‌اللهی و تروریست جمهوری اسلامی شده. وقتی خمینی گفت ما انقلاب‌مان را صادر می‌کنیم، منظورش را خیلی‌ها نفهمیدند، اما امروز اروپا دارد این موضوع را لمس می‌کند.»

در صحبت‌های یکی از فعالان ان‌جی‌او (سازمان‌های غیردولتی یا مردم‌نهاد) که در اعتراضات ۸۸ حضور داشته است چند نکته مهم دیده می‌شود. او می‌گوید: «ما دو بار قصد خروج از کشور را داشتیم؛ بار اول ناموفق بود و بار دوم بعد از جریانات ۸۸ مجبور به خروج از کشور شدیم، تمام جهیزیه همسر، لوازم کارگاه تولیدی و شرکت‌ها را به اجبار با قیمتی بسیار پایین فروختیم، طلاها و حتی حلقه ازدواج‌مان را هم فروختیم، در جریان مهاجرت زن و شوهرهای زیادی را دیدم که از هم جدا شدند، حتی خودکشی دو سه نفر را دیدیم که کار مهاجرت‌شان انجام نشده بود.»

او و همسرش با ویزای تحصیلی خود را به آمریکا رساندند و زندگی خود را از صفر شروع کردند: «اینجا سرمایه و مهارت خاصی نداشتیم، اما بعد از ۱۰ سال این تلاش‌ها به نتیجه رسیدند، حالا برای آینده فرزندان احساس رضایت می‌کنیم.»

او به تعدد فعالیت شرکت‌های مهاجرتی در ایران اشاره می‌کند: «مردم، سبک زندگی خارج را با سبک زندگی خود مقایسه می‌کنند، اما شرایط مهاجرت برای همه وجود ندارد، افرادی هستند که به حداقل امکانات خود راضی هستند ولی اینها مقایسه می‌کنند می‌بینند یک دختر و پسر در غرب حتی در ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس، مشکل تبلت ندارند، اینترنت لاک‌پشتی ندارند، مشکل خرید تلفن هوشمند ندارند...»

● بانویی از ارامنه‌ی ایران: «موج مهاجرت از دست شرايطی که این حکومت به وجود آورده در کشور بیداد می‌کند، ولی الان اروپا هم پر از حزب‌اللهی و تروریست جمهوری اسلامی شده. وقتی خمینی گفت ما انقلاب‌مان را صادر می‌کنیم، منظورش را خیلی‌ها نفهمیدند، اما امروز اروپا دارد این موضوع را لمس می‌کند.»

● «تب مهاجرت جدیدی که در ایران شروع شده مرا به یاد سال ۵۷ می‌اندازد؛ این تعدادی که در حال حاضر از ایران خارج می‌شوند بیشتر جزو قشر خاکستری جامعه هستند.»

● «شاید نسل بعد از ما ایران را بسازند چون از ما که گذشت؛ دیگر توانش را نداریم که ایران را دوباره بسازیم؛ خیلی زرنگ باشیم به کشور دیگری برویم و زندگی خود را بسازیم که حداقل مرگ راحت‌تری داشته باشیم.»

● «ته دم دوست دارم شب بخوابم صبح بلند شوم بینم همه چیز عوض شده، و اینها نیستند!»

فیروزه نوردستروم-آنها که از ایران مهاجرت کردند چه می‌گویند؟ به چه دلیل از ایران خارج شدند؟ از چه چیزهایی گذشتند؟ آیا احساس رضایت می‌کنند؟ آنها که چمدان‌های خود را بسته و آماده رفتن هستند، برای انجام مقدمات مهاجرت با چه مشکلاتی روبرو بوده‌اند؟ آیا مهاجرت برای همه امکانپذیر است؟ آیا مهاجرت آخرین راه است؟ کیهان لندن این پرسش‌ها را با شماری از شهروندان در میان گذاشته است.

پدر و مادرش در خانه دیگران کار می‌کنند و خودش هم مسافرکشی می‌کند: «این هم سؤال است که می‌پرسید؟ مگر در این مملکت زندگی نمی‌کنید؟ اینجا دیگر جای ماندن نیست، بمانیم که چه بشود؟ نه آینده‌ای، نه امید به آینده، برویم خارج در رستوران ظرف بشوییم بهتر از اینجا است که به زندان برویم، فقط می‌خواهم خودم را از این خفقان نجات بدهم.»

این حرف‌های یک شهروند شیرازی است که توصیف و تعبیر قابل توجهی را از وضعیت «مشتاقان» مهاجرت ارائه می‌کند. او ادامه می‌دهد: «مسلماً برای خانواده و دوستان دلتنگ می‌شوم، ولی آنها می‌توانند بیایند و مرا ببینند. فعلاً فقط باید بروم.»

این شهروند با اشاره به اینکه پدر و مادرش هزینه دریافت ویزا و ارز را تقبل می‌کنند می‌افزاید: «بیشتر متقاضیان مهاجرت، وکیل گرفته‌اند و هزینه‌های سنگینی نیز متحمل شده‌اند.»

خانمی اهل تهران، بیشتر صحبت‌های خود را به مشکلات پدرمادرها برای انجام کارهای مهاجرت فرزندان اختصاص می‌دهد: «امروز برای انجام کاری به میدان فردوسی رفته بودم، ازدحام مردم و صدا البته دلارفرشان و مامورین زیاد بود. پدرمادرها برای اینکه بچه‌هایشان را به خارج بفرستند، خودشان را به آب و آتش می‌زنند، یک دفترخانه‌دار آشنا یک ماه پیش پسر کوچک‌اش را به لندن فرستاد، امروز شنیدم به خاطر پرداخت هزینه وکیل و سفر، کلی سند خلاف و

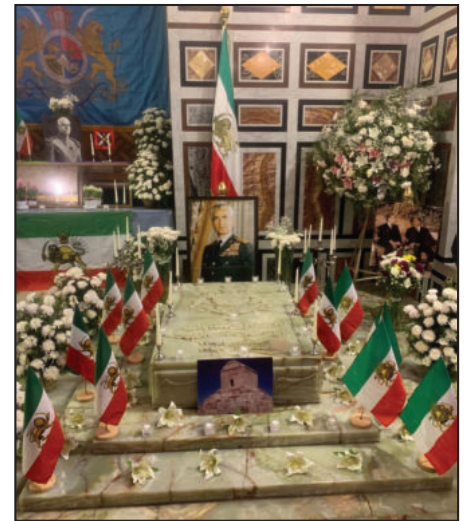
کاخ سفید، موضوع را به‌سادگی، بی کوچکترین اشاره‌ای به روابطی که آن فقید را به کشور آمریکا مرتبط می‌کرد، و یا نقش ایران در دنیای آزاد، برگذار کرده بود. اطلاعاتیه مطبوعاتی، فقط اکتفا کرده بود به این که «او ایران را به‌مدت استثنایی ۳۸ سال رهبری کرد و نامش در تاریخ به‌عنوان کسی که در زمان او ژرف‌ترین دگرگونیها صورت گرفت، خواهد ماند. مرگش، پایان دوره‌ای در ایران است.»

هنری کیسینجر رفتارش در مورد شاه روشن نبود و در آخرین سال‌های سلطنت او چنان بود که شاه در روایت انگلیسی «پاسخ به تاریخ» بدان اشاره کرد. کیسینجر در رثای شاه نوشت: «او دوست خوب ایالات متحده بود و در همه بحرانها از ما پشتیبانی کرد.» و افزود او در حالی مرد که همه، جز سادات، او را رد کرده بودند. یک وزیر پیشین آمریکا به‌نام «جیمز مک کلوی» گفت: «ما رفتار بسیار ناشایستی نسبت به او داشتیم.»

چند تن از بزرگان جهان، این دلیری را کردند که به‌عنوان خصوصی، محرمانه رفتار کنند: «بودوئن» پادشاه و ملکه «فابیولا»ی بلژیک، پرنس «موناکو»، کنت «دوپاری»...  
اصلاً افشار، به‌تمام این پیامها و بیانه‌ها، گویی بار دیگر رئیس تشريفات شاه فقید شده است، پاسخهای لازم را نوشت و شهبانو امضا کرد.

در ایران، خبر درگذشت شاه، هیچ گونه تظاهراتی به‌راه نینداخت. می‌توان گفت با این که ایرانیان انتظارش را می‌کشیدند، بیشتر به صاعقه می‌ماند. برای همه ایرانیان، این رویداد پایان یک دوره، یک دنیا و یک افسانه بود.

ایرانیان بسیاری که همچنان به شاه وفادار مانده، یا فقط از هجده ماه تجربه انقلابی که کشورشان را به آتش و خون



کشیده بود، خسته شده و از اوها واهی خود برگشته بودند، در پنهان گریستند.

برخی دیگر خود را بی تفاوت نشان دادند. چند گروه که رژیم آنها را به کوچه‌ها فرستاده بود تا برقصند و بخوانند، در برابر سکوت، خشم و سرزنش و ملامت همگانی، ناگزیر شدند باساطشان را جمع کنند و بروند.

چند روز بعد، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری آینده ایران و مرد نیرومند رژیم اعلام کرد: «آمریکاییها شاه را کشتند.» در حالی که همسر نخستین رئیس جمهور همین رژیم، «بنی‌صدر» اعتراف کرد: «ایرانیان افسوس گذشته و حتی شاه را می‌خوردند.»

جسد محمدرضاشاه همچنان در قاهره آرمیده است.  
(پایان)

اجازه داد می‌تواند برود درس بخواند! این از نظر مادرم یک تفکر درست بود چون اسلام می‌گفت! من سر این مسائل همیشه با او جنگ روانی داشتم، در نهایت تصمیم گرفتم تنها زندگی کنم. بعد از دانشگاه، وارد بازار کار شدم ولی سوء استفاده‌های جنسی، حقوق بسیار پایین، نبود سنوات و عیدی، پرداخت حقوق با تأخیر، نگاه مردسالارانه به زنان و

نداشتم به ایران برگشتم. شاید هم خودم را با این محیط تطبیق داده‌ام؛ ولی راضیم؛ شاهد سالمند شدن پدر مادرم هستم؛ اگر اتفاقی برایشان رخ دهد حضور دارم؛ اینجا احساس تنهایی نمی‌کنم؛ درآمد من و همسرم خوب است؛ اینجا احترام اجتماعی دارم در حالی که در آمریکا نداشتم و یا اصلاً دیده نمی‌شدم؛ قطعاً نبود آزادی‌های اجتماعی و

شهروند دیگری که ۲۰ سالی می‌شود به ایران برگشته، از تصمیم خود راضی است: «از ۴ تا ۸ سالگی در فرانسه بزرگ شدم و در تهران به مدرسه ژاندارک رفتم، بعد از دبیرستان با دوستان خارجی مکاتبه کردم. حدود ۳۰ دوست مکاتبه‌ای داشتم از ژاپن تا آرژانتین و برزیل، هر هفته پستی از یکجای دنیا برایم نامه می‌آورد، در ۲۲



نداشتن امنیت شغلی همه اینها باعث شد تا یک روز تصمیم گرفتم برای همیشه از ایران بروم. او که تا دو سال پیش قصد مهاجرت نداشت می‌گوید: «شاید نسل بعد از ما ایران را بسازند چون از ما که گذشت، دیگر توانش را نداریم که ایران را دوباره بسازیم، خیلی زرنگ باشیم به کشور دیگری برویم و زندگی خود را بسازیم که حداقل مرگ راحت‌تری داشته باشیم.» او در مورد امکان مهاجرت برای همه شهروندان ایرانی معتقد است: «جدا از موضوع مالی، افراد زیادی به محیط و افراد اطراف خود وابسته هستند، اگر مهاجرت کنند شاید موفق شوند ولی آدم‌های افسرده‌ای خواهند شد، این موضوع را در بسیاری از اطرافیانم دیده‌ام، مگر آنها که مثل من مستقل بوده‌اند، و وابستگی به اطرافیان خود ندارند.»

ولی آیا مهاجرت آخرین راه است؟ «نه، من هنوز ته دم دوست دارم شب بخوابم صبح بلند شوم بینم همه چیز عوض شده، و اینها نیستند، هرچند دوست دارم این اتفاق بیفتد ولی با توجه به شرایط موجود، این آرزوی یک رویای محال است.» دوست او هم با پیوستن به گفتگوی ما می‌گوید: «دارم تلاشم را می‌کنم برای رفتن ولی خیلی‌ها حتی شرایط مهاجرت را هم ندارند، یا از نظر مالی یا اینکه ازدواج کرده بچه کوچک دارند، یا پدر مادر پیری دارند که نمی‌توانند آنها را جابجا کنند. در این افراد، میل به خودکشی بسیار بالا رفته. هفته گذشته با یکی از این دوستانم صحبت می‌کردم، می‌گفت به یک راه خودکشی فکر می‌کرده که درد نکشد. خیلی این موضوع را می‌شنوم. ترسناک است! شاید مهاجرت آخرین راه نباشد؛ شاید با یک تغییر اساسی بتوان این مملکت را درست کرد؛ ولی اینکه یکسری آدم بخواهند خود را برای رهایی از این شرایط بکشند؟! وحشتناک است!»

فشارهای امنیتی در اینجا برایم سخت است.» این شهروند ایرانی- آمریکایی ادامه می‌دهد: «بیشتر اطرافیان من قصد مهاجرت دارند و می‌گویند برای آینده بهتر بچه‌هایمان می‌خواهیم برویم. پدرمادریایی که سال‌هاست برای فرزندشان کتاب خریده‌اند، خودشان اهل کتاب و مطالعه نیستند، یک خانواده فاقد پارامترهای غنی یک خانواده فرهنگی که در اینجا برای موسیقی، فرهنگ یا کتاب اعتباری قائل نیست چطور در غرب می‌تواند این امکانات را کسب کند؟!»

یک دختر جوان کارمند در یک شرکت خصوصی نیز به این گفتگو می‌پیوندد: «من و بسیاری از دوستانم برای رفتن به کشورهای مختلف از چند سال قبل شروع کردیم؛ در این چند سال چند نفر دیگر از دوستان هم به ما ملحق شده‌اند.»

او که خود را یک متولد دهه شصتی معرفی می‌کند توضیح می‌دهد: «من و بقیه دوستانم با بحران‌هایی روبرو شدیم که همیشه برای متولدین این دهه وجود داشت؛ از کمبودها و تحریم‌ها تا تغییرات آموزشی که بر روی نسل ما آزمایش کردند، جوانی ما با جولان‌های گشت ارشاد به هدر رفت. در جریانات ۸۸ خیلی از مسائل را دیدیم. در آن سال‌ها هفت خوان کنکور را پشت سر گذاشتیم و با شوک بسیار بزرگ سهمیه‌ها و آزار و اذیت‌ها و فشارهای داخل دانشگاه مواجه شدیم. در دانشگاه هم سیستم آموزشی فرمایشی و گزینشی را تجربه کردیم.»

او عدم باورپذیری خانواده را یکی از دلایل جدا شدن از خانواده و مهاجرت عنوان می‌کند: «اگر حمایت پدرم را نداشتم، هیچ کاری نمی‌توانستم بکنم اما مادرم تفکرات مذهبی بسیار شدیدی داشت؛ عقیده داشت دختر اصلاً نباید درس بخواند، نباید به فلان کلاس و باشگاه برود، باید در خانه بماند و خانه‌داری یاد بگیرد و شوهر کند و اگر شوهرش

سالگی برای کشف دنیاها جدید و کنجکاو در دنیای دیگران مهاجرت کردم. در شرایطی که لیسانس داشتم و می‌توانستم تا مقطع فوق لیسانس و دکترا ادامه تحصیل بدهم. اما می‌خواستم بدانم مردم سایر کشورها چه تفاوت‌های فرهنگی با ما دارند، چگونه زندگی می‌کنند، سبک فکری آنها چقدر با ما فرق دارد. ابتدا می‌خواستم به هند بروم چون غرب برایم جالب نبود اما در هند به صورت تصادفی ویزای آمریکا گرفتم و یک‌دفعه خود را در آمریکا دیدم.»

او ادامه می‌دهد: «کسی که مهاجرت می‌کند فقط از یک نقطه جغرافیایی به یک نقطه دیگر جابجا نمی‌شود، شرایط مدرسه، دانشگاه، اشتغال، حتی دوستی‌هایی او با شرایط داخل ایران یکی نیست، یک مهاجر، حامل طبقه اجتماعی خود نیست، طبقه اجتماعی فرد پس از مهاجرت در کشور دوم اُفت می‌کند؛ با مهاجرت، بسیاری از ارتباطات خود را برای پیدا کردن یک شغل مناسب از دست می‌دهیم؛ مسئله دیگر، تنهایی است. در روز شکرگزاری دوستان آمریکاییم به خانه پدر و مادر خود می‌رفتند، وقتی از من می‌پرسیدند آیا به خانه پدر و مادرت می‌روی؟ جوابی نداشتم! با مهاجرت نه تنها مفهوم خانواده بلکه شبکه ارتباطات خانوادگی خود را از دست می‌دهیم، هرچند این روابط را دوباره به دست می‌آوریم ولی زمانبر است.»

از او می‌پرسم چرا برگشتی؟ پاسخ می‌دهد: «چون حس کردم در غرب بودن یک تاریخ انقضا دارد، همه گشت و گذارهایم را کرده بودم، درس تمام شده بود اما هیچ احساس تعلق خاطر نداشتم که به دنبال کار یا تشکیل خانواده باشم، با وجود یک پیشنهاد کاری خوب در واشنگتن دی‌سی رمقی نداشتم که از نیویورک به آنجا بروم و از صفر شروع کنم. چون مشکل سیاسی

## به دلیل احتمال دخالت «دولت ثالث»، پرونده ترور سیاستمدار اسپانیایی به «پلیس مبارزه با تروریسم» و دادستانی کل سپرده شد

● با ورود پلیس مبارزه با تروریسم به تحقیقات مرتبط با تیراندازی به آخو ویدال کوادراس، احتمال دست داشتن جمهوری اسلامی در این اقدام تروریستی قوت گرفته است.

-ضارب گویا یک قاتل حرفه‌ای فرانسوی است که بنا بر تحقیقات اولیه حدس زده می‌شود توسط «کشوری ثالث» اجیر شده است.

احمد رأفت - تحقیقات در رابطه با تیراندازی به آخو ویدال کوادراس یکی از سیاستمداران راست‌گرای اسپانیا که دارای روابط بسیار نزدیکی با سازمان مجاهدین خلق است، ادامه دارد.

ساعت ۱۳:۳۰ به وقت محلی روز پنجشنبه در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر مادرید، فرد ناشناسی گلوله‌ای به سوی آخو ویدال کوادراس شلیک کرد و سپس با یک موتور یاماها سیاه رنگ که فرد دیگری آن را می‌راند از محل گریخت. این فرد و راننده موتور هر دو کاسکت بر سر داشتند و بنابراین قابل شناسایی نبودند. چند ساعت بعد پلیس لاشه این موتور را که به آتش کشیده شده بود در حومه مادرید پیدا کرد.

آخو ویدال کوادراس که بلافاصله به بیمارستان منتقل شد، با رسیدن پلیس گفت به احتمال زیاد پشت این تلاش برای قتل او جمهوری اسلامی قرار دارد. در ابتدا این اظهارات سیاستمدار اسپانیایی مورد توجه قرار نگرفت، ولی در روز شنبه تحقیقات از پلیس جنایی به نیروهای ویژه مبارزه با تروریسم سپرده شد و دادستانی کل نیز قدم به این پرونده گذاشت. در اسپانیا پرونده‌های مربوط به تروریسم بر عهده دادستانی‌های محلی نیست و مسئولیت آنها با دادستانی کل کشور است.

روز شنبه مشخص شد نگاه کسانی که این تحقیقات را عهده‌دار شدند به سمت جمهوری اسلامی است. در همین رابطه پلیس مبارزه با تروریسم خواهان همکاری CNI یا مرکز امنیت ملی شد. این مرکز مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات در رابطه با تروریسم داخلی و خارجی را دارد. بر اساس تحقیقات اولیه حدس زده می‌شود که ضارب دارای تابعیت فرانسوی بوده و یک قاتل حرفه‌ای است که نامش در فهرست پلیس فرانسه و اینترپل یا پلیس بین‌المللی نیز به اتهام قتل‌های دیگر نیز قرار دارد و مدت‌ها است که تحت پیگرد است. حدس زده می‌شود که کشور ثالثی این قاتل حرفه‌ای را برای ترور آخو ویدال کوادراس اجیر کرده باشد. یک قانونگذار اسپانیایی می‌گوید اگر جمهوری اسلامی پشت این سوء قصد باشد، پیامدهای آن سنگین خواهد بود.

سخنگوی دادستانی کل کشور بدون وارد شدن به جزئیات این پرونده می‌گوید بدون شک این اقدام را می‌توان تروریستی تلقی کرد و باید به دنبال آمران این عملیات در داخل و خارج از مرزهای اسپانیا بود. ناچو مارتین



آخو ویدال کوادراس

جمهوری اسلامی در ژانویه ۲۰۲۳ برای بار دوم نام آخو ویدال کوادراس را به عنوان «شخصیت اروپایی حامی تروریسم» در فهرست جدید تحریم‌های خود ثبت کرده بود. چنانکه هرمان ترتش روزنامه‌نگار سابق و قانونگذار کنونی پارلمان اروپا و هم‌حزبی آخو ویدال کوادراس به کیهان لندن می‌گوید «او بارها توسط عوامل جمهوری اسلامی تهدید شده بود». نام هرمان ترتش نیز در یکی دیگر از فهرست‌های شخصیت‌های اروپایی تحریم شده توسط جمهوری اسلامی به چشم می‌خورد. این قانونگذار اسپانیایی در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «آنچه آیت‌الله‌ها در ایران از درک آن عاجزند این است که با تهدید و ترور نمی‌توان موج حمایت از خواست‌های دموکراتیک مردم ایران را متوقف ساخت.»

برخی از تحلیلگران اسپانیایی هدف تلاش برای قتل آخو ویدال کوادراس را گسترده‌تر از بین بردن یک سیاستمدار اروپایی نزدیک به سازمان مجاهدین خلق و مخالف جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنند. این تحلیلگران بر این نظر هستند که ایجاد بی‌ثباتی در اسپانیا که در حال حاضر در بحران سیاسی برای تشکیل دولت جدید بسر می‌برد و رهبری ادواری اتحادیه اروپا را نیز دارد، یکی دیگر از اهداف این عملیات تروریستی است. اسپانیا به عنوان رئیس ادواری اتحادیه اروپا می‌تواند بر تصمیمات کشورهای اروپایی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و همچنین بحران غزه تأثیرگذار باشد.

بلانکو نماینده مجلس اسپانیا از «حزب مردم» که آخو ویدال کوادراس قبل از تاسیس حزب راست افراطی VOX از رهبران آن بود، در گفتگویی با شبکه ۴ رادیوی دولتی اسپانیا می‌گوید «اگر چنانکه حدس زده می‌شود جمهوری اسلامی پشت این حمله ناجوانمردانه به یک شخصیت سیاسی کشور ما قرار داشته باشد باید بدانند که تبعات آن بسیار سنگین خواهد بود.»

اسپانیا در حال حاضر و تا آخر سال جاری میلادی ریاست ادواری اتحادیه اروپا را عهده‌دار است. آخو ویدال کوادراس از زمانی که معاونت پارلمان اروپا را در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ بر عهده داشت، دارای روابط بسیار نزدیک با سازمان مجاهدین خلق است و بارها در نشست‌های آنها در پاریس نیز شرکت و سخنرانی کرده است. آخرین بار آخو ویدال کوادراس در نیمه ماه سپتامبر ۲۰۲۳ در نشست سازمان مجاهدین خلق در بروکسل شرکت و سخنرانی کرد. وی در حاشیه این نشست در گفتگو با برخی رسانه‌های اسپانیایی جمهوری اسلامی را یک «دیکتاتوری وحشی» خواند که «روزانه حقوق مردم را با استفاده از خشونت لگدمال می‌کند، زنان ایرانی را شهروندان درجه سوم دانسته و از همه مهم‌تر تروریسم را در سطح جهانی حمایت کرده و عامل بی‌ثباتی در منطقه و در کل جهان است.» او همچنین در جریان سخنرانی‌اش در این نشست شدیداً از مقامات اروپایی به خاطر «مماشات با جمهوری اسلامی» و «عدم حمایت از اپوزیسیون دموکراتیک ایران» انتقاد کرد.



## لغو مراسم سالگرد جان باختن یلدا آقافضلی افزایش فشارها بر خانواده‌های دادخواه



شدنش به دست مأموران جمهوری اسلامی تحت تدابیر شدید امنیتی سر مزار او برگزار شد.

بر اساس ویدئویی که پدر کیان در استوری اینستاگرامش منتشر کرده این مراسم با حضور وی و مادر کیان، ماه‌منیر مولایی‌راد بر مزار کیان در روستای پرچستان شهر ایذه برگزار شد. تنها تعداد اندکی از اقوام و نزدیکان خانواده پیرفلک توانستند بر مزار کیان حاضر شوند و دیگر شهروندان اجازه حضور در آرامستان را پیدا نکردند.

بر اساس گزارش‌های مردمی، شمار زیادی از شهروندان، آموزگاران و دانش‌آموزان نیز برای شرکت در این مراسم راهی روستای پرچستان بودند که در جاده توسط مأموران انتظامی و امنیتی بازگردانده و از حضور آنها در مراسم جلوگیری شده است.

همچنین گزارش شده که طوبی بیگدلی و زهرا سعیدیان‌جو، مادر و خواهر میلاد سعیدیان‌جو از جانب‌اختگان جنبش ملی در شهر ایذه، نیز که قصد داشتند بر مزار کیان حاضر شوند توسط نهادهای امنیتی مورد حمله قرار گرفته و با اسلحه تهدید شدند. همچنین دو تن از همراهان مادر و خواهر میلاد سعیدیان‌جو نیز روز گذشته بازداشت شدند.

زهرا سعیدیان‌جو و امید سعیدیان‌جو، خواهر و برادر میلاد در مراسم تولد او در دهم اسفند سال گذشته بازداشت شده بودند. زهرا سعیدیان‌جو یک‌بار دیگر نیز در اواسط تیر امسال به دلیل هم‌دردی با خانواده‌های داغ‌دار بازداشت شد.

میلاد سعیدیان‌جو جوان ۲۶ ساله‌ای بود که روز ۲۵ آبان سال گذشته و همزمان با کیان پیرفلک و دستکم ۹ شهروند دیگر در خیابان حافظ جنوبی ایذه هدف گلوله نیروهای مسلح جمهوری اسلامی قرار گرفت و کشته شد.

آبان آزاد شد و در تماس با دوستانش گفت که با وجود فشار بازجوهایش، «اظهار پشیمانی نکرد». او پنج روز پس از آزادی از زندان جان باخت.

مراسم خاکسپاری این دختر جوان در جو امنیتی سنگین و با حضور گسترده مأموران برگزار شد. چند روز پس از جان باختن یلدا آقافضلی دو فایل صوتی از این دختر جوان منتشر شد که از بازداشت وحشیانه وی در نزدیکی دانشگاه تهران و همچنین ضرب و جرح شدید او در بازجویی حکایت داشت.

هرچند برخی خبرها از خودکشی یلدا آقافضلی به دلیل ضربات روحی ناشی از مدت بازداشت حکایت داشت اما قوه قضاییه جمهوری اسلامی حتا خبر خودکشی او را پس از آزادی از زندان تکذیب و اعلام کرد او بر اثر مصرف زیاد ماده مخدر شیشه جان خود را از دست داده است!

مهرداد آقافضلی پدر نیمه شهریومه و در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی با انتشار یک ویدئو از دخترش در اینستاگرام نوشته «بخشید پست استوری زیاد نمی‌دارم دیگه همه می‌دونید داستان چیه، نمی‌خوام دست کسی الکی بپونه بدم که بیان سراغم هر کاری دوست دارن انجام بدن، من بعد یلدا دیگه ترسی از چیزی ندارم ولی دوست دارم مژه کار این بچه هارو ببینم، بعدش برم پیش دخترم». با فرا رسیدن سالگرد جانب‌اختگان اعتراضات جنبش ملی، فشارها بر خانواده‌های دادخواه افزایش پیدا کرده است. نهادهای امنیتی خانواده جانب‌اختگان را برای عدم برگزاری مراسم یا برگزاری تحت نظارت و مدیریت نهادهای امنیتی زیر فشار قرار داده‌اند.

روز گذشته نیز مراسم سالگرد جان باختن کیان پیرفلک روز پنجشنبه ۱۸ آبان و یک هفته زودتر از تاریخ کشته

● پدر یلدا ساعاتی قبل با انتشار پستی نوشته که «کلیه مراسم (بهشت زهرا و مراسم خصوصی) یاد بود و سالگرد یلدا آقافضلی روز جمعه ۱۹ آبان برگزار نمی‌شود».

● مهرداد آقافضلی، پدر یلدا آقافضلی، پیشتر اعلام کرده بود که روز جمعه ۱۹ آبان مراسم سالگرد یک سالگی جان باختن دخترش در «بهشت زهرا» برگزار می‌شود.

● با فرا رسیدن سالگرد جانب‌اختگان اعتراضات جنبش ملی، فشارها بر خانواده‌های دادخواه افزایش پیدا کرده است.

مهرداد آقافضلی پدر یلدا آقافضلی در اینستاگرام خود از لغو مراسم سالگرد جان باختن دخترش خبر داد. با فرا رسیدن سالگرد اعتراضات جانب‌اختگان اعتراضات جنبش ملی، فشار بر خانواده‌های دادخواه افزایش یافته است.

پدر و عموی یلدا آقافضلی روز جمعه ۱۹ آبان ۱۴۰۲ با انتشار متنی مشترک در شبکه‌های اجتماعی از لغو مراسم سالگرد جان باختن این دختر جوان خبر دادند.

مهرداد آقافضلی، پدر یلدا آقافضلی، پیشتر اعلام کرده بود که روز جمعه ۱۹ آبان مراسم سالگرد یک سالگی جان باختن دخترش در «بهشت زهرا» برگزار می‌شود.

مهرداد آقافضلی همچنین نوشته بود: «بلندترین شب‌ها را نه در شب یلدا که در نبود یلدا بسر کردیم ولی یاد گرفتیم «تا آخر اظهار پشیمانی نکردن را».

اشاره او به فایل صوتی دخترش، یلدا، پس از آزادی از بازداشت موقت است که در آن گفته بود نیروهای امنیتی در پرونده‌اش نوشته بودند: «متهم تا آخر اظهار پشیمانی نکرد».

پدر یلدا ساعاتی قبل در پست جدیدی از لغو این مراسم خبر داد و نوشت «کلیه مراسم (بهشت زهرا و مراسم خصوصی) یادبود و سالگرد یلدا آقافضلی روز جمعه ۱۹ آبان برگزار نمی‌شود».

عادل آقافضلی عموی یلدا نیز متنی مشابه را درباره لغو مراسم سالروز درگذشت یلدا منتشر کرد. بر اساس گزارش‌ها قرار بود یک مراسم خصوصی و مراسم یادبود عمومی دیگری بر مزار یلدا آقافضلی در «بهشت زهرا» برگزار شود اما هر دو برنامه بدون هیچ توضیحی از سوی خانواده لغو شد.

پیش از این و در طول یک سال گذشته نیز سنگ مزار یلدا تخریب و عکس او مخدوش شده بود. فهیمه مرادی، مادر یلدا نیز ۲۶ شهریور امسال و همزمان با نخستین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز خیزش ملی در ایران بازداشت شده بود.

یلدا آقافضلی دختر هزمنده ۱۹ ساله از معترضان اعتراضات ملی «زن، زندگی، آزادی» بود که در تظاهرات ۴ آبان ۱۴۰۱ در میدان انقلاب تهران بازداشت و به زندان قرچک ورامین منتقل شد. او در اعتراض به شرایط زندان اعتصاب غذا کرد و بدون آنکه هیچ‌یک از اتهامات را بپذیرد روز یکشنبه ۱۵ آبان آزاد شد اما چند روز بعد به مرگی مشکوک جان باخت و پیکر او تحت تدابیر شدید امنیتی در «بهشت زهرا» به خاک سپرده شد.

یلدا آقافضلی، معترض ۱۹ ساله در روز ۴ آبان سال ۱۴۰۱ در حوالی خیابان «انقلاب» تهران بازداشت شد. او در ۱۵

# پولیتیکو: در اروپا حتا بعد از حمله حماس به اسرائیل همچنان بر سر تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی اختلاف وجود دارد!



حمایت طرفداران نظام از حماس در راهپیمایی حکومتی «۱۳ آبان» سال ۱۴۰۲

است، هرگونه دخالت در تهاجم غافلگیرانه حماس به اسرائیل را رد می‌کند.

با این حال، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از حماس تمجید کرده و گفته است «کسانی که می‌گویند حمله اخیر حماس کار غیرفلسطینی‌ها است، اشتباه می‌کنند.»

در این میان، هراس از جاه‌طلبی‌های جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست و جو بایدن رئیس‌جمهوری ایالات متحده، به رژیم ایران و دیگرانی که ممکن است به فکر حمله به اسرائیل باشند، هشدار داده: «این کار را نکنید. نکنید نکنید!» نگرانی‌ها بیشتر بر حزب‌الله لبنان متمرکز است که جبهه دوم تمام‌عیار را علیه اسرائیل از شمال باز می‌کند و شورشیان حوثی مورد حمایت رژیم ایران در یمن نیز موشک‌هایی را از سمت دریای سرخ شلیک می‌کنند.

در همین حال، امانوئل ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه، به حمایت تهران از حماس در قالب «کمک» و «همکاری» اشاره اما همزمان تصریح کرد که «هیچ نظری درباره دخالت مستقیم ایران» در این جنایات ندارد.

علاوه بر این، برخی دیپلمات‌ها استدلال می‌کنند که اقدامات جدید می‌تواند روی برجام نیز تأثیر بگذارد، اگرچه این توافق مدت‌هاست از نظر سیاسی مرده است.

یک دیپلمات دیگر (منبع دوم) در سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا (EEAS) می‌گوید، از سوی کشورهای عضو خواسته شده تا در مورد پیامدهای احتمالی اجرای چنین پیشنهاد تحریمی علیه رژیم ایران به کارگروه مربوطه توضیح داده شود.

یک دیپلمات دیگر (منبع سوم) گفت این گفتگوها بسیار مقدماتی بود و عمدتاً با این هدف انجام شد که کشورهای عضو بتوانند بدون نیاز به اتخاذ موضعی قاطع، پرسش‌های حقوقی و سیاسی در همین ارتباط مطرح کنند. وی افزود که این پیشنهاد ممکن است حمایت لازم را برای عملی شدن جلب نکند.

## تحریم‌های جدید حماس

اتحادیه اروپا برای اعمال تحریم‌های جدید علیه حماس از سوی آمریکا و اسرائیل تحت فشار قرار گرفته است. سه قدرت اصلی اروپا (آلمان، فرانسه و ایتالیا) تحریم‌های جدیدی را علیه حماس و حامیان بین‌المللی آن «به صورت شفاهی» پیشنهاد کرده‌اند. در یک سند سه صفحه‌ای مورخ نهم نوامبر که پولیتیکو مشاهده کرده، آنها می‌نویسند که «افزایش ارتباطات برای منزوی کردن حماس در سطح بین‌المللی و مشروعیت‌زدایی از روایت نادرست حماس به عنوان مدافع (دلسوز) آرمان فلسطین مهم است.»

این سند می‌افزاید «هنگامی که شرایط سیاسی مناسب باشد»، این اقدامات جدید باید بطور ایده‌آل توسط ائتلاف گسترده‌ای از دولت‌ها با حضور قوی کشورهای عربی اجرا شود. قصد این است که حماس را از منابع (از جمله مالی و تسلیحاتی) محروم کرده و زیرساخت‌های آن را در خارج از غزه و همچنین جایگاه سیاسی و عمومی این گروه را هدف قرار داد.

یکی از پیشنهادات این است که تحریم‌های فعلی - که حماس را از سال ۲۰۰۳ در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده - گسترش داده شود و افراد بیشتری از این تشکیلات تحت تحریم‌ها قرار بگیرند. این سند همچنین پیشنهاد می‌کند که تحریم‌های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی به دلیل حمایت این دولت از روسیه «برای هدف قرار دادن حمایت از حماس» در زمینه ارائه تسلیحات مانند موشک، گسترش یابد.

منابعی در سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا اعلام کردند این صحبت‌ها «داخلی و محرمانه... بوده [و] مربوط به رسانه‌ها نیست.» ریاست این شورا با اسپانیاست که نماینده‌ی آن از اظهار نظر خودداری کرد.

## انکار واقعیت توسط رژیم ایران

جمهوری اسلامی که از حامیان دیرینه حماس و حزب‌الله

● برخی در اتحادیه اروپا می‌خواهند تحریم‌های بیشتری را علیه جمهوری اسلامی ایران، به ویژه ممنوعیت صادرات قطعات مورد استفاده در تولید موشک، برنامه‌ریزی کنند اما در این زمینه اختلاف وجود دارد.

● مخالفان تشدید تحریم‌های جمهوری اسلامی با این استدلال که تحریم‌ها می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد و درگیری در خاورمیانه را تشدید کند، پرچم قرمز در مورد زمان‌بندی این پیشنهاد بلند کردند. یکی از دیپلمات‌ها گفت که تشدید درگیری «دقیقاً همان چیزی است که اتحادیه اروپا می‌خواهد از آن اجتناب کند.»

پایگاه خبری پولیتیکو ۱۱ نوامبر (۲۰ آبان‌ماه) گزارش داد اتحادیه اروپا تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی به دلیل حمایت از حماس را مورد بررسی قرار داده اما اختلاف نظر گسترده‌ای در میان دیپلمات‌های این اتحادیه بر سر اینکه آیا چنین اقدامی می‌تواند مثبت باشد یا نه وجود دارد.

در همین حال آلمان، فرانسه و ایتالیا برنامه‌هایی را در مورد چگونگی تحریم بیشتر حماس طراحی کرده‌اند.

در این گزارش آمده تهران از مدت‌ها پیش یکی از حامیان اصلی حماس بوده که حملات «هفت اکتبر» علیه اسرائیل را انجام داد. در این عملیات حدود ۱۴۰۰ شهروند اسرائیلی کشته و بیش از ۲۴۰ نفر زخمی شدند. اما با وجود سابقه حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های شبه‌نظامی، برخی مقامات آمریکایی و اسرائیلی میزان دخالت مستقیم ایران یا حتا آگاهی از برنامه‌های حماس برای این حملات را نادیده گرفته‌اند.

برخی در اتحادیه اروپا می‌خواهند تحریم‌های بیشتری را علیه رژیم ایران، به ویژه ممنوعیت صادرات قطعات مورد استفاده در تولید موشک، برنامه‌ریزی کنند.

اتحادیه اروپا سال‌ها پیش حماس را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد و تحریم‌هایی را علیه آن اعمال کرد. در مورد ایران، اتحادیه اروپا در ماه گذشته تصمیم گرفت تحریم‌های مرتبط با توافق هسته‌ای (برجام) را در زمینه موشکی و نظامی حفظ کند. از ماه ژوئیه، بروکسل تحریم‌های جدیدی را برای صادرات قطعات مورد استفاده در پهپادها پس از انتشار گزارش‌هایی در مورد انتقال پهپاد به روسیه توسط رژیم ایران، اعمال کرده. به گفته سه دیپلمات اتحادیه اروپا که به دلیل ماهیت حساس مذاکرات، نام آنها اعلام نمی‌شود، «اکنون در بروکسل هیاهو بپا شده است.»

این پیشنهاد هفته گذشته در یک کارگروه متشکل از دیپلمات‌های متخصص در امور خاورمیانه در شورای وزیران اتحادیه اروپا مورد بحث قرار گرفته است.

در آن جلسه چندین کشور اتحادیه اروپا با این استدلال که تحریم‌ها می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد و درگیری در خاورمیانه را تشدید کند، پرچم قرمز در مورد زمان‌بندی این پیشنهاد بلند کرده و نسبت به آن هشدار دادند. یکی از دیپلمات‌ها گفت که تشدید درگیری «دقیقاً همان چیزی است که اتحادیه اروپا می‌خواهد از آن اجتناب کند.»

در طرف مقابل اما برخی کشورهای اتحادیه اروپا گفتند که اگر شواهدی مبنی بر دست داشتن جمهوری اسلامی ایران در حمله هفت اکتبر وجود داشته باشد یا اگر تهران تنش‌ها در منطقه را تشدید کند، منطقی است که اقداماتی برای مقابله با آن آماده کنند.

# رویترز: صادرات نفت از ایران به چین روزانه به حدود ۱/۴۵ میلیون بشکه رسید



کشتیرانی و شرکت‌های نفتی جمهوری اسلامی در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارند

نیست و نیازی به همکاری با شرکت‌های غربی در زمینه فناوری ندارند. گفته می‌شود که بیشتر تراکنش‌ها با یوان صورت می‌گیرد.

پالایشگاه‌های مستقل چینی عمدتاً به این دلیل که نفت ایران با کیفیت و ارزان است مشتری آن هستند. جمهوری اسلامی گاهی هر بشکه نفت را با تخفیف حدود ۱۳ دلار زیر قیمت به فروش می‌رساند.

چین همچنین از روسیه و ونزوئلا نفت می‌خرد که آنها هم با تحریم‌های آمریکا مواجه شده‌اند. یکن مدت‌هاست که با تحریم‌های یکجانبه مخالفت کرده و گفته است تجارت عادی این کشور مستحق احترام و حمایت است.

با این حال، آخرین محموله نفت ایران به چین که بطور رسمی توسط گمرک ثبت شد، در اوایل سال ۲۰۲۲ بود که به مقصد ذخایر دولتی آن کشور صادر شده بود.

## دولت ایالات متحده چه اقدامات عملی انجام داده است؟

از سال ۲۰۲۱ واشنگتن بیش از ۱۸۰ فرد و نهاد مرتبط با بخش‌های نفت و پتروشیمی ایران یا مرتبط با جابجایی و شستشوی درآمدهای غیرقانونی را تحریم کرده است. بیش از ۴۰ شناور به عنوان اموال مسدود شده نهادهای تحریمی شناسایی شده‌اند.

وزارت خارجه در ماه اکتبر به رویترز گفت، دولت ایالات متحده همچنین بطور منظم با سایر کشورها در ارتباط است تا آنها را بطور جدی از انجام اقداماتی که برخلاف تحریم‌های جمهوری اسلامی است منصرف کند.

جمهوریخواهان در آمریکا و همچنین مخالفان جمهوری اسلامی دولت بایدن را متهم می‌کنند که با نادیده گرفتن تحریم‌های نفتی دست رژیم ایران را برای تأمین مالی تروریسم و سرکوب مردم باز گذاشته است.

از جعل مکان‌ها و انجام عملیات کشتی به کشتی (STS) در مکان‌هایی خارج از مناطق مجاز انتقال و گاهی اوقات در شرایط آب و هوایی نامناسب برای پنهان کردن فعالیت‌ها، که باعث نگرانی در بین کشورهای مربوطه نسبت به آلودگی‌های احتمالی می‌شود.

طبق اطلاعات «ورتکسا» و «کپلر»، این کشتی‌ها گاهی از طریق ماهواره‌ها در نزدیکی بنادر در عمان، امارات متحده عربی و مهم‌تر از همه مالزی، قطب اصلی حمل و نقل، قابل ردیابی می‌شوند و محموله‌ها را عمدتاً در بنادر استان شاندونگ چین تخلیه می‌کنند.

چین واردات نفت خام را با صدور سهمیه تنظیم می‌کند. در اوایل سال جاری، زمانی که سهمیه‌ها محدود بود، بازرگانان چند محموله نفت خام سنگین ایران را به عنوان مخلوط قیر برچسب‌گذاری کردند که مقامات چینی را بر آن داشت تا بازرسی‌های نفتکش‌ها را افزایش دهند.

در دولت ترامپ فروش نفت ایران به زیر ۳۰۰ هزار بشکه در روز رسیده بود.

**کدام پالایشگاه‌های چین نفت خام ایران را می‌خرند؟**  
پالایشگاه‌های دولتی غول پیکر «سینوپک» و «پتروچاینا» زمانی مشتریان اصلی نفت ایران با سرمایه‌گذاری در میادین نفتی در این کشور بودند. اما آنها از اواخر سال ۲۰۱۹، پس از اعلام تحریم‌های آمریکا واردات نفت از ایران را متوقف کردند.

تحریم‌ها در ابتدا منجر به کاهش شدید جریان نفت به چین شد، اما با پیوستن پالایشگاه‌های مستقل به جمع خریداران، حجم آن افزایش یافت.

به گفته تاجران چینی، بیش از ۴۰ پالایشگاه غیردولتی چینی، نفت ایران را فرآوری می‌کنند. آنها با سیستم مالی جهانی ارتباط ندارند و تبادلات مالی آنها بر اساس دلار

● بر اساس داده‌های مؤسسه رهگیری کشتی «ورتکسا»، چین بزرگترین واردکننده نفت خام جهان و اصلی‌ترین مشتری ایران در ۱۰ ماهه اول سال ۲۰۲۳ روزانه بطور متوسط حدود یک میلیون بشکه نفت از این کشور خریداری کرده است.

● این مقدار ۶۰ درصد بالاتر از زمانی است که پس از سال ۲۰۱۷ رژیم ایران از سوی دولت دونالد ترامپ با «کارزار فشار حداکثری» روبرو شد.

● طبق اطلاعات «ورتکسا» و «کپلر»، کشتی‌های نفتکش گاهی از طریق ماهواره‌ها در نزدیکی بنادر در عمان، امارات متحده عربی و مهم‌تر از همه مالزی، قطب اصلی حمل و نقل، قابل ردیابی می‌شوند و محموله‌ها را عمدتاً در بنادر استان شاندونگ چین تخلیه می‌کنند.

خبرگزاری رویترز دهم نوامبر (۱۹ آبان) گزارش داد صادرات نفت ایران با وجود تحریم‌های آمریکا افزایش پیدا کرده و واردات نفت چین از ایران به بالاترین حد خود رسیده است.

با وجود تحریم‌های موجود علیه جمهوری اسلامی به دلیل برنامه‌های هسته‌ای آن، قانونگذاران آمریکایی پس از حملات «هفت اکتبر» گروه تروریستی حماس به اسرائیل به دنبال اعمال فشار بیشتر به رژیم ایران به دلیل حمایت از شبه‌نظامیان منطقه هستند، اگرچه تهران هرگونه دخالت در این جنایت فبیج را رد کرده است.

قانونگذاران ایالات متحده اکنون در حال بررسی قانونی هستند که طی آن بنادر و پالایشگاه‌های خارجی که واردکننده نفت ایران هستند تحریم خواهند شد.

## چین چقدر نفت از ایران می‌خرد؟

بر اساس داده‌های مؤسسه رهگیری کشتی «ورتکسا»، چین که بزرگترین واردکننده نفت خام جهان و اصلی‌ترین مشتری ایران است، در ۱۰ ماهه اول سال ۲۰۲۳ روزانه بطور متوسط حدود یک میلیون بشکه نفت از این کشور خریداری کرده است. این مقدار ۶۰ درصد بالاتر از زمانی است که جمهوری اسلامی پس از سال ۲۰۱۷ از سوی دولت دونالد ترامپ با «کارزار فشار حداکثری» روبرو بود.

واردات جمهوری خلق چین در سال جاری پس از افزایش تولید نفت در ایران و ارائه تخفیف‌های ویژه و بالا افزایش یافت.

بر اساس اطلاعات رویترز و آمار اوپک، ایران در ماه اکتبر حدود ۳/۱۷ میلیون بشکه نفت در روز تولید کرده که بالاترین میزان از سال ۲۰۱۸ است. یعنی زمانی که واشنگتن تحریم‌ها را دوباره علیه رژیم ایران اعمال می‌کرد.

داده‌های «ورتکسا» نشان می‌دهد که واردات نفت چین از ایران در ماه اکتبر به حدود ۱/۴۵ میلیون بشکه در روز رسیده که بالاترین سطح تا کنون است.

نفت توسط نفتکش‌های قدیمی ایران موسوم به «ناوگان شیخ» حمل می‌شود که معمولاً هنگام بارگیری در بنادر ایران، فرستنده‌های خود را خاموش می‌کنند تا شناسایی نشوند.

سایر روش‌های مورد استفاده توسط این کشتی‌ها عبارتند

# نکاتی در مورد مفهوم «آتش‌بس»؛ تعلیق نبرد، تعلیق خصومت، آتش‌بس برای پایان جنگ یا صلح موقت؟!



تظاهرات هواداران حماس و اسلامگرایان افراطی و حامیان آنها/ لندن / ۱۱ نوامبر ۲۰۲۳

## Cessation of hostilities تعلیق خصومت

عبارت دیگری که برای متوقف ساختن موقتی عملیات نظامی استفاده می‌شود «Cessation of hostilities» یا تعلیق خصومت و توقف موقت درگیری‌ها [iv] است. دامنه این نوع توقف گسترده‌تر از عملیات جنگی است به گونه‌ای که می‌تواند برای توقف هر نوع دشمنی و مخاصمه غیرنظامی هم به کار رود. این نوع متوقف ساختن عملیات رسمی‌تر از «توقف شلیک» است و در همه ابعاد و صحنه‌های عملیاتی به کار می‌رود. به همین دلیل ارزش حقوقی بالاتری دارد، اما هنوز ضرورتاً معادل «آتش‌بس» به معنی رایج کلمه و پایان جنگ نیست و در نتیجه هنوز نمی‌تواند امری به لحاظ حقوقی الزام‌آور تلقی شود. اما این پیام را با خود حمل می‌کند که امکان دستیابی به صلح وجود دارد. نکته مهمی که به عنوان یک فرضیه می‌بایست برای این نوع تعلیق خصومت در نظر گرفت این است که در آن حسن نیت طرفین برای پایان بخشیدن دائمی به نبردها دیده می‌شود [v] و به همین دلیل ابعاد بشردوستانه آن به مراتب قویتر از «توقف شلیک» یا تعلیق عملیات نظامی بنا بر ملاحظات انساندوستانه و غیرانساندوستانه است. آنچه تا کنون از سوی نهادها و مقامات بین‌المللی در ارتباط با طرفین درگیر در جنگ اسرائیل و حماس شده نشان می‌دهد که آنها حتی به مرحله «تعلیق خصومت» نیز نزدیک نشده‌اند زیرا تقاضاها در سطح بین‌المللی هنوز در سطح اول یعنی «توقف شلیک» است. دلیل دیگر برای این موضوع آن است که گروه تروریستی حماس از آزاد ساختن غیرنظامیانی که به اسارت گرفته خودداری می‌ورزد و حسن نیت نشان نمی‌دهد. فقدان حسن نیت، امکان ترک مخاصمه را به پایین‌ترین درجه، یعنی همان حالت توقف موقت عملیات برای انجام اقدامات انساندوستانه کاهش می‌دهد.

## Ceasefire آتش‌بس برای پایان جنگ

در حالت سوم عبارت «Ceasefire» آتش‌بس [vi] به معنی واقعی و عمومی کلمه است که برخلاف دو مورد پیشین با الزام حقوقی همراه است. بر این اساس،

توقف عملیات نظامی به این معنی نیست که طرفین برای قرارداد صلح اقدام به توقف عملیات نظامی کرده‌اند. به عبارت دیگر، به محض اینکه دلیل توقف موقت منتهی شد و توافق برای متوقف ساختن موقت عملیات نظامی پایان یافت، جنگ از سر گرفته می‌شود. قطعنامه مورخه ۲۶ اکتبر ۲۰۲۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به این نوع توقف نبرد میان عملیات دفاع مشروع اسرائیل و نیروهای حماس اشاره داشت، [ii] هرچند که رسانه‌ها در مواردی، مانند تایمز اسرائیل، آنرا معادل آتش‌بس به معنی عمومی آن تعبیر نمودند. حتی دبیرکل ملل متحد نیز از این خطا در امان نماند و در سخنرانی خود مفهوم توقف موقت عملیات را با «آتش‌بس» یکسان در نظر گرفت.

سازمان‌های بین‌المللی، شامل سازمان ملل متحد، اغلب برای جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع و تشدید درگیری‌ها که به تلفات و خسارت‌های جانی و مالی بیشتری منجر می‌شود، نخست طرفین جنگ را به این نوع از توقف جنگ فرا می‌خوانند. از آنجا که این فراخوان دارای ابعاد قراردادی نیست، طرفین و یا یکی از آنها ممکن است بنا به دلایلی از پذیرش آن سر باز زنند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز اغلب از همین مفهوم استفاده می‌کند تا بتواند مأموریت‌های انساندوستانه خود را انجام دهد: «یک آتش‌بس باید امکان انجام کارهای غیرمرتبط با اقدامات عمومی جنگ را فراهم کند (مثلاً خارج کردن مجروحان، دفن کشته‌ها، مبادله اسیران) یا به فرماندهان نظامی زمان بدهد تا دستورالعمل‌های مربوط به مذاکرات را بخواهند». بر اساس این تعریف، توقف موقت عملیات می‌تواند چند بار تکرار شود و ضرورتاً هر بار هم با اهداف انساندوستانه همراه نباشد. قطعنامه مجمع عمومی، که در بالا به آن اشاره شد، درخواست توقف عملیات نظامی برای دو منظور را داشت: اول اهداف بشردوستانه. دوم، ایجاد فرصت برای اینکه بتوانند به نشست‌های ضروری خود برای رسیدگی به شرایط منطقه ادامه دهد. [iii] این نکته ظریف حقوقی از چشم رسانه‌های فارسی‌زبان و تحلیلگران پنهان ماند.

● عدم دقت در معانی مفاهیم و واژه‌ها و اصطلاحات ممکن است نه تنها تحلیل‌های سیاسی را با گمراهی و نتایج نادرست همراه سازد، بلکه انتشار آنها در رسانه‌ها و گفتگوهای عادی می‌تواند امواج انسانی برآمده از احساسات را نیز به مسیر نادرست آتش‌افروزی و ضدصلح هدایت کند.

● برای توقف یک جنگ تا رسیدن به صلح چهار اصطلاح متفاوت و مرحله وجود دارد. آنچه بطور بین‌المللی در ارتباط با جنگ حماس و اسرائیل مطرح شده، نخستین مرحله یعنی «توقف شلیک» یا «تعلیق عملیات نظامی» با اهداف انساندوستانه است که هیچ بار حقوقی و الزام‌آور ندارد.

دکتر محمود مسائلی - اخیراً موضوع آتش‌بس در مواضع سیاسی مختلف هم توسط کسانی که از عملیات حماس دفاع می‌کنند، هم آنها که از این عملیات دفاع نمی‌کنند و می‌گویند که مدافع «فلسطین» هستند، در همه رسانه‌ها مشاهده می‌شود. حتی آنتونیو گوترش به عنوان بلندپایه‌ترین مقام اجرایی سازمان ملل متحد خواهان «آتش‌بس» شده است. ولی آتش‌بس به چه معنی است؟ آیا قطعنامه اخیر مجمع عمومی در مورد آتش‌بس میان اسرائیل و حماس ضرورتاً همان معنی و مفهومی را دارد که دبیرکل ملل متحد آنرا درخواست نمود؟

این نوشتار تعابیر مختلفی را که از مفهوم آتش‌بس درک می‌شود توضیح می‌دهد تا بتواند برخی برداشت‌های نادرست از این مفهوم را برای علاقمندان روشن سازد. این توضیحات می‌تواند به پاره‌ای از سردرگمی‌ها پایان بخشیده و شاید بعضی ساده‌انگاران را از فرو افتادن به مواضع نادرست بازدارد. در ادبیات حقوق بین‌الملل معمولاً از چهار عبارت برای برقراری آتش‌بس میان نیروهای متخاصم استفاده می‌شود که هر کدام از آنها بار و ماهیت حقوقی خود را دارند. بنا بر ظرفیت حقوقی و قدرت الزام‌آور بودن هر کدام از این عبارات می‌توان نوعی نظام سلسله مراتب نیز برای آنها در نظر گرفت.

## Truce توقف شلیک

در پایین‌ترین درجه اهمیت حقوقی، اما بالاترین درجه هنجاری اهمیت، مفهوم «Truce» یا توقف شلیک و تعلیق نبرد [i] (وقفه انساندوستانه) قرار دارد که می‌تواند به عنوان تصمیمی بشردوستانه برای جلوگیری از خسارات بیشتر و سپس یافتن راه حلی برای پایان منازعه تعریف شود. در این نگرش توقف موقت عملیات نظامی بیشتر برای مقاصد بشردوستانه است. فرضاً طرفین ممکن است موافقت کنند در ایام خاصی از ادامه عملیات نظامی علیه یکدیگر بطور موقت خودداری کنند. اما برای اهداف غیر بشردوستانه نیز ممکن است نبردها به حالت تعلیق موقت درآیند. فرضاً عملیات متوقف می‌شود تا فرماندهان فرصت داشته باشند دستورالعمل‌ها را بخوانند و زمینه مذاکرات برای حل و فصل نبرد را فراهم کنند. به همین دلیل توقف موقت عملیات نظامی از ماهیت قراردادی برخوردار نیست و به همین دلیل از نظر حقوقی الزام‌آور نیست. همچنین در نظر بگیرد فرماندهان طرفین در یک منطقه خاص عملیاتی تصمیم می‌گیرند عملیات را متوقف سازند تا بتوان زخمی‌ها را از میدان نبرد خارج کرد. در هر حال، این نوع

## بیانیه یورگن هابرماس فیلسوف آلمانی درباره «اصول همبستگی» در جنگ حماس علیه اسرائیل



یورگن هابرماس در مراسم دریافت جایزه «درک و بردباری» ۱۳ نوامبر ۲۰۱۰ / رویترز

● علاوه بر هابرماس، فیلسوف ۹۴ ساله که یک مرجع فکری و اخلاقی در کشورش به شمار می‌رود، کلاوس گونتر حقوقدان و همچنین دانشمندان علوم سیاسی، نیکول دایتلهوف و رایز فورست این بیانیه را امضا کرده‌اند.

● «وضعیت کنونی که بر اثر حمله‌ی بی‌رحمانه حماس که فراتر از آن تصورناپذیر است و واکنش اسرائیل به آن به وجود آمده، به موجی از اعلام مواضع و برگزاری تظاهرات اخلاقی و سیاسی انجامیده است. ما معتقدیم که با وجود تمام نظرات متضادی که بیان می‌شوند، باید برخی اصولی را که بی‌بایست آنها را مورد مناقشه قرار داد، رعایت کرد. زیربنای این اصول، همانا به درستی همبستگی با اسرائیل و یهودیان در آلمان است.

قتل عام توسط حماس با این قصد که زندگی یهودیان را بطور کلی نابود کند، اسرائیل را به تلافی در مقابل آن واداشت. درباره اینکه این تلافی متقابل و موجه چگونه انجام شود به شکل بحث‌برانگیز گفتگو می‌شود. متناسب بودن اقدام، اجتناب از قربانیان غیرنظامی و پیشبرد جنگ با چشم‌انداز صلح در آینده می‌بایست اصول راهنما باشند. با وجود تمام نگرانی‌هایی که درباره سرنوشت ساکنان فلسطین وجود دارد اما وقتی نیت نسل‌کشی به اقدامات اسرائیل نسبت داده می‌شود، آنگاه معیارهای قضاوت کاملاً به حاشیه رانده می‌شود.

به ویژه آنکه روش اسرائیل به هیچ وجه واکنش‌های یهودستیزانه را توجیه نمی‌کند، خاصه در آلمان. اینکه زنان و مردان یهودی بار دیگر مورد تهدیدات جسمی و جانی قرار بگیرند و از خشونت فیزیکی در خیابان‌ها هراس داشته باشند، تحمل‌ناپذیر است. درک دموکراتیکی که جمهوری فدرال آلمان بر اساس الزام احترام به کرامت انسان از خود دارد با آن فرهنگ سیاسی مرتبط است که در پرتو جنایات انبوه دوران نازی، زندگی یهودیان و حق موجودیت اسرائیل از عناصر اصلی و به ویژه شایسته‌ی حفاظت آن است. تعهد به این اصل برای همزیستی سیاسی ما یک امر بنیادی است. حقوق اساسی مانند آزادی و مصونیت جسمانی و همچنین حفاظت در برابر افتراهای نژادپرستانه، اموری تقسیم‌ناپذیرند و برای همگان بطور برابر معتبر است. به این اصول همه آن کسانی نیز باید پایبند باشند که در کشور ما احساسات و باورهای یهودستیزی را پشت انواع دستاویزها پرورده‌اند و اکنون فرصتی مساعد یافته‌اند تا آنها را بی‌مهار ابراز کنند.

نیکول دایتلهوف، رایز فورست، کلاوس گونتر و یورگن هابرماس»

● «وضعیت کنونی که بر اثر حمله‌ی بی‌رحمانه حماس که فراتر از آن تصورناپذیر است و واکنش اسرائیل به آن به وجود آمده، به موجی از اعلام مواضع و برگزاری تظاهرات اخلاقی و سیاسی انجامیده است. ما معتقدیم که با وجود تمام نظرات متضادی که بیان می‌شوند، باید برخی اصولی را که بی‌بایست آنها را مورد مناقشه قرار داد، رعایت کرد. زیربنای این اصول، همانا به درستی همبستگی با اسرائیل و یهودیان در آلمان است.»

یورگن هابرماس به همراه سه شخصیت دانشگاهی آلمانی بیانیه‌ای با عنوان «اصول همبستگی» در ارتباط با جنگ غزه که هفتم اکتبر ۲۰۲۳ با حمله تروریستی گروه حماس علیه اسرائیل آغاز شد، منتشر کرده است. علاوه بر هابرماس، فیلسوف ۹۴ ساله که یک مرجع فکری و اخلاقی در کشورش به شمار می‌رود، کلاوس گونتر حقوقدان و همچنین دانشمندان علوم سیاسی، نیکول دایتلهوف و رایز فورست این بیانیه را امضا کرده‌اند.

این بیانیه دوشنبه ۱۳ نوامبر در وبسایت مرکز پژوهشی «اصول هنجاری» (Normativ Orders) وابسته به دانشگاه گوته در فرانکفورت منتشر شده است. هابرماس که یکی از مشهورترین تئوری‌های وی درباره مفهوم ارتباط و زبان و درک و گفتگو به عنوان مهم‌ترین ابزار برقراری مناسبات و همزیستی در جوامع بشری است، پیشتر علیه جنگ اوکراین نیز موضع گرفته و همزمان با تهدیدات روسیه در فوریه ۲۰۲۳ درباره وقوع جنگ جهانی سوم هشدار داده بود.

متن کامل این بیانیه را که کیهان لندن به فارسی ترجمه کرده می‌خوانید:

«وضعیت کنونی که بر اثر حمله‌ی بی‌رحمانه حماس که فراتر از آن تصورناپذیر است و واکنش اسرائیل به آن به وجود آمده، به موجی از اعلام مواضع و برگزاری تظاهرات

→ آتش‌بس نشان از اراده طرفین برای رسیدن به پایان نهایی جنگ و درگیری‌ها را نشان می‌دهد. در این مرحله از آنجا که طرفین اراده سیاسی خود را برای آتش‌بس به عنوان فرصتی برای پایان بخشیدن به جنگ بطور رسمی اعلام می‌کنند، پس عملیات نظامی در همه جبهه‌ها متوقف می‌شود. از این مرحله است که حل و فصل نهایی اختلافات از ابعاد سیاسی فراتر رفته و به مرحله قضائی هم وارد می‌شود تا بتواند زمینه‌های معاهدات حقوقی صلح را فراهم آورد. در این مرحله از پیشرفت برای متوقف ساختن عملیات نظامی موضوع اراده سیاسی و محاسبات استراتژیک ابعاد برجسته‌تری نسبت به موضوعات بشردوستانه پیدا می‌کند. سازمان ملل متحد آتش‌بس را به یک مرحله مقدماتی و سپس یک مرحله بالاتر که آتش‌بس قطعی است تقسیم می‌کند. یک آتش‌بس مقدماتی ممکن است قبل، به موازات یا پس از آغاز یک روند رسمی و گسترده‌ی صلح آغاز شود، اگرچه لزوماً پیش‌نیاز یک روند صلح نیست. آتش‌بس مقدماتی معمولاً به دنبال کاهش خشونت، کاهش بحران انسانی و برای ایجاد محیطی است که جهت مذاکرات مساعدتر است و مسیری را برای یک آتش‌بس قطعی ترسیم می‌کند. اما آتش‌بس قطعی (یا دائمی) معمولاً نتیجه یک روند سیاسی موفق است که در آن طرفین در مورد تمام جنبه‌های مذاکرات صلح به توافق رسیده‌اند. [vii]

### Armistice صلح موقت

گاهی «Armistice» یا یک صلح موقت [viii] گام‌ها را برای رسیدن به پایان نهایی جنگ نزدیک‌تر می‌سازد. در این مرحله عملیات نظامی متوقف می‌شود، اما هنوز به مرحله قرارداد صلح نرسیده است. با این حال، گفتگوها ادامه پیدا می‌کند تا به مرحله قرارداد صلح نهایی نزدیک شود. از آنجا که این نوع صلح موقت توسط طرفین اراده شده و با جدیت بیشتری برای صلح پایدار ادامه پیدا می‌کند، فراتر از «آتش‌بس» بوده و از الزام حقوقی بالاتری برخوردار است و ماهیتی قراردادی میان طرفین شکل می‌گیرد. توافقنامه صلح موقت برای جنگ کره در سال ۱۹۵۳ نمونه مهمی از این نوع توافق است. با اینهمه در عمل این احتمال نیز وجود دارد که صلح موقت نتواند به مرحله صلح دائمی برسد.

به عنوان یک نتیجه‌گیری ساده می‌بایست خاطرنشان ساخت که عدم دقت در معانی مفاهیم و واژه‌ها و اصطلاحات ممکن است نه تنها تحلیل‌های سیاسی را با گمراهی و نتایج نادرست همراه سازد، بلکه انتشار آنها در رسانه‌ها و گفتگوهای عادی می‌تواند امواج انسانی برآمده از احساسات را نیز به مسیر نادرست آتش‌افروزی و ضدصلح هدایت کند.

\*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

[i] Truce

[ii] GA Res. A/ES/۱۰/L.۲۵ “Calls for an immediate, durable and sustained humanitarian truce leading to a cessation of hostilitiesL.”

[iii] Calling for an immediate and sustained humanitarian truce leading to a cessation of hostilities, the General Assembly today demanded the unhindered provision of essential aid to civilians throughout the Gaza Strip, as the body continued its emergency session on the situation in the Middle East.

[iv] Cessation of hostilities

[v] See: Proclamation ۳۷۴: Cessation of Hostilities of World War II.

[vi] Ceasefire

[vii] UN Peacemaker, Terminology and Typology of Ceasefires.

[viii] Armistice

# حملات آمریکا به مواضع سپاه پاسداران در سوریه؛ وزارت خارجه جمهوری اسلامی: آمریکا پیام داد دنبال گسترش جنگ نیستیم



محل استقرار نیروهای آمریکایی در پایگاه هوایی «عین الاسد» در استان الانبار عراق که در هفته‌های اخیر بارها توسط شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران هدف قرار گرفت

مواضع سپاه و گروه‌های نیابتی در شرق سوریه (دیرالزور) از هشتم نوامبر، کاهش شدیدی در حملات آنها علیه نیروهای آمریکایی در منطقه دیده می‌شود.

با اینهمه امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران روز دوشنبه ۲۲ آبان در یک سخنرانی با این ادعا که «ما در اوج قدرت هستیم» و با تکرار اینکه عملیات حماس «مقدمه فروپاشی نهایی رژیم صهیونیستی است» گفت، «آمریکایی‌ها خود را در سرنوشت رژیم صهیونیستی شریک می‌کنند و هزینه این موضوع را می‌پردازند.»

اگرچه وزارت دفاع آمریکا نسبت به گذشته واکنش‌های بیشتری علیه حملات شبه‌نظامیان در منطقه را در دستور کار قرار داده اما ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه در یک کنفرانس خبری ادعا کرد «آمریکایی‌ها پیام دادند که به دنبال گسترش جنگ نیستیم و شما هم از نفوذ خود برای جلوگیری از تشدید جنگ استفاده کنید... ما هم گفتیم که گروه‌های مقاومت، مستقل تصمیم می‌گیرند!»

وی در بخشی از این کنفرانس گفت: «کشورهای مختلف بجای ارسال پیام به ایران، حمایت یکجانبه خود از رژیم صهیونیستی را پایان دهند.»

ناصر کنعانی در مورد ارسال پیام توسط فرانسه به جمهوری اسلامی توضیح داد «کشورهای مختلف ادعا و یا مطرح می‌کنند که پیام‌هایی را به ایران دادیم. آندسته از کشورهای که این پیام‌ها را می‌فرستند، بجای فرستادن برای ایران که بارها گفته ما نقشی نداشتیم، هم حمایت یکجانبه خودشان را از رژیم صهیونیستی پایان دهند و هم به رژیم صهیونیستی اعلام فشار کنند که به جنایات خودش پایان ببخشد.»

در این بیانیه آمده، این حملات علیه یک مرکز آموزشی و یک خانه امن در نزدیکی شهرهای البوکمال و المیادین انجام شد.

لوید اوستین تأکید کرده «برای رئیس جمهور هیچ اولویتی بالاتر از امنیت پرسنل ایالات متحده وجود ندارد و او با این اقدام روشن ساخت که ایالات متحده از پرسنل و منافع خود دفاع خواهد کرد.»

خبرگزاری رویترز به نقل از منابع محلی گزارش داد «در این حملات یک اردوگاه که توسط شبه‌نظامیان مورد حمایت [رژیم] ایران در غرب البوکمال در استان دیرالزور هدف قرار گرفت.» در این گزارش آمده نیروهای آمریکایی و ائتلاف در هفته‌های اخیر دست کم ۴۰ بار در عراق و سوریه توسط نیروهای تحت حمایت جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفته‌اند. در این حملات دست کم ۴۵ سرباز آمریکایی دچار آسیب و یا جراحات جزئی شده‌اند. روزنامه «گاردین» به نقل از پنتاگون نوشت ۵۶ نیروی آمریکایی در این حملات آسیب دیدند.

بعد از حمله تروریستی حماس به اسرائیل موج شدیدی از حملات راکتی و پهپادی علیه نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه آغاز شد.

علی‌خانم‌ای رهبر جمهوری اسلامی روز ۱۵ آبان ماه در دیدار با محمد شیاع السوداني نخست‌وزیر عراق گفت، از همان روزهای اول حملات اسرائیل تمام قرائن و شواهد نشان‌دهنده «دخالت مستقیم آمریکایی‌ها در اداره جنگ» است. در یک ماه گذشته هواپیماهای آمریکایی دست کم سه نوبت پایگاه‌های وابسته به سپاه پاسداران و گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی را هدف قرار دادند. برخی منابع ادعا می‌کنند با آغاز حملات متقابل آمریکا به

● وزیر دفاع آمریکا در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که نیروهای ارتش ایالات متحده در واکنش به حملات مستمر علیه پرسنل آمریکایی در عراق و سوریه حملات دقیقی را به تأسیساتی در شرق سوریه که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های وابسته به [رژیم] ایران کنترل می‌شود انجام داد.

● ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرد «آمریکایی‌ها پیام دادند که به دنبال گسترش جنگ نیستیم و شما هم از نفوذ خود برای جلوگیری از تشدید جنگ استفاده کنید... ما هم گفتیم که گروه‌های مقاومت، مستقل تصمیم می‌گیرند!»

● امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران همزمان در یک سخنرانی با این ادعا که «ما در اوج قدرت هستیم» با تکرار اینکه عملیات حماس «مقدمه فروپاشی نهایی رژیم صهیونیستی است» گفت، «آمریکایی‌ها خود را در سرنوشت رژیم صهیونیستی شریک می‌کنند و هزینه این موضوع را می‌پردازند.»

وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) در تازه‌ترین واکنش به حملات ایذایی گروه‌های شبه‌نظامی علیه نیروهای آمریکایی در سوریه و عراق اعلام کرد که ایالات متحده یکشنبه ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان) دو حمله هوایی در سوریه علیه پایگاه‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام داده است. وزیر دفاع آمریکا در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که نیروهای ارتش آمریکا در واکنش به حملات مستمر علیه پرسنل آمریکایی در عراق و سوریه حملات دقیقی را به تأسیساتی در شرق سوریه که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های وابسته به [رژیم] ایران کنترل می‌شود انجام داده است.

# «خودی»هایی که تصفیه می‌شوند؛ رد صلاحیت دست کم ۲۰ نماینده کنونی مجلس شورای اسلامی برای «انتخابات» اسفند ۱۴۰۲



دست کم ۳ شهر این استان یعنی شهرضا، نطنز و فلاورجان رد صلاحیت شده‌اند.

برخی از نمایندگان رد صلاحیت شده طی ماه‌های گذشته مواضع انتقادی علیه عملکرد دولت و یا سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی داشتند. برخی از آنها نیز درباره تباہکاری‌هایی چون فساد مالی و رانتخواری در ساختار حکومت افشاگری‌هایی کرده بودند. تعدادی از آنها نیز از جمله مخالفان طرح‌های سرکوبگرانه‌ای چون طرح صیانت یا طرح حجاب و عفاف بوده و با رسانه‌های داخلی در اینباره گفتگو کرده بودند.

در شرایطی که همچنان علت رد صلاحیت بسیاری از نمایندگان کنونی مجلس برای «انتخابات» اسفند اعلام نشده اما برخی دیگر از تشخیص هیئت اجرایی انتخابات مبنی بر «عدم التزام به نظام» به عنوان علت رد صلاحیت خود خبر داده‌اند.

روزنامه «اعتماد» نیز در گزارشی درباره رد صلاحیت نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی، با استناد به سخنان قاسم روانبخش از اعضای «جبهه پایداری» گفته است که برخی از نمایندگان به دلیل مخالفت با لایحه موسوم به حجاب و عفاف رد صلاحیت شده‌اند. روانبخش ۱۷ آبان خواهان این شده بود که هیئت‌های اجرایی و نظارت مخالفان لایحه حجاب و عفاف را تایید صلاحیت نکنند.

مسعود پزشکیان که سابقه چند دوره نمایندگی و حتی نایب رئیسی مجلس شورای اسلامی را هم دارد و احمد علیرضا بیگی اعلام کردند که به دلیل «عدم التزام به نظام» و «محکومیت به اقدام علیه امنیت کشور» ←

هم باشد، چرا که برخی نمایندگان می‌گویند هنوز پاسخی از فرمانداری‌ها دریافت نکرده‌اند.

همانطور که «هم‌میهن» نیز تأکید کرده تا ظهر شنبه مشخص شد که از میان نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی که برای شرکت در انتخابات اسفندماه امسال ثبت‌نام کرده بودند ۸۲ نماینده وضعیت بررسی صلاحیت خود را به رسانه‌ها اعلام کردند که بر این اساس ۲۰ نماینده رد صلاحیت شدند.

رجب رحمانی (تاکستان)، سمیه محمودی (شهرضا)، محمد خدابخشی (الیگودرز)، مسعود پزشکیان (تبریز)، معین‌الدین سعیدی (چابهار)، سیدموسی موسوی (لامرد)، غلامرضا نوری (بستان‌آباد)، احمد علیرضاییگی (تبریز)، جلال محمودزاده (مهاباد)، جلیل رحیمی جهان‌آبادی (تربت‌جام)، جلیل مختار (آبادان)، احمد رسولی‌نژاد (دماوند)، عادل نجف‌زاده (خوی)، هاجر چنارانی (نیشابور)، اردشیر مطهری (گرمسار)، فاطمه مقصودی (بروجرد)، مجتبی محفوطی (آبادان)، محمد مولوی (آبادان) و محمد کعب‌عمیر (شوش) رد صلاحیت شده‌اند.

این نمایندگان همگی در انتخابات سه سال پیش، و برخی در چند دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کرده و تأیید صلاحیت شده بودند.

هرچند رسانه‌های اصلاح‌طلب درباره رد صلاحیت‌شدگان این جریان مانور خوبی می‌دهند اما در میان آنها افرادی نزدیک به جناحین مختلف حکومت دیده می‌شوند.

همچنین بیشترین تعداد نمایندگان رد صلاحیت شده مربوط به شهر تبریز است که از ۶ نماینده فعلی آن، سه نفر رد صلاحیت شده‌اند. در استان اصفهان نیز نمایندگان فعلی

● نمایندگان رد صلاحیت شده همگی در انتخابات سه سال پیش، و برخی در چند دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کرده و تأیید صلاحیت شده بودند.

● هرچند رسانه‌های اصلاح‌طلب درباره رد صلاحیت‌شدگان این جریان مانور خوبی می‌دهند اما در میان آنها افرادی نزدیک به جناحین مختلف حکومت دیده می‌شود.

● جناحین جمهوری اسلامی تلاش داشتند در ماه‌های گذشته تنور انتخابات را داغ کنند اما به دلیل فاصله عمیق میان مردم با حکومت، افکار عمومی توجهی به مانورهای آنها ندارد.

در جریان بررسی صلاحیت داوطلبان شرکت در دوازدهمین دور «انتخابات» مجلس شورای اسلامی، دست کم ۲۰ نماینده کنونی این مجلس که برای انتخابات پیش رو ثبت‌نام کرده بودند رد صلاحیت شدند.

به گزارش رسانه‌های داخلی در ایران دست کم ۲۰ نماینده مجلس شورای اسلامی که برای شرکت در «انتخابات» ۱۱ اسفند ثبت‌نام کرده بودند توسط هیئت اجرایی انتخابات رد صلاحیت شدند.

روزنامه «هم‌میهن» در شماره شنبه ۲۰ آبان‌ماه، اسامی دست کم ۱۳ نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی را منتشر کرد که رد صلاحیت شده‌اند. در این گزارش، از «مصطفی نخعی نماینده سربیشه و نهبندان در خراسان جنوبی، ناصر موسوی لارگانی نماینده فلاورجان، رحمت‌الله فیروزی‌پور نماینده نطنز و همچنین محمد خدابخشی نماینده شهر الیگودرز در استان لرستان به عنوان «نمایندگانی» نام برده که «رد صلاحیت» شده‌اند.

این گزارش تأکید کرده که «این لیست می‌تواند طولانی‌تر

## درخواست قانونگذاران مجلس عوام و اعیان بریتانیا از دولت برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



نیروهای سپاه و بسیج در راهپیمایی حکومتی

که فوریت اعلام سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی را به رسمیت بشناسد و برای انجام این کار اقدام کند. چنین تصمیمی گامی مهم به سوی صلح، ثبات و عدالت در خاورمیانه و فراتر از آن خواهد بود.»

در بالاترین رده‌های سیاسی در انگلستان بر سر قراردادن نام سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اختلاف وجود دارد.

روزنامه «فایننشال تایمز» اواسط امرداد گزارش داد اختلافات میان سونلا برآورمن وزیر کشور و جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا، بر سر شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی افزایش پیدا کرده است.

در ماه‌های اخیر برخی رسانه‌ها به نقل از منابع مختلف چند دلیل برای مخالفت دولت بریتانیا با قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اشاره کرده‌اند.

برخی عنوان کردند این نگرانی وجود دارد که با این اقدام، سپاه پاسداران مستقیم یا غیرمستقیم به انتقام گرفتن علیه شهروندان انگلیسی و یا دوتابعیتی انگلیسی- ایرانی بپردازد و یا «احیای برجام» در خطر قرار گیرد.

از اوایل آبان ماه پس از حمله تروریستی حماس در هفتم اکتبر علیه اسرائیل موضوع قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی بار دیگر در بریتانیا داغ شده است به ویژه پس از آنکه پلیس انگلیس گزارش داد عوامل جمهوری اسلامی در تجمعات طرفداران حماس در شهرهای مختلف این کشور به آشوب‌ها دامن می‌زنند.

اما روزنامه «تایمز» گزارش داد یکی از دلایلی که دولت بریتانیا جدی‌تر این مسئله را پیگیری نمی‌کند «نگرانی از اقداماتی است که ممکن است به اخراج سفیر بریتانیا از تهران و از دست رفتن ظرفیت جمع‌آوری اطلاعات منجر شود»

● خبرگزاری رویترز ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان) گزارش داد این نمایندگان از ریشی سوناک خواسته‌اند تا سپاه پاسداران را به عنوان یک سازمان تروریستی اعلام کند. آنها تأکید کردند که این اقدام گامی برای بازگرداندن ثبات به خاورمیانه خواهد بود.

● بیش از ۶۰ قانونگذار از مجلس عوام و اعضای مجلس اعیان در نامه‌ای به ریشی سوناک نخست‌وزیر هشدار دادند که «با توجه به درگیری‌های خاورمیانه، اکنون بیش از هر زمان دیگری تحریم سپاه پاسداران ضروری است.»

شماری از قانونگذاران مجلس عوام و اعضای مجلس اعیان بریتانیا نخست‌وزیر این کشور را برای قراردادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی زیر فشار قرار داده‌اند.

خبرگزاری رویترز ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان) گزارش داد این نمایندگان از ریشی سوناک خواسته‌اند تا سپاه پاسداران را به عنوان یک سازمان تروریستی اعلام کند. آنها تأکید کردند که این اقدام گامی برای بازگرداندن ثبات به خاورمیانه خواهد بود.

تحریم سپاه پاسداران به عنوان یک گروه تروریستی به این معنی است که عضویت در این گروه، شرکت در جلسات آن یا حمل مادیاتی با لوگوی آن در مجامع عمومی در بریتانیا جرم محسوب می‌شود. سپاه پاسداران در حال حاضر تحت تحریم انگلیس قرار دارد.

بر اساس این گزارش، بیش از ۶۰ قانونگذار از مجلس عوام و اعضای مجلس اعیان در نامه‌ای به ریشی سوناک نخست‌وزیر هشدار دادند که «با توجه به درگیری‌های خاورمیانه، اکنون بیش از هر زمان دیگری تحریم سپاه پاسداران ضروری است.»

در بخشی از این نامه آمده «ما از دولت خود می‌خواهیم

→ صلاحیت‌شان تأیید نشده است.

قابل توجه اینکه این دو نماینده دارای وابستگی متفاوتی به جناحین جمهوری اسلامی هستند. مسعود پزشکیان اصلاح‌طلب است و احمد علیرضاییگی اصولگرا و به محمود احمدی‌نژاد نزدیک است.

غلامرضا نوری قزلبچه دیگر نماینده‌ای که انتقاداتی را به طرح‌هایی چون «صیانت از فضای مجازی» و «حجاب و عفاف» داشته و درباره مافیای فروش وی‌پیان در ایران اطلاعاتی را در گفتگو با رسانه‌ها مطرح کرده بود نیز به روزنامه «شرق» گفته هیئت اجرایی انتخابات دلیل رد صلاحیت او را «عدم اعتقاد عملی به اسلام، عدم التزام عملی به جمهوری اسلامی و عدم التزام به قانون اساسی و اصل ولایت فقیه» عنوان کرده است.

جلال محمودزاده نماینده مهاباد در مجلس یازدهم نیز درباره رد صلاحیت خود گفته که «در هیئت اجرایی به استناد بند ۴ ماده ۳۳ رد صلاحیت شدم که جای تعجب است زیرا این بند می‌گوید به اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی محکوم شده‌ام، در صورتی که من هیچ محکومیتی ندارم و هیچ زمانی در هیچ دادگاهی حضور پیدا نکردم.» محمدتقی شاهچراغی رئیس ستاد انتخابات کشور گفته که در این مرحله پنج دستگاه شامل وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه، سازمان ثبت احوال، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی و قوه قضاییه بررسی‌ها را رسیدگی کردند. رئیس ستاد انتخابات کشور افزوده بود که «این نتایج به معنای رد صلاحیت نیست. بلکه عدم تأیید و عدم احراز است» و از مجموع ۲۴ هزار و ۹۸۲ نفری که در انتخابات مجلس ثبت‌نام کردند، ۱۴ درصد «عدم تأیید» و ۱۴ درصد هم «عدم احراز» گرفته‌اند.

رد صلاحیت گسترده داوطلبان شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی که حتی شامل شمار زیادی از نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی هم شده، از سوی برخی به عنوان «تصفیه» یا «یکدست‌سازی» بیشتر مجلس اسلامی ارزیابی شده است. با توجه به اینکه هیئت اجرایی انتخابات زیر نظر وزارت کشور فعالیت می‌کند، ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم به عنوان متهم اصلی رد صلاحیت‌ها شناخته می‌شود.

این در حالیست که ابراهیم رئیسی تیرماه امسال مدعی شده بود که «دولت به عنوان مجری انتخابات دخالتی در امور مربوط به نامزدها، در حمایت یا ایجاد محدودیت برای آنان نخواهد داشت.»

اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۲ در همایش رؤسای حفاظت اطلاعات فرماندهی کل نیروی انتظامی با اشاره به «اهمیت موضوع انتخابات پیش رو» گفته که «بزرگترین مؤلفه پیروزی ما در مسائل اجتماعی انتخابات است، انتخابات باید با نقش و مشارکت موثر مردم همراه باشد، با همه آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی، موفقیت خوب و بزرگی در پی خواهد داشت. امیدواریم به لطف الهی و حضور همیشگی، فعال و موثر مردم در انتخابات شاهد این موفقیت باشیم.»

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی قرار است در تاریخ جمعه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ برگزار شود. جناحین مختلف جمهوری اسلامی تلاش داشتند در ماه‌های گذشته تنور انتخابات را پیشاپیش داغ کنند اما به دلیل فاصله عمیق میان مردم با حکومت، افکار عمومی توجهی به مانورهای انتخاباتی حکومت ندارد. با اینهمه به نظر می‌رسد تسویه حساب‌های جناحی و جریانی در این «انتخابات» سوت و کور نیز ادامه دارد.



## بهره‌برداری جمهوری اسلامی از «بحران غزه»؛ بنیامین نتانیاهو: تنها راه توقف جنگ آزادی گروگان‌هاست



نشست کشورهای عربی-اسلامی در ریاض در مورد غزه

رئیس‌ی در دیدار با السیسی تأکید کرد، «جمهوری اسلامی مانعی برای گسترش روابط با کشور دوست، مصر ندارد.» برای جمهوری اسلامی این نشست فوق‌العاده مهم بود زیرا به پشتوانه اقدام تروریستی حماس علیه اسرائیل و آغاز جنگ در غزه رئیس‌ی توانست خود را مطرح کرده و با دو نفر از رهبران پر قدرت منطقه دیدار کند.

برخی منابع گزارش دادند جمهوری اسلامی به دنبال روزنه‌هایی است که مستقیم و غیرمستقیم در روند آزاد شدن گروگان‌ها نقش ایفا کند؛ آنهم در حالی که خودش گروگانگیری را به یکی از سیاست‌های استراتژیک خود برای اخاذی تبدیل کرده و حامی مالی و تسلیحاتی گروگانگیرهای حماس و جهاد اسلامی نیز هست!

در این میان، حماس و شرکای آن برای توقف جنگی که خود شروع کرده‌اند و تحمیل آتش‌بس به دولت اسرائیل، از گروگان‌های اسرائیلی و غیراسرائیلی که در عملیات وحشیانه و تروریستی هفتم اکتبر به اسارت گرفته شده‌اند، به ابزار چانه‌زنی استفاده می‌کنند. اما مقامات اسرائیل تا کنون اعلام کرده‌اند که جنگ هنگامی متوقف خواهد شد که همه گروگان‌ها آزاد شوند.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل شنبه شب ۱۱ نوامبر گفت که «جهان آزاد باید از جنگ اسرائیل علیه حماس که بخش جدایی‌ناپذیر از جبهه ترور [رژیم] ایران است که کشورهای غربی را نیز به خطر می‌اندازد، حمایت کند.»

نتانیاهو همچنین افزود که بسیاری از رهبران غربی از اسرائیل حمایت می‌کنند، اما این بدان معنا نیست که اختلاف نظر وجود ندارد، به ویژه به دلیل فشار افکار عمومی در آن کشورها. وی افزود: «هیچ فشار بین‌المللی ایمان ما را به درست بودن راه‌مان تغییر نخواهد داد و بدون بازگشت گروگان‌های ما هیچ آتش‌بسی برقرار نخواهد شد.» نتانیاهو تأکید کرد که بازگشت گروگان‌ها یکی از اهداف و مأموریت‌های اصلی جنگ است.

در صورت تداوم جنگ بخشی از پیشنهاداتی بود که رئیس‌ی، معروف به «قاضی مرگ»، به نمایندگی از رژیم ایران در ریاض مطرح کرد. خبرگزاری دولتی ایرنا این پیشنهادات را «ابتکارات آیت‌الله رئیس‌ی» خوانده است. برخی منابع اشاره کرده‌اند در لیست پیشنهادات ارائه شده توسط رئیس‌ی به موضوع آزادی گروگان‌های غیرنظامی اسرائیلی که در اسارت حماس و جهاد اسلامی هستند هیچ اشاره‌ای نشده است.

در بیانیه پایانی اجلاس اضطراری سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب، بر لزوم اتخاذ تصمیمی «قاطع و الزام‌آور» توسط شورای امنیت برای توقف حملات اسرائیل به نوار غزه تأکید شد. درخواست سران کشورهای اسلامی و عربی از شورای امنیت برای اتخاذ تصمیم قاطع در مورد وضعیت غزه در حالیست که اعضای قدرتمند شورای امنیت خودشان هنوز در حل و فصل اختلاف میان خودشان و همچنین منازعات بین‌المللی که مستقیم با آن درگیر هستند- از جمله جنگ روسیه علیه اوکراین- ناتوان مانده‌اند.

به گزارش رویترز، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه در این نشست گفت: «آنچه ما در غزه نیاز داریم توقف چند ساعته نیست، بلکه به یک آتش‌بس دائمی نیاز داریم.» تمیم بن حمد بن خلیفه آل‌ثانی امیر قطر نیز که به دنبال میانجیگری برای آزادی گروگان‌های اسرائیلی است بر ضرورت آتش‌بس تأکید کرد. چندین نفر از رهبران حماس در دوحه اقامت دارند.

روابط دولت‌های عربی و اسلامی با اسرائیل و همچنین منافع آنها با یکدیگر متفاوت است. چندین کشور عربی از جمله مصر، اردن و امارات متحده عربی با اسرائیل روابط دیپلماتیک دارند، در حالی که رژیم ایران، سوریه، لبنان و الجزایر روابط سیاسی با این کشور عضو سازمان ملل ندارند. در حاشیه این نشست، رئیس‌ی با رهبران چند کشور اسلامی از جمله محمد بن سلمان ولیعهد عربستان و عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهوری مصر دیدار کرد.

- تأسیس یک صندوق ویژه برای «بازسازی فوری غزه»، «تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای تعقیب و مجازات سران آمریکا و اسرائیل» و اعلام ارتش اسرائیل به عنوان یک سازمان «تروریستی» و همچنین «تسلیم مردم فلسطین» در صورت تداوم جنگ بخشی از پیشنهاداتی بود که رئیس‌ی معروف به «قاضی مرگ» به نمایندگی از رژیم ایران در ریاض مطرح کرد.

برخی منابع گزارش دادند جمهوری اسلامی به دنبال روزنه‌هایی است که مستقیم و غیرمستقیم در روند آزاد شدن گروگان‌ها نقش ایفا کند. آنهم در حالی که خودش گروگانگیری را به یکی از سیاست‌های استراتژیک خود برای اخاذی تبدیل کرده و حامی مالی و تسلیحاتی گروگانگیرهای حماس و جهاد اسلامی نیز هست!

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل بعد از اجلاس رهبران کشورهای عربی-اسلامی در ریاض با بیان اینکه حماس بخشی از «جبهه ترور» رژیم ایران است گفت «جهان آزاد باید از جنگ اسرائیل علیه حماس، که بخش جدایی‌ناپذیر از جبهه ترور [رژیم] ایران است حمایت کند... تا آزادی گروگان‌ها از توقف جنگ خبری نیست.»

در پنجمین هفته از آغاز جنگ میان ارتش اسرائیل و تروریست‌های حماس، روز شنبه ۲۰ آبان‌ماه نشست اضطراری سازمان همکاری اسلامی برگزار شد تا برای حل و فصل بحران غزه راهکار ارائه دهند.

ابراهیم رئیس‌ی که برای شرکت در این نشست به ریاض رفته بود طرح جمهوری اسلامی را برای حل این بحران ارائه داد که شامل ۱۰ بند بود.

تأسیس یک صندوق ویژه برای «بازسازی فوری غزه»، «تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای تعقیب و مجازات سران آمریکا و اسرائیل» و اعلام ارتش اسرائیل به عنوان یک سازمان «تروریستی» و همچنین «تسلیم مردم فلسطین»

# موافقت آمریکا با آزاد شدن ۱۰ میلیارد دلار منابع بلوکه شده ایران در عراق؛ پاداش بایدن به ملاها برای تأمین مالی تروریسم؟!



نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از برگزاری راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» حوالی میدان «آزادی» (شهیاد) ۲۲/ بهمن ۱۴۰۱

با این استدلال که اگرچه این پول برای اهداف بشردوستانه تخصیص داده شده، اما به رژیم تندرو کمک کرد تا آن را به سمت گروه‌های تروریستی مانند حماس و حزب الله هدایت کند.

## مذاکرات بانکی جمهوری اسلامی با دولت‌های عربی منطقه

خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۲۴ آبان گزارش داد محمد آرام معاون ارزی بانک مرکزی با هدف توسعه مناسبات ارزی- بانکی و همچنین دیدار و گفتگو با همتهای خود در بانک مرکزی عربستان سعودی به ریاض سفر کرده است.

در این گزارش تأکید شده «پس از قطر، امارات و عمان، عربستان چهارمین مقصد رایزنی‌های منطقه‌ای مسئولان بانک مرکزی برای استفاده از گشایش‌های ارزی اخیر است.»

در همین ارتباط حمید حسینی دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق به خبرگزاری «اینا» گفته: «خوشبختانه مذاکرات با عراق برای دسترسی به این پول‌ها در مراحل پایانی است.» وی مدعی شده است که «تنها نکته باقیمانده در روند آزادسازی منابع ایران در عراق این است که طرف‌های عراقی معتقدند این پول بجای انتقال به عمان، می‌تواند از کشور خودشان به ایران پرداخت شود.»

وی توضیح داده «آنطور که طی هفته‌های اخیر در مذاکرات بین دو کشور ایران و عراق مشخص شد گویا عراقی‌ها اصرار و تمایل بیشتری برای پرداخت این مبلغ در کشور خودشان دارند و معتقدند بجای واریز این منابع به بانکی در عمان، ایران می‌تواند مستقیماً این مبلغ را با ارائه اسناد و مدارک برای خرید کالاهای اساسی و غیرترجمیمی از عراق دریافت کند.»

یهودیان از زمان هولوکاست تا کنون، به بیش از ۱۰ میلیارد دلار دسترسی داشته باشد؟»

کمتز از سه ماه پس از آنکه دولت بایدن با پرداخت شش میلیارد دلار باج به جمهوری اسلامی در ازای آزادی چهار گروگان آمریکایی موافقت کرد، اکنون موافقت با تمدید «معافیت تحریم‌های عراق» این فرصت را به جمهوری اسلامی داده تا به ۱۰ میلیارد دلار پول بیشتر دسترسی پیدا کند. پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» در گزارش خود می‌نویسد «این اقدام دولت بایدن نشان می‌دهد آمریکا همچنان در تلاش است تا به رژیم تندرو ملاها کمک مالی کند.»

اینهمه در حالیست که مقامات نظامی جمهوری اسلامی بارها هشدار داده‌اند که جنگ غزه ممکن است به لبنان و سایر نقاط منطقه سرایت کند.

معافیت‌های تحریمی در ارتباط با عراق در زمان دولت دونالد ترامپ برقرار شد. بر اساس این معافیت، به عراق اجازه داده شد که از ایران برق و گاز وارد کند، اما تنها به شرطی که پرداخت‌ها در یک حساب در بغداد نگهداری شود. دولت بایدن به صدور این معافیت ادامه داد و سپس در ماه ژوئیه آن را گسترش داد تا عراق بتواند بیش از ۱۰ میلیارد دلار بدهی خود را به خارج کشور منتقل کند تا تهران قادر شود از این پول، نیازهای بشردوستانه خود را تأمین کند.

منتقدان اما استدلال می‌کنند از آنجا که پول قابل تعویض است، این دسترسی به رژیم ایران اجازه می‌دهد تا این منابع را با روش‌ها مختلف در جاهای دیگر به پول نقد تبدیل کند و به مصرف فعالیت‌های غیرقانونی خود برساند. قانونگذاران جمهوریخواه کنگره این استدلال را زمانی مطرح کردند که دولت بایدن را تحت فشار قرار دادند تا پرداخت باج شش میلیارد دلاری به ایران را متوقف کند،

کمتز از سه ماه پس از آنکه دولت بایدن با پرداخت شش میلیارد دلار باج به جمهوری اسلامی در ازای آزادی چهارگروگان آمریکایی موافقت کرد، اکنون موافقت با تمدید «معافیت تحریم‌های عراق» این فرصت را به جمهوری اسلامی می‌دهد تا به ۱۰ میلیارد دلار پول بیشتر دسترسی پیدا کند.

بر اساس این گزارش، دولت بایدن به عراق اجازه می‌دهد پول برق صادراتی ایران را به حساب‌های بانکی متعلق به ایران در اروپا و عمان منتقل کند.

ریچارد گلدبرگ مشاور ارشد «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) با اشاره به نقش جمهوری اسلامی در عملیات مرگبار «هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل پرسیده «چرا ایران باید پس از حمایت از بدترین حملات تروریستی علیه شهروندان آمریکایی و بدترین قتل عام یهودیان از زمان هولوکاست تا کنون، به بیش از ۱۰ میلیارد دلار دسترسی داشته باشد؟»

خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی گزارش داد محمد آرام معاون ارزی بانک مرکزی با هدف توسعه مناسبات ارزی- بانکی و همچنین دیدار و گفتگو با همتهای خود در بانک مرکزی عربستان سعودی به ریاض سفر کرده است. در این گزارش تأکید شده «پس از قطر، امارات و عمان، عربستان چهارمین مقصد رایزنی‌های منطقه‌ای مسئولان بانک مرکزی برای استفاده از گشایش‌های ارزی اخیر است.»

منابع آمریکایی اعلام کردند احتمال دارد آمریکا با دسترسی جمهوری اسلامی به ۱۰ میلیارد دلار از منابع مالی خود در عراق و انتقال این منابع به عمان و اروپا موافقت کند. پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» روز سه‌شنبه ۱۴ نوامبر (۲۳ آبان) از احتمال موافقت دولت جو بایدن با دسترسی جمهوری اسلامی به ۱۰ میلیارد دلار از منابع بلوکه شده ایران در عراق خبر داد.

دسترسی به این پول برای جمهوری اسلامی پس از موافقت بایدن با «تمدید معافیت‌های تحریمی برای عراق» فراهم شده است.

بر اساس این گزارش، دولت بایدن به عراق اجازه می‌دهد پول برق صادراتی ایران را به حساب‌های بانکی متعلق به ایران در اروپا و عمان منتقل کند.

همچنین گزارش شده که رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی در مورد تسریع دسترسی رژیم به این پول‌ها مذاکراتی با رئیس بانک مرکزی عمان داشته است. گفته می‌شود این مبلغ به حساب‌هایی در قطر واریز خواهد شد و ایران تنها می‌تواند از آن برای خرید کالاهای مصرفی شامل غذا و دارو و خدمات بشردوستانه استفاده کند.

بسیاری ناظران هشدار می‌دهند دسترسی جمهوری اسلامی به منابع مالی به تقویت گروه‌های تروریستی منطقه و گسترش هرج و مرج کمک خواهد کرد.

در همین ارتباط ریچارد گلدبرگ مشاور ارشد «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) با اشاره به نقش جمهوری اسلامی در عملیات مرگبار «هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل پرسیده «چرا ایران باید پس از حمایت از بدترین حملات تروریستی علیه شهروندان آمریکایی و بدترین قتل عام

# یک شهروند دیگر قربانی سناریوسازی جمهوری اسلامی شد؛ تأیید حکم «اعدام» میلاد زهره‌وند در دیوان عالی کشور



میلاد زهره‌وند

آزادی جان باخته و علت درگذشت آنها «خودکشی» یا «ایست قلبی» عنوان می‌شود. برخی بازداشت‌شدگان هم از داروهایی که در بازداشت به آنها داده شده و مشخص نیست چه بوده‌اند خبر داده بودند. از جمله این زندانیان محمدرضا آزر نوجوان ۱۸ ساله است که در نخستین روزهای اعتراضات در شهریور ۱۴۰۱ در مشهد بازداشت شد و پس از بیش از سه ماه و نیم بازداشت گفته در روز دوازدهم دی‌ماه رگ‌های چشمانش از شدت فشار عصبی پاره شده و در زندان به او داروهایی داده‌اند که نمی‌داند چه بوده است.

در گزارش «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» آمده بود که اسماعیل دزوار، رامین فاتحی، محمد لطف‌اللهی، سامان قادرپور، یوسف رئیسی، احمد گودرزی، میلاد خوشکام، امید حسنی، همین آمان، امیر جواد اسعدزاده، محمد حاجی رسول‌پور، حامد سلحشور، شهریار عادل، ایلید رحمانی‌پور، شادمان احمدی و مهدی زارع اشکذری افرادی هستند که در گزارش کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان به عنوان افرادی که در بازداشت و بر اثر جراحات ناشی از شکنجه و ضرب و جرح مأموران حکومتی جانباختند، معرفی شده‌اند. در این گزارش تأکید شده بود که بجز «افرادی که شرح آنان آمده از کشته‌شدگان دیگری از جمله آیدا رستمی، دنیا فرهادی، کورش پاژخ، مصطفی مباشر، عاطفه نعمی، رضا شرفی، حسن ناصری‌خور، امین خانلو، مرتضی سلطانیان، محمد عبداللهی، عماد حیدری، مهدی کابلی کفشگری نیز نام برده شده که مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح داشتند. اینکه این افراد در زمان کشته‌شدن در بازداشت بوده‌اند یا در خیابان و مانند سایر معترضان به شکل‌های دیگر جان باختند، هنوز در دست تحقیق است. به اینها باید افرادی را که نامشان هرگز رسانه‌ای نشده و ما هنوز در مورد آنها چیزی نمی‌دانیم را نیز بیافزاییم.»

به او، تنها در کمتر از سه ماه پایان پذیرفته و حکم اعدام او با عجله صادر شده است. میلاد زهره‌وند یکی از جدیدترین قربانیان سناریوسازی‌های جمهوری اسلامی علیه شهروندانی است که در اعتراضات سال گذشته شرکت داشتند. ده‌ها شهروند طی یک سال گذشته در سناریوهایی غیرواقعی و به بهانه قتل مأموران امنیتی و انتظامی و حتی به بهانه روشن کردن آتش یا مسدود کردن خیابان در جریان اعتراضات با اتهامات سنگین «محرابه»، «فساد فی الارض» و «بغی» روبرو و در نهایت به «اعدام» محکوم شدند.

در این مدت دست‌کم هفت شهروند به دلیل حضور در اعتراضات جنبش ملی با پرونده‌سازی جمهوری اسلامی به دار آویخته شدند. در آذر و دی‌ماه سال گذشته چهار شهروند محکوم به اعدام به دار آویخته شدند. محمدمهدی کریمی، محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد و محمد(کیان) حسینی چهار جوان معترض اعدام شده بودند.

مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی، سه شهروند معترض «خانه اصفهان» نیز سحرگاه جمعه ۲۹ اردیبهشت در زندان دستگرد اصفهان اعدام شدند. دی‌ماه سال گذشته «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» در گزارشی تحقیقی اعلام کرد که از آغاز خیزش انقلابی از شهریور و به مدت چهارماه دست‌کم ۲۸ شهروند بازداشت‌شده در جریان اعتراضات، زیر شکنجه یا به شکلی مشکوک و غیرقابل توضیح جان باخته‌اند. بر اساس این گزارش ۱۵ شهروند بازداشت‌شده به دلیل شکنجه و فشار برای گرفتن اعتراف اجباری جان باختند. همچنین ۱۲ شهروند بازداشت‌شده نیز به طرز مشکوکی پس از آزادی جان خود را از دست دادند و یا پیکر بیجان آنها در محلی پیدا شده است. از جمله مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح عاطفه نعمی شهروند بازداشت‌شده که پیکر بی‌جان او در بالکن خانه‌اش پیدا شد یا شهروندانی که به فاصله چند روز از

● خبرگزاری میزان نوشته حکم اعدام میلاد زهره‌وند در دیوان عالی تأیید شده و پرونده در حال طی تشریفات قانونی برای ارسال و اجرای حکم به دادگستری کل استان همدان است.

● میلاد زهره‌وند در جریان اعتراضات جنبش ملی در ملایر بازداشت و به «قتل» علی نظری از نیروهای سازمان اطلاعات سپاه در این شهر متهم شد.

● میلاد زهره‌وند در مدت بازداشت برای اعتراف اجباری تحت فشار بوده و از سوی دیگر سازمان اطلاعات سپاه خانواده این جوان را به شدت زیر فشار و تهدید قرار داده بودند تا درباره فرزندشان اطلاع‌رسانی نکنند.

دیوان عالی کشور حکم «اعدام» یک شهروند را به اتهام قتل علی نظری از نیروهای سازمان اطلاعات سپاه (ساس) تأیید کرد. این مأمور امنیتی چهارم آبان‌ماه پارسال در جریان سرکوب مردم در اعتراضات جنبش ملی در شهر ملایر کشته شد. میلاد زهره‌وند شهروند ۲۲ ساله ساکن ملایر در استان همدان از جدیدترین قربانیان سناریوسازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است. میلاد زهره‌وند در جریان اعتراضات جنبش ملی در ملایر بازداشت و به «قتل» علی نظری از نیروهای سازمان اطلاعات سپاه در این شهر متهم شد.

خبرگزاری «میزان»، مرکز اطلاع‌رسانی قوه قضاییه، روز دوشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۲ گزارش داده که دیوان عالی کشور حکم «قصاص» علی نظری را تأیید کرده است.

خبرگزاری «میزان» افزوده که در پی صدور این رای با درخواست متهم و وکیل، پرونده برای تجدیدنظرخواهی به دیوان عالی کشور ارسال شد. با رجوع پرونده در دیوان عالی کشور و بررسی آن در یکی از شعب دیوان، نهایتاً قضات رسیدگی‌کننده رای دادگاه بدوی را تأیید کردند و پرونده در حال طی تشریفات قانونی برای ارسال و اجرای حکم به دادگستری کل استان همدان است.

بر اساس گزارش‌ها، میلاد زهره‌وند در مدت بازداشت برای اعتراف اجباری تحت فشار بوده و از سوی دیگر سازمان اطلاعات سپاه خانواده این جوان را به شدت زیر فشار و تهدید قرار داده بودند تا درباره فرزندشان اطلاع‌رسانی نکنند. «دادبان» که به بازداشت‌شدگان مشاوره حقوقی داده و گزارش‌هایی از پرونده‌های آنها را بازتاب می‌دهد نیز همزمان اعلام کرده که «این جوان ۲۲ ساله تیر ماه سال جاری از سوی شعبه بدوی، به اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شده بود. در حکم صادره علیه میلاد زهره‌وند، او به قتل یک مأمور امنیتی وابسته به سازمان اطلاعات سپاه ملایر متهم شده است.»

«دادبان» افزوده که «بنا بر گزارش‌ها این مأمور امنیتی در روز چهارم آبان سال گذشته در جریان تجمعات اعتراضی خیزش زن، زندگی، آزادی به واسطه درگیری پیش آمده میان معترضان و مأموران جان خود را از دست می‌دهد.»

در این گزارش آمده که «تأیید حکم اعدام میلاد زهره‌وند در دیوان عالی کشور در حالی است که به گفته منابع مطلع، او در جریان دوره بازداشت خود از دسترسی به وکیل محروم بوده و در این مدت خانواده‌اش به شدت از سوی سازمان اطلاعات سپاه تحت فشار قرار داشتند تا درباره او اطلاع‌رسانی نکنند.» از سوی دیگر بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی «دادبان» برگزاری دادگاه رسیدگی به اتهام قتل عمد منتسب

## شب‌نم نعمت‌زاده فرار کرد؟



اعلام عدم حضور می‌کند و وقتی جناب قاضی مجدد می‌پرسد: یعنی «شب‌نم نعمت‌زاده متواری هستند؟» وکیل ایشان می‌گوید بله. در این جلسه به این شبهه نیز اشاره می‌شود که چگونه اعاده دادرسی کسی که متواری است و حضور ندارد، پذیرفته شده است!

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که «روابط عمومی دادستانی عمومی و انقلاب تهران نیز در توضیحاتی که منتشر کرده است، اصل این موضوع که خانم شب‌نم نعمت‌زاده در زندان نبوده است را با بیان اینکه مدتی پیش بر اساس زمان مقرر شده قانونی مرخصی رفته بوده و متعاقب آن مدتی غیبت کرده، پذیرفته است. حال انتظار داریم با توجه به اینکه جرم خانم نعمت‌زاده جنبه عمومی داشته و حقوق بخش مهمی از مردم عزیزمان که سرمایه‌گذاران اصلی تأمین اجتماعی و شستا هستند را تضییع کرده است؛ اسناد مرخصی رفتی و بازگشت به زندان نامبرده و مدت زمانی را که مجموعاً در زندان بوده است، منتشر کنند تا افکار عمومی خودشان قضاوت کنند.»

شب‌نم نعمت‌زاده دختر محمدرضا نعمت‌زاده است که پدرش پیشتر در دولت روحانی وزیر صنعت، معدن و تجارت و مشاور وزیر نفت بیژن نامدار زنگنه بوده است. شب‌نم نعمت‌زاده که به همراه پدر و خواهرش سهامدار ده‌ها شرکت در حوزه تولید و صادرات و واردات است، شهریور ۱۳۹۸ با اتهام اولیه انحصار دارو و تحصیل مال از طریق نامشروع بازداشت و روانه زندان شد.

نخستین دادگاه این پرونده در ۲۵ شهریور ۱۳۹۸ برگزار شد. شب‌نم نعمت‌زاده به مشارکت در اخلاص عمده از طریق اخلاص در توزیع مایحتاج عمومی دارو به مبلغ یک هزار و ۸۵۰ میلیارد و ۱۴۸ میلیون و ۳۷۹ هزار و ۵۹۹ ریال با علم به موثر بودن در ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی، مشارکت در تحصیل مال از طریق نامشروع به همان مبلغ ذکر شده و سوءاستفاده از جواز و امتیاز تعویض شده، مشارکت در اخلاص نظام دارویی کشور، فعالیت غیرمجاز در شبکه دارویی در استان البرز بدون مجوز وزارت بهداشت و نگهداری غیرمجاز دارو بدون تشریفات قانونی در حکم قاچاق، متهم بود.

تبانی، فرآیند انتقال ملک به مشکل بر می‌خورد و تاکنون شرکت‌های یاد شده به مطالبات‌شان نرسیده‌اند.»

علی خضریان تأکید کرده که «البته ما همچنان پیگیر این سؤال هستیم که چرا شرکت‌های یاد شده، بجای اخذ مطالبات به صورت نقدی از خانم نعمت‌زاده و آقای لشگری‌پور، ملکی با چنین مشکلات فراوان از فردی ناشناس به نام فرامرز کاظمی دریافت شده است که اکنون با ادعاهای واهی سبب از بین رفتن حقوق شرکت‌ها شده و ارتباط او با شب‌نم نعمت‌زاده و شرکت پخش دارویی رسا (رسا فارمد) معلوم نیست.»

روابط عمومی دادستانی عمومی و انقلاب تهران بلافاصله پس از انتشار سخنان علی خضریان به این خبر واکنش نشان داد و اعلام کرد: «شایعه مطرح شده در مورد متواری بودن شب‌نم نعمت‌زاده صحت ندارد و این محکوم اقتصادی هم اکنون در زندان اوین است و خبر متواری بودن وی کذب محض است.»

روابط عمومی دادستانی عمومی و انقلاب تهران افزوده که «وی مدتی پیش طبق قانون و بر اساس زمان مقرر قانونی (طبق ماده ۵۲۰ آیین دادرسی کیفری محکومان می‌توانند در صورت رعایت ضوابط زندان پس از سپردن تأمین مناسب ماهانه حداکثر ۳ روز از مرخصی برخوردار شوند) مرخصی رفته بوده و متعاقب آن مدتی غیبت کرد که در همان مقطع زمانی هم بلافاصله حکم جلب صادر و بازداشت و روانه زندان شد.»

روابط عمومی دادستانی عمومی و انقلاب تهران همچنین اعلام کرد: «بابت مدت زمان غیبت هم علیه وی اعلام جرم شد که در حال رسیدگی است. همچنین این محکوم اقتصادی وثائق سنگینی داشته که با دستور دادستانی بلافاصله پس از غیبت غیرموجه ضبط و جلب وی هم توسط تیم عملیات دادستانی تهران انجام شده است.»

علی خضریان اما توضیح داده که «بنده صحت این موضوع را راجع می‌دهم به جلسه دادگاهی که در همین روزهای اخیر در آبان‌ماه به منظور بررسی شکوائیه از شب‌نم نعمت‌زاده تشکیل شده بود، وکیل مشارالیه در پاسخ به قاضی محترم که پیگیر حضور ایشان در جلسه بود، صراحتاً

● علی خضریان: طبق گزارش‌ها خانم نعمت‌زاده متواری است. مسئولان ذی‌ربط در این خصوص شفاف‌سازی کرده و توضیح دهند ایشان چه مقدار از مدت محکومیت ۲۰ سال زندان را در زندان سپری کرده است؟

● ادعای دادستانی تهران: شایعه مطرح شده در مورد متواری بودن شب‌نم نعمت‌زاده صحت ندارد و این محکوم اقتصادی هم اکنون در زندان اوین است و خبر متواری بودن وی کذب محض است.

● شب‌نم نعمت‌زاده که به همراه پدر و خواهرش سهامدار ده‌ها شرکت در حوزه تولید و صادرات و واردات است، شهریور ۱۳۹۸ با اتهام اولیه انحصار دارو و تحصیل مال از طریق نامشروع بازداشت و روانه زندان شد.

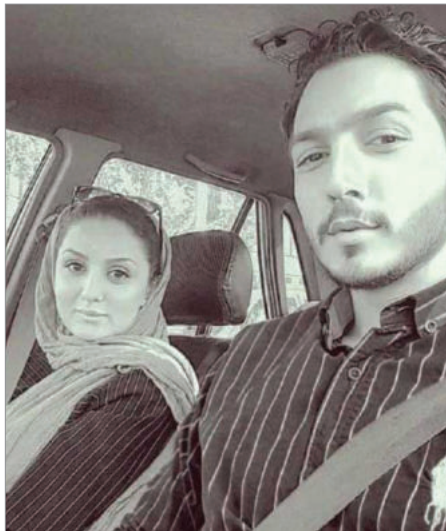
با مطرح شدن خبر فرار شب‌نم نعمت‌زاده فرزند وزیر سابق صمت که به اتهام فساد مالی در زندان بوده، دادستانی این خبر را تکذیب کرده است. یک نماینده مجلس شورای اسلامی از مقامات قضایی خواستار شفاف‌سازی درباره وضعیت شب‌نم نعمت‌زاده شده است.

علی خضریان رئیس هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) تأیید کرده که گزارش‌هایی درباره متواری شدن شب‌نم نعمت‌زاده وجود دارد.

علی خضریان گفته که «طبق گزارش‌ها خانم نعمت‌زاده متواری است. مسئولان ذی‌ربط در این خصوص شفاف‌سازی کرده و توضیح دهند ایشان چه مقدار از مدت محکومیت ۲۰ سال زندان را در زندان سپری کرده است؟»

این نماینده مجلس شورای اسلامی همچنین گفته که «متأسفانه مجموعه مدیریت تیبیکو و شستا در راستای احقاق حقوق بیمه‌شدگان و دریافت کامل طلب از شرکت خانم شب‌نم نعمت‌زاده، اقدامات لازم را بجای نیاورده‌اند و با اقدامات قابل تأمل موجب طولانی شدن روند دریافت مطالبات شده‌اند. چرا که بجای دریافت پول نقد در ازای مطالبات‌شان از خانم شب‌نم نعمت‌زاده، اقدام به معامله ملک با شخصی به اسم آقای کاظمی معرفی شده از سوی شخصی به اسم خانزادی که از نزدیکان آقای محمدرضا نعمت‌زاده است، می‌کنند که به دلیل ضعف حقوقی یا

## برادر دادخواه آیدا رستمی به پرداخت جزای نقدی محکوم شد!



آرمین و آیدا رستمی

می‌گرفتند، خارج از بیمارستان و به صورت داوطلبانه درمان می‌کرده تا امنیت معترض مجروح حفظ شود.

«جمعیت امام علی» که یک سازمان مردم‌نهاد حامی کودکان کار و حاشیه‌نشین در ایران است، با اشاره به «مرگ مشکوک» آیدا رستمی اعلام کرد این پزشک از داوطلبان این جمعیت بود که ضمن انجام معاینات کودکان در محلات حاشیه، با گروه درمان جمعیت در زلزله کرمانشاه نیز همکاری مستمر داشت.

پس از شکست سناریوی «خودکشی»، جمهوری اسلامی سناریوی قتل درباره این پزشک را پیش برد و اعلام کرد مظنون قتل این پزشک بازداشت شده و حتی اعتراف کرده است!

در همین ارتباط، در یک اقدام بی‌شرمانه ویدئویی از اعترافات فردی که صورت او پوشانده شده و مظنون قتل آیدا رستمی معرفی شده از سوی رسانه‌های حکومتی منتشر شد که در آن این فرد مدعی می‌شود با آیدا قرار ازدواج داشته و آن روز آیدا در حالی به محل کار این فرد رفته که قرص زیادی مصرف کرده بود ولی قبول نمی‌کرد او را به بیمارستان ببرند؛ آنها «جرّ و بحث و دعوا» داشتند و در نهایت او آیدا را روی پل تنها گذاشته و وقتی برگشته دیده آیدا با «کله شکسته و صورت خونین» کف خیابان افتاده است!

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه نیز گزارشی درباره جان باخت آیدا رستمی منتشر کرده و در آن با ادعای سناریویی که در ویدئوی انتشار یافته از سوی رسانه‌های حکومت مطرح شده، نوشته که فرد مظنون «متوجه ارتباط خانم رستمی با فرد دیگری شده» و همین موضوع دلیل مشاجره در روز دوشنبه بوده و این زن جوان «ناگهان خود را از بالای پل هوایی به پایین پرتاب کرد»!

نکته قابل توجه اینکه فرد مظنونی که این پزشک جوان به گفته رسانه‌های جمهوری اسلامی با او قرار ازدواج داشته و به وی خیانت کرده، «کارگر یک مغازه کفش‌فروشی در خیابان فردوسی» معرفی شد.

● آرمین رستمی برادر آیدا رستمی، پزشکی که در جریان اعتراضات سال گذشته به طرز مشکوکی جان باخت، از سوی دادگاه به اتهام «تبلیغ علیه نظام» محکوم به پرداخت جریمه نقدی شد.

● «دادبان» نوشته برادر آیدا رستمی هیچ فعلی را که مصداق تبلیغ علیه نظام محسوب شود، مرتکب نشده و تنها نسبت به وضعیت خواهر خود و تلاش خانواده برای دادخواهی اطلاع‌رسانی کرده است.

● آیدا رستمی پزشک عمومی بیمارستان «چمران» تهران در آذر ۱۴۰۱ مفقود و یک روز بعد پیکر بی‌جان او با ادعای پرت شدن از پل عابر پیاده در حوالی میدان «آزادی» تهران به خانواده تحویل داده شد!

در ادامه فشار به خانواده‌های دادخواه، آرمین رستمی برادر دادخواه آیدا رستمی با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی به پرداخت جزای نقدی محکوم شد.

آرمین رستمی برادر آیدا رستمی، پزشکی که در جریان اعتراضات سال گذشته به طرز مشکوکی جان باخت، از سوی دادگاه به اتهام «تبلیغ علیه نظام» محکوم به پرداخت جریمه نقدی شد.

«دادبان» که به بازداشت‌شدگان مشاوره حقوقی داده و گزارش‌هایی از پرونده‌های آنها را بازتاب می‌دهد عصر روز سه‌شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۲ اعلام کرده که آرمین رستمی، برادر دادخواه آیدا رستمی، پزشک کشته شده در جریان خیزش انقلابی، توسط شعبه اول دادگاه انقلاب گران، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به پرداخت ۱۵ میلیون تومان جزای نقدی، بدل از هشت ماه حبس تعزیری محکوم شد.

در این خبر آمده که «صدور این حکم علیه برادر آیدا رستمی در حالی است که او در عمل هیچ فعلی را که مصداق تبلیغ علیه نظام محسوب شود، مرتکب نشده و تنها نسبت به وضعیت خواهر خود و تلاش خانواده برای دادخواهی اطلاع‌رسانی کرده است. از این رو شکی نیست، صدور این حکم با هدف اعمال فشار بر خانواده‌های دادخواه و جلوگیری از دادخواهی آنها صادر شده است.»

آیدا رستمی پزشک عمومی بیمارستان «چمران» تهران که از جمله پزشکان یاری‌دهنده به شهروندان مجروح در اعتراضات بود روز ۲۱ آذر ۱۴۰۱ مفقود شد. یک روز بعد پیکر بی‌جان او با ادعای پرت شدن از پل عابر پیاده در حوالی میدان «آزادی» تهران به خانواده تحویل داده شد! اما خانواده آثار شکنجه روی بدن و صورت او مشاهده کردند. از سوی دیگر موبایل، کیف و وسایل شخصی این پزشک به خانواده تحویل داده نشده است.

جمهوری اسلامی در ابتدا تلاش کرد سناریوی «خودکشی» را درباره آیدا رستمی نیز اجرا کند؛ سناریویی که بیشتر برای بسیاری از جانباختگان جنبش انقلابی و ملی از جمله نیکا شاکرمی و سارینا اسماعیل‌زاده هم مطرح شد و البته از سوی جامعه و افکار عمومی باور نشد!

در نخستین گزارش‌های حکومتی آمده بود که آیدا رستمی از روی پلی در حوالی «آزادی» خودش را به پایین پرت کرده و با خودکشی جان خود را از دست داده است. همزمان اما گزارش‌ها نشان می‌دهد که آیدا رستمی از جمله پزشکان عمومی بوده که معترضانی را که مورد اصابت گلوله قرار

اتهام احمدرضا لشگری‌پور فرزند هوشنگ متهم دیگر پرونده هم، مشارکت در اخلاص عمده از طریق اخلاص در توزیع مایحتاج دارو به مبلغ یک هزار و ۸۵۰ میلیارد و ۱۴۸ میلیون و ۳۷۹ هزار و ۵۹۹ ریال با علم به موثر بودن اقدامات در ضربه به نظام جمهوری اسلامی، مشارکت در تحصیل مال از طریق نامشروع با سوءاستفاده از امتیاز تفویض شده، مشارکت در اخلاص در نظام توزیع و تولید دارویی کشور عنوان شد.

برای این پرونده در مجموع شش جلسه دادگاه به ریاست قاضی «اسدالله مسعودی‌مقام» برگزار شد که آخرین جلسه آن در ۶ آبان ۱۳۹۸ بود. پس از آن در ۱۰ دی ۱۳۹۸ غلامحسین اسماعیلی سخنگوی وقت قوه قضاییه اعلام کرد: «خانم شبنم نعمت‌زاده و آقای احمدرضا لشگری پور به جرم مشارکت در اخلاص عمده و کلان در نظام اقتصادی کشور از طریق اخلاص در توزیع مایحتاج دارویی، هر کدام به ۲۰ سال حبس تعزیری ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و محرومیت دائم از خدمات دولتی محکوم شدند.»

همچنین نعمت‌زاده و لشگری پور متضامناً به رد مبالغ زیر محکوم شدند:

۳۶ میلیارد ریال در حق شرکت استراژن دارو  
۱۷۷ میلیارد و ۴۴ میلیون ریال در حق داروسازی اسوه  
۱۷۵ میلیارد و ۸۰۱ میلیون ریال در حق شرکت داروسازی جابرین حیان

۵ میلیارد و ۳۱۸ میلیون ریال در حق شرکت دارویی ایران سرنگ

۲۶ میلیارد و ۹۱۷ میلیون ریال در حق شرکت دارویی رابو فارمین

۱۳۷ میلیارد و ۱۵ میلیون ریال شرکت داروسازی زهراوی  
۴۶۲ میلیارد و ۷۲۶ میلیون ریال در حق شرکت داروسازی فارابی  
۳۷ میلیارد و ۸۵۵ میلیون ریال در حق شرکت لابراتور رازن  
۱۶۸ میلیارد و ۳۷۸ میلیون ریال در حق شرکت پارس دارو  
۵۶ میلیارد و ۲۷۴ میلیون ریال در حق شرکت دارویی کاسپین تامین

۲۷ میلیارد و ۵۰۱ میلیون ریال در حق شرکت دارویی ریحانه اصفهان  
۲۲ میلیارد و ۹۱۹ میلیون ریال در حق شرکت فارما شیمی  
علاوه بر آن شرکت داروسازی رسا محکوم شده است به ۳۷۰۰ میلیارد و ۲۹۶ میلیون و ۷۵۹ هزار و ۱۹۸ ریال به عنوان جزای نقدی در حق صندوق دولت.

خبر فرار شبنم نعمت‌زاده در حالی اکنون و چهار سال پس از محکومیت او منتشر شده که در نخستین جلسه دادگاه قاضی مسعودی مقام خطاب به شبنم نعمت‌زاده گفته بود: «بیم فرار و مخفی شدن شما بود و سندی که گذاشته بودید از طرف فردی بنام امیر بارانی متولد ۱۳۷۳ بود که در دادگاه حاضر نشد و ۲۰ میلیارد تومان سند ارائه کرده و اساساً این آقا از کجا توانسته این سند را بیاورد. تضمینات پدر شما (ضمانت نامه بانکی) رو به پایان بود و به همین دلیل قرار بازداشت موقت برای شما صادر شده و ردیابی‌ها صورت می‌گیرد.»

در آخرین جلسات دادگاه مشخص شد محمدرضا نعمت‌زاده پدر شبنم نعمت‌زاده تلاش کرده است با قاضی پرونده بطور خصوصی دیدار کند و برای آزادی این متهم فساد کلان اقتصادی فشارهایی به قوه قضاییه وارد شده است.

شبنم نعمت‌زاده یکی از ده‌ها آقازاده‌های خانواده‌های مافیایی جمهوری اسلامی و از جمله افرادی است که با توسل به رانت والدین و اقوام و آشنایان به فسادهای کلان اقتصادی دست زده و هزاران میلیارد تومان از دارایی‌های ملت ایران را به جیب‌زده است.

## پولیتیکو: رژیم ایران تهدیدی مستقیم علیه اروپا؛ تعصب ایدئولوژیک ملاها بر انگیزه‌های اقتصادی آنها می‌چربد!



رزمایش بسیج طلاب اصفهان / آذر ۱۴۰۱

راسموسن در بخش دیگری از این مقاله می‌نویسد: حمایت جمهوری اسلامی از حملات وحشیانه حماس به اسرائیل خط بطلان روی این فرضیه کشید که گویا انگیزه‌های اقتصادی بر تعصب ایدئولوژیک ته‌اجمی ملاها در تهران غلبه می‌کند. این وضعیت تنها یک گزینه را برای اسرائیل، اروپا و ایالات متحده باقی می‌گذارد: رویکرد «فقط چماق» که فشار نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک بر رژیم ایران را به حداکثر برساند. اما در حالی که ایالات متحده و اسرائیل موقعیت بهتری نسبت به اروپا برای مقابله نظامی با رژیم ایران دارند، کشورهای اروپایی از قدرت قابل توجه برای فشار اقتصادی و دیپلماتیک بر این رژیم برخوردارند. طرفین برجام، فرانسه، آلمان و بریتانیا این قدرت را دارند که «مکانیسم ماشه» را فعال کنند و رژیم تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه حکومت ایران را به قبل از برجام را بازگردانند. این اقدام ارسال تسلیحات نظامی به روسیه توسط جمهوری اسلامی را مختل می‌کند و علاوه بر آن، راه را برای اعمال تحریم‌های فلج‌کننده اروپا بر بخش‌های کشتیرانی، بانکی و انرژی جمهوری اسلامی که بسیاری از آنها قبل از برجام وجود داشتند، هموار می‌کند. پس از آن، تحریم‌های شدید می‌تواند با تصمیم برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رهبری سیاسی حزب‌الله لبنان به عنوان سازمان‌های تروریستی ترکیب شود، که سیاست‌های اروپا و آمریکا را همسو خواهد کرد. در پایان این نوشتار آمده، نمایندگان در آمریکا به تازگی آنچه را به عنوان «سخت‌ترین بسته تحریم‌های ایران» پیشنهاد شده توسط کنگره» ارائه داده‌اند. اقدامات مشابه اروپا به مقابله با تهدید رژیم ایران کمک می‌کند و همچنین نشانه خوشایند اتحاد و همبستگی فرآتلانتیک با اسرائیل در زمانی است که دشمنان ما تمام تلاش خود را برای درهم شکستن غرب انجام می‌دهند.

بر آن داشت تا تولید میدان گازی «تمار» در دریای مدیترانه را متوقف کند، زیرا این میدان در محدوده حملات موشکی گاز قرار دارد که به نوبه خود منجر به افزایش فوری قیمت گاز در اروپا شد. این افزایش قیمت در مقایسه با اثرات اقتصادی احتمالی تشدید تنش توسط دیگر گروه‌های نیابتی رژیم ایران مانند حزب‌الله لبنان یا حوثی‌ها در یمن زیاد نیست. بنابراین هر تلاشی از سوی خود رژیم ایران برای بستن «تنگه هرمز»، جایی که بیش از یک پنجم عرضه نفت جهان به صورت روزانه کاهش خواهد یافت، بحران را تشدید می‌کند. اروپا نمی‌تواند خصومت شدید ایدئولوژیک رژیم ایران علیه ارزش‌های اساسی غربی مانند آزادی بیان، تساهل مذهبی و حقوق زنان را نادیده بگیرد. تشویق آشکار حمله سال گذشته به سلمان رشدی نویسنده برجسته که فتوای قتل وی در سال ۱۹۸۹ صادر شد یا آدم‌ربایی و ترور مخالفان در اروپا و ایالات متحده و هدف قرار دادن افراد خاص توسط رژیم ایران پیامدهای وحشتناک خواهد داشت. در نهایت، داشتن یک سلاح هسته‌ای همراه با فناوری پیشرفته موشکی برای پرتاب آن، رژیم ایران را توانمند می‌سازد و جرأت می‌بخشد تا هر کاری خواست انجام دهد و یک تهدید آتی نه تنها علیه اسرائیل، بلکه علیه اروپا نیز باشد. جمهوری اسلامی اکنون بیش از هر زمان دیگری به ساخت سلاح هسته‌ای نزدیک شده است. دیوید آلبرایت عضو مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی، تخمین می‌زند که ایران می‌تواند تنها ظرف شش ماه یک سلاح هسته‌ای بسازد، در حالی که زمان تخمینی برای زیرساخت‌های تسلیحات هسته‌ای قابل حمل موشکی تولید انبوه دو سال است. برجام تلاش غرب برای «مدیریت» این تهدید هسته‌ای و اجتناب از یک بحران بزرگ بود. اما این معامله بر این فرض استوار بود که رژیم ایران بازیگری منطقی است که مستعد استفاده از شیوه «چماق و هویج» است و نه یک رژیم آخرالزمانی.

● هنریک راسموسن عضو مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی در مقاله‌ای می‌نویسد برجام تلاش غرب برای «مدیریت» این تهدید هسته‌ای و اجتناب از یک بحران بزرگ بود. اما این معامله بر این فرض استوار بود که رژیم ایران بازیگری منطقی است که مستعد بهره‌گیری از سیاست «چماق و هویج» است نه یک رژیم آخرالزمانی. ● نویسنده معتقد است حمایت جمهوری اسلامی از حملات وحشیانه حماس به اسرائیل خط بطلان روی این فرضیه کشید که گویا انگیزه‌های اقتصادی بر تعصب ایدئولوژیک ته‌اجمی ملاها در تهران غلبه می‌کند. هنریک راسموسن تحلیلگر مسائل بین‌المللی در مقاله‌ای با عنوان رژیم «ایران تهدیدی مستقیم علیه اروپا» که ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان‌ماه) در پولیتیکو منتشر شد با اشاره به پشتیبانی جمهوری اسلامی از گروه‌های شبه‌نظامی و تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی، سیاست‌های اروپا و آمریکا برای مهار تهدیدات رژیم ایران را «شکست‌خورده مطلق» توصیف کرده و نوشته است: «انگیزه‌های اقتصادی بر تعصب ایدئولوژیک ملاها غلبه نمی‌کند.»

در این نوشتار آمده حمله «هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل واقعیت ناراحت‌کننده‌ای را برای غرب آشکار کرده است: تهدید از سوی افراط‌گرایان اسلامی مثل همیشه واقعی است. نویسنده معتقد است، «شکست مطلق» تلاش بلندمدت ایالات متحده، اروپا و اسرائیل برای «مدیریت» بجای حل مشکلات امنیتی در منطقه اثبات شده و اسرائیل برای محافظت از شهروندان خود اکنون باید «یکبار برای همیشه» با حماس برخورد کند و ایالات متحده و اروپا باید بطور کامل از این کشور پشتیبانی کنند. این پشتیبانی باید شامل فشار دیپلماتیک برای توقف به پناه دادن رهبران حماس در کشورهای مثل ترکیه و قطر نیز باشد. راسموسن عنوان می‌کند پشت حماس، تهدید بزرگتری فراتر از اسرائیل و تهدید مستقیم علیه امنیت کل غرب وجود دارد و آن رژیم ایران است که از حماس حمایت می‌کند و به نظر می‌رسد هرگز هیچ فرصتی را برای تحقق شعار «مرگ بر اسرائیل» یا «مرگ بر آمریکا» از دست نمی‌دهد. آنها به مسیر خود برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای نیز ادامه می‌دهند. اگرچه تهدیدات در تهران ممکن است بیشتر روی ایالات متحده متمرکز باشد، اما اروپا بیشتر در معرض موشک‌ها، پهپادها، نیروهای نیابتی تروریسم و تهدیدهای نفت و گاز ایران قرار دارد. اقدامات خصمانه رژیم ایران بطور مستقیم بر اروپا تأثیر گذاشته است. روسیه بیش از یک سال است که پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی را علیه اوکراین استفاده می‌کند که پدافند هوایی و زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین را تحت فشار قرار داده است. تهران همچنین بطور فعال به مسکو در تولید پهپادهای بومی کمک می‌کند و بالقوه روسیه را قادر می‌سازد تا بیش از شش هزار پهپاد ته‌اجمی جدید تا تابستان ۲۰۲۵ بسازد. این پهپادها فقط تهدیدی برای اوکراین نیستند، بلکه تهدیدی برای اعضای ناتو به ویژه کشورهای هم‌مرز با روسیه به شمار می‌روند.

علاوه بر این، موضع تهدیدآمیز جمهوری اسلامی و حمایت از نیروهای نیابتی تروریست در سراسر خاورمیانه برای اروپا خطرات اقتصادی شدید به همراه دارد. در ادامه این مقاله آمده حملات «هفت اکتبر» اسرائیل را

# «واشنگتن پست»: امپراتوری مواد مخدر بشار اسد پشتیبان مالی شبه نظامیان وابسته به رژیم ایران و تروریست‌های حماس



مرزهای سوریه و عراق جولانگاه قاچاقچیان مواد مخدر است که از اغلب از حمایت رژیم اسد برخوردارند

آمریکا جهت مقابله با کاپتاگون بیشتر به مقابله با شبکه توزیع جنایتکاران در خارج از سوریه محدود می‌شود. روزنامه «واشنگتن پست» در ادامه می‌نویسد کارهای بسیار بیشتری وجود دارد که می‌توان و باید انجام داد. این هفته، کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا به اتفاق آرا لایحه دو حزبی موسوم به «قانون سرکوب قاچاق غیرقانونی کاپتاگون» را به تصویب رساند. این قانون تحریم‌های گسترده‌تری را علیه کسانی اعمال می‌کند که در تجارت بین‌المللی کاپتاگون شریک باشند. این قانون بطور خاص چندین مقام رژیم سوریه را در بر می‌گیرد. فرنچ هیل عضو جمهورخواه ایالت آرکانزاس در مجلس نمایندگان آمریکا مدت‌هاست که خواستار هماهنگی بیشتر ایالات متحده با کشورهای منطقه در مورد مهار قاچاق کاپتاگون شده است. او این موضوع را با دولت‌های عراق، عربستان سعودی، مصر، اسرائیل و ترکیه در میان گذاشته است. برخی نمایندگان گفته‌اند دولت بایدن باید اطلاعات، نیروی‌های امنیتی و منابع دیپلماتیک بیشتری را برای جلوگیری از درآمدهای چند میلیارد دلاری رژیم ایران، سوریه و شبه‌نظامیان از تجارت غیرقانونی کاپتاگون اختصاص دهد. این نماینده در ادامه می‌گوید: «ما می‌خواهیم این پول را قطع کنیم. تصویب این قانون یک پیام دیپلماتیک ارسال می‌کند که ایالات متحده آماده است تا رژیم اسد را برای دستیابی به یکی از اهداف کشورهای عربی، یعنی از بین بردن قاچاق آن کشور در منطقه خود، تحت فشار بگذارد.» وی همچنین تأکید می‌کند «رژیم اسد اکنون بیشتر به یک سازمان مافیایی تبدیل شده تا یک دولت و جامعه بین‌المللی باید مانند یک سازمان با آن رفتار کند. تا زمانی که سوریه با استفاده از قاچاق برای تأمین مالی و دامن زدن به خشونت‌های منطقه‌ای فعالیت می‌کند، آسیب‌های مواد مخدر و تروریسم بدتر از پیش خواهد شد.»

فرنچ هیل یکی از اعضای کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان، می‌گوید: «یکی از کاربردهای مواد مخدر دامن زدن به ترور است. کاپتاگون منبع مالی تروریسم است و پول برای گسترش فعالیت تروریست‌ها فراهم می‌کند و همچنین خود تروریست‌ها را تشویق می‌کند دست به جنایات وحشیانه بزنند چنانکه در اسرائیل شاهد بودیم.» مقامات اسرائیلی بارها محموله‌های بزرگ کاپتاگون را که به سمت غزه ارسال می‌شد، مصادره کرده‌اند. شبه‌نظامیان تحت حمایت رژیم ایران که در سوریه و عراق فعالیت می‌کنند در ترانزیت این ماده مخدر نقش کلیدی دارند، زیرا کنترل مرزهای سوریه با عراق و اردن در اختیار آنهاست. این شبه‌نظامیان از سود حاصل از فروش مجدد مواد مخدر برای خرید سلاح و گسترش قلمرو خود استفاده می‌کنند. در گزارشی که سال گذشته توسط مؤسسه «خطوط جدید» (New Lines Institute) منتشر شد، رژیم سوریه با همکاری دیگر بازیگران غیردولتی و سازمان‌های جنایتکار از ضعف‌های حاکمیتی در چندین کشور به ویژه در شمال آفریقا و جنوب اروپا برای ترانزیت مواد مخدر سوء استفاده می‌کند. در این گزارش آمده است: «نقش تجارت به عنوان منبع درآمد برای بازیگران دولتی و غیردولتی مانند دولت سوریه، حزب الله و شبه‌نظامیان وابسته به دولت به فعالیت‌های بدی دامن زده که ناامنی را تشدید، فساد را تشویق و رفتارهای مستبدانه را تقویت کرده است.» ایالات متحده و بریتانیا در ماه مارس سال ۲۰۲۳، تحریم‌های هماهنگی را علیه برخی شخصیت‌های سوری و لبنانی که در رأس تجارت کاپتاگون هستند، از جمله دو پسرعموی اسد، برقرار کردند. سپس، در ماه ژوئن، وزارت خارجه آمریکا گزارشی منتشر کرد که در آن اعلام شد عناصر رژیم سوریه با شخصیت‌های مرتبط با حزب الله لبنان برای تولید کاپتاگون کار می‌کنند. اما استراتژی وزارت خارجه

● پس از حمله تروریستی «هفت اکتبر» به اسرائیل، گزارش شد که شماری از شبه‌نظامیان حماس از مواد مخدر غیرقانونی کاپتاگون استفاده کرده‌اند.  
● روزنامه «واشنگتن پست» در گزارشی می‌نویسد تجارت کاپتاگون به ابزار کلیدی نفوذ برای رژیم سوریه و منبع درآمدی عظیم برای شبه‌نظامیان تحت حمایت جمهوری اسلامی که اکنون به نیروهای آمریکایی حمله می‌کنند، تبدیل شده است.  
● «دل‌هایی که مواد مخدر را به کشورهای حاشیه خلیج فارس منتقل می‌کنند، همان شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران هستند که از زمان آغاز حمله حماس علیه اسرائیل و جنگ غزه، ده‌ها بار به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه حمله کرده‌اند.»

پس از حمله تروریستی «هفت اکتبر» به اسرائیل، گزارش شد که شماری از شبه‌نظامیان حماس از مواد مخدر غیرقانونی کاپتاگون استفاده کرده‌اند. روزنامه «واشنگتن پست» روز دوشنبه ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان‌ماه) با اشاره به این گزارش نوشت مصرف این ماده مخدر محرک (روانگردان) مطمئناً تشدیدکننده جنایت و کشتاری بوده که حماس به راه انداخت اما اثر تهدیدی که درآمدهای حاصل از تجارت این مخدر دارد بیشتر از اثرات آن در تقویت توان تبهکاری تروریست‌هاست.

در گزارش «واشنگتن پست» آمده تجارت کاپتاگون به ابزاری کلیدی نفوذ برای رژیم سوریه و منبع درآمدی عظیم برای شبه‌نظامیان تحت حمایت جمهوری اسلامی که اکنون به نیروهای آمریکایی حمله می‌کنند، تبدیل شده است. ماده بسیار اعتیادآور کاپتاگون معمولاً در قرص‌های سفید کوچکی عرضه می‌شود که رژیم بشار اسد با کمک شبه‌نظامیان وفادار به جمهوری اسلامی برای استفاده میلیون‌ها نفر در سراسر خاورمیانه صادر می‌کند. ساخت آن مستقیماً با نیروهای مسلح سوریه و خانواده بشار اسد رئیس جمهور سوریه مرتبط است. اسد علاوه بر اینکه یک دیکتاتور، جنایتکار جنگی و قاتل فله‌ای است، اکنون می‌تواند عنوان سلطان مواد مخدر را به رزومه خود اضافه کند. صادرات این داروها به سراسر جهان برای او سالانه چندین میلیارد دلار درآمد دارد. رژیم سوریه برای وارد کردن کاپتاگون که از نام یک برند سابق فن‌تیلین به اروپا نامگذاری شده، یک شبکه توزیع ایجاد کرده که شامل همکاری با حزب الله لبنان و مافیای ایتالیا می‌شود. بدتر از آن، کاپتاگون به بلایی برای کشورهای عربی خلیج فارس تبدیل شده که به سرعت در حال عادی ساختن روابط با اسد هستند به این امید که او صادرات این ماده مرگبار را به کشورهای آنان قطع کند. تا کنون اسد از این اهرم استفاده کرده و در نهایت صادرات این ماده را گسترش داده است. دل‌هایی که مواد مخدر را به کشورهای حاشیه خلیج فارس منتقل می‌کنند، همان شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران هستند که از زمان آغاز حمله حماس علیه اسرائیل و جنگ غزه، ده‌ها بار به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه حمله کرده‌اند. به گفته پنتاگون، این حملات به پایگاه‌های آمریکایی توسط پهپادها و موشک‌های مسلح دست‌کم ۵۶ سرباز آمریکایی را مجروح کرده است.

## ۲۲ چاه میدان نفتی سهراب ۱۸ هکتار از هورالعظیم را می‌بلعد

● مدیرکل دفتر ارزیابی سازمان محیط زیست: «اکتشاف نفت باید در خشکی اتفاق بیفتد اما این موضوع به معنای خشک کردن کامل هورالعظیم نیست. برای تخریب کمتر، از هشت پد برای ۲۲ چاه استفاده می‌کنند، به این ترتیب کل مساحتی که با جاده دسترسی و مرز چاه و... خشک می‌شود به ۱۸ هکتار می‌رسد.»

ابتدای دهه ۹۰ خورشیدی دو حلقه چاه اکتشافی توسط شرکت ملی نفت، حفر شد و بعد از آن میدان نفتی سهراب در برنامه توسعه وزارت نفت قرار گرفت.

بر اساس این برنامه، شرکت ملی نفت ایران، تأمین مالی، توسعه و بهره‌برداری از میدان مشترک نفتی سهراب را در قالب الگوی جدید قراردادهای نفتی به شرکت انرژی دانا واگذار کرد. این قرارداد با هدف تولید تجمعی ۱۶۰ میلیون بشکه نفت‌خام از میدان مشترک نفتی سهراب به مدت ۲۰ سال به این شرکت تنفیذ شد. این روزها شرکت دانا، مجوز حفر ۲۲ چاه جدید را از سازمان حفاظت محیط زیست در هورالعظیم درخواست کرده که در صورت بهره‌برداری از ۲۲ چاه، کل مساحتی که با جاده دسترسی و مرز چاه و... خشک می‌شود به ۱۸ هکتار می‌رسد.

سعید کریمی مدیرکل دفتر ارزیابی سازمان محیط زیست در گفتگو با «هم‌میهن» گفته است: «اکتشاف نفت باید در خشکی اتفاق بیفتد اما این موضوع به معنای خشک کردن کامل هورالعظیم نیست. برای تخریب کمتر، از هشت پد برای ۲۲ چاه استفاده می‌کنند، به این ترتیب کل مساحتی که با جاده دسترسی و مرز چاه و... خشک می‌شود به ۱۸ هکتار می‌رسد.»

بنا بر این گزارش در خوزستان پروژه‌های نفتی کم اجرا نشده است. وضعیت ماهشهر و پتروشیمی‌های فراوان آن، نمونه‌ای از پروژه‌های با مجوز ارزیابی است که به تعهداتشان عمل نکرده‌اند. وضعیت امروز در ماهشهر به شکلی است که صیادان دیگر رغبتی به گرفتن ماهی از خورموسی ندارند، می‌گویند ماهی‌ها آلوده شده، همچنان که سایر مناطق هم از دست پتروشیمی در امان مانده‌اند. حالا چه تضمینی است که اینبار پیمانکار به تعهدش عمل کند؟ آنهم در منطقه‌ای که در اعتراضات آبی خوزستان در مرکز توجهات قرار داشت؟

به گفته مدیرکل دفتر ارزیابی سازمان حفاظت محیط زیست «بهتر بود به هورالعظیم دست‌اندازی نشود و میدان نفتی نباشد اما در حال حاضر با یک میدان نفتی مشترک با عراق مشترک مواجهیم. آنها شروع به برداشت کرده‌اند، چنانچه ما برداشت نکنیم بی‌توجهی به بیت‌المال است. تلاش سازمان حفاظت محیط‌زیست حداقلی کردن تخریب‌هاست و چنانچه تخریبی صورت گیرد، متخلفان را به محاکم قضایی معرفی می‌کنیم.»

معاون اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان ←

## بهره‌برداری نیروهای مسلح از معادن داخل پادگان‌ها قانونی شد



قراگاه «خاتم الانبیاء» سپاه پاسداران بزرگترین پیمانکار ساخت و ساز و معادن در تمام ایران است

اما در منطقه نظامی قطعی واقع شده و جزو پادگان به حساب می‌آیند.» او مدعی شده «برای این موارد عیناً مراحل واگذاری اسناد رسمی طی شده و ضوابط و مقررات برای آنها رعایت می‌شود.»  
قالیباف تأکید کرد، «که سردار باقری به بنده گفته ما نیز مانند بقیه موظفیم حقوق دولت را پرداخت کنیم؛ لذا ضوابط قانون معادن برای این کار رعایت می‌شود و صرفاً به دلیل اینکه آنها در محیط نظامی واقع شده‌اند و امکان حضور افراد دیگر در آنجا نیست، از این طریق اقدام می‌کنیم.»

بسیاری از معادن که داخل پادگان‌ها هستند ثبت رسمی نشده‌اند بنابراین نظارت بر ساز و کار قانونی و استانداردهای بهره‌برداری از آنها برای نهادهای مربوطه ممکن نیست.

به عنوان نمونه در انفجار معدن زغال سنگ یورت آزادشهر در استان گلستان که اردیبهشت ۱۳۹۶ رخ داد ۴۳ معدنچی جان باختند. رئیس کل دادگستری استان گلستان اعلام کرد بر اساس جمع‌بندی گزارش کمیته حقیقت‌یاب، مقصر حادثه کارفرما بوده است. بر اساس سندی که از گزارش هیئت مدیره معدن یورت منتشر شده است، سه نفر از پنج سهامدار معدن زغال سنگ زمستان یورت وابسته به «گروه مالی مهر اقتصاد» و از وابستگان نهاد بسیج مستضعفان هستند. این بانک در سال ۱۳۷۲ خورشیدی با نام مؤسسه «قرض‌الحسنه بسیجیان» تأسیس شد و هم‌اکنون زیرمجموعه بنیاد تعاون بسیج است.

امیر حاشی وزیر دفاع پیشین جمهوری اسلامی دی‌ماه ۱۳۹۶ در مصاحبه با روزنامه «ایران» گفته بود که علی‌خامنه‌ای به ستاد کل نیروهای مسلح مأموریت داده تا خروج سپاه پاسداران، ارتش و وزارت دفاع از بنگاه‌های اقتصادی «غیرمرتبط» را پیگیری کند.

سال‌هاست که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در بخش صنایع و معادن سرمایه‌گذاری می‌کنند. در آخرین نمونه از اواسط آبان‌ماه ۱۴۰۲ اکتشاف محدوده معدنی به وسعت سه هزار کیلومتر مربع در منطقه مرزی این استان با کشور افغانستان به ارتش جمهوری اسلامی واگذار شد.

● نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی را تصویب کردند که بر اساس آن وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) مکلف به صدور مجوز بهره‌برداری از معادن واقع در پادگان‌ها برای نیروهای مسلح شد.

● منابع غیررسمی می‌گویند این طرح با درخواست محمد باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح و با فشار باند محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی تصویب شده است.

● مخالفان این طرح از جمله حسینعلی حاجی‌دلیگانی گفته بودند، «باید مشخص شود صدور مجوز دقیقاً به کجا داده می‌شود؟»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی، سه‌شنبه ۲۳ مهرماه طرحی را تصویب کردند که بر اساس آن وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) مکلف به صدور مجوز بهره‌برداری از معادن واقع در پادگان‌ها برای نیروهای مسلح شد.

بر اساس بند «پ» ماده ۱۰۲ لایحه برنامه هفتم توسعه، وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است با درخواست ستادکل نیروهای مسلح نسبت به صدور مجوز بهره‌برداری از معادن واقع در پادگان‌های موجود تحت مالکیت نیروهای مسلح اقدام نماید.

اعلام شد آئین‌نامه اجرائی این قانون شامل پرداخت حقوق دولت و فرآیند واگذاری و سایر اقدامات لازم توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

منابع غیررسمی می‌گویند این طرح با درخواست محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و با فشار باند محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی تصویب شده است.

مخالفان این طرح از جمله حسینعلی حاجی‌دلیگانی گفته بودند، «باید مشخص شود صدور مجوز دقیقاً به کجا داده می‌شود؟»

در این ارتباط قالیباف گفته «بعضی از معادن موجود در پادگان‌ها سند مالکیت قطعی ندارند، اما ثبت شده هستند



## دادستانی کرمان:

# «شبکه تروریستی سلطنت طلب» منهدم شد؛ «متهمان قصد ترور یک نیروی امنیتی را داشتند!»



دادگستری کرمان

خبرگزاری تسنیم به نقل از مقامات قضایی کرمان ادعا کرده «لیدرهای این شبکه اخیراً با هدایت سرپل‌های تروریستی سلطنت‌طلب، ضمن ورود به فاز اقدامات مسلحانه، قصد ترور یکی از نیروهای امنیتی در استان را داشتند».

● مشخص نیست تعداد بازداشتی‌ها چند نفر است اما ادعا شده یکی از اقدامات آنها «تلاش برای شناسایی به قصد آسیب رساندن به آمران به معروف و ناهیان از منکر بود».

● در ماه‌های اخیر بارها وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و همچنین سازمان اطلاعات سپاه (ساس) افرادی را که گفته شده حامی شاهزاده رضا پهلوی یا «سلطنت‌طلب» بودند با برچسب «تلاش برای اقدام تروریستی» و یا «اقدامات مسلحانه» بازداشت کرده‌اند.

رئیس کل دادگستری استان کرمان روز شنبه ۲۰ آبان‌ماه مدعی شد مأموران امنیتی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) یک «شبکه تروریستی سلطنت‌طلب» را که برای اقدامات «ضدامنیتی» سازمان یافته بودند در کرمان شناسایی و «منهدم» کرده‌اند.

خبرگزاری تسنیم گزارش داده «لیدرهای این شبکه اخیراً با هدایت سرپل‌های تروریستی سلطنت‌طلب، ضمن ورود به فاز اقدامات مسلحانه، قصد ترور یکی از نیروهای امنیتی در استان را داشتند».

در این گزارش همچنین آمده اعضای این تیم ضمن ارتباط با عناصر و رسانه‌های معاند در خارج کشور، طی یک سال گذشته اقدامات ضدامنیتی از قبیل حمله به اماکن، تخریب اموال عمومی، آتش‌زدن برها، چاپ و پخش انبوه تراکت علیه نظام، شعارنویسی و ارسال محتوا به شبکه‌های ماهواره‌ای را انجام می‌دادند. مشخص نیست تعداد بازداشتی‌ها چند نفر است اما ادعا شده یکی از اقدامات آنها «تلاش برای شناسایی به قصد آسیب رساندن به آمران به معروف و ناهیان از منکر بود».

حدود یک ماه و نیم (دهم شهریور) پیش خبرگزاری تسنیم به نقل از منابع امنیتی گزارش داد یک تیم چهار نفره در زاهدان با «مدیریت از خارج مرزها» تلاش کردند با برافراشتن پرچم «شیرخورشید» در میان مردم، جمعیت را همسو با خانواده پهلوی نشان دهند.

خبرگزاری تسنیم به نقل از مقامات قضایی کرمان ادعا کرده «لیدرهای این شبکه اخیراً با هدایت سرپل‌های تروریستی سلطنت‌طلب، ضمن ورود به فاز اقدامات مسلحانه، قصد ترور یکی از نیروهای امنیتی در استان را داشتند».

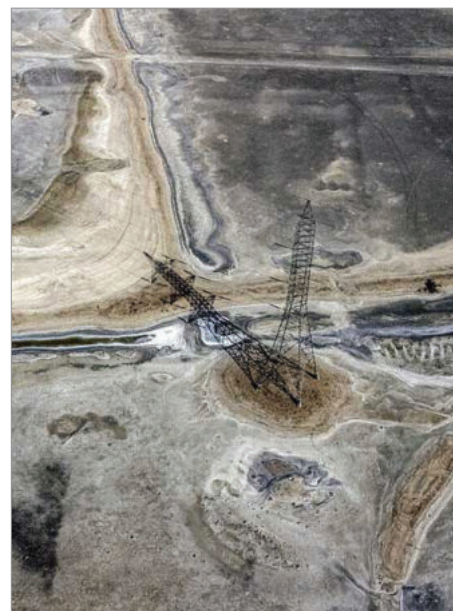
● مشخص نیست تعداد بازداشتی‌ها چند نفر است اما ادعا شده یکی از اقدامات آنها «تلاش برای شناسایی به قصد آسیب رساندن به آمران به معروف و ناهیان از منکر بود».

● در ماه‌های اخیر بارها وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و همچنین سازمان اطلاعات سپاه (ساس) افرادی را که گفته شده حامی شاهزاده رضا پهلوی یا «سلطنت‌طلب» بودند با برچسب «تلاش برای اقدام تروریستی» و یا «اقدامات مسلحانه» بازداشت کرده‌اند. این اتهامات می‌تواند پروژه‌ای امنیتی برای افزایش فشارها و تهدیدات علیه جریان مشروطه‌خواه و پادشاهی‌خواهان در داخل ایران باشد.

تجربه نشان می‌دهد که همین اتهام‌زنی‌ها و برچسب‌ها برای حکومت مقدمه سرکوب‌های شدیدتر علیه فعالان سیاسی در داخل ایران و همچنین به کار انداختن تیم‌های ترور در بیرون از ایران علیه فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران مخالف بوده است.

→ در ۲۸ شهریور گفته بود: «تالاب هورالعظیم همچنان در وضعیت عادی قرار ندارد و نیاز است حقاچه بیشتری به این تالاب اختصاص داده شود.

به گفته وی، حقاچه تالاب هورالعظیم بیش از یک میلیارد مترمکعب است، در مجموع در سال آبی جاری حدود ۹۳۱ میلیون مترمکعب از حقاچه داده شده است و در چند



ماه اخیر با توجه به رها شدن موجی آب و برداشت‌ها از بالادست، حقاچه تالاب تحقق نیافته است.

دوم آبان ماه معاون محیط زیست انسانی اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان با اشاره به انتشار مجدد دود حریق هورالعظیم در اهواز از قرار گرفتن هوای این شهر در وضعیت اضطرار خبر داده بود.

فرهاد قلی نژاد با اشاره به وضعیت آلودگی هوای اهواز گفته بود: «در پی انتشار دود آتش‌سوزی بخش عراقی تالاب هورالعظیم، هوای اهواز دچار آلودگی شده است».

در پی خشک شدن بخش‌های وسیعی از هورالعظیم، این تالاب از اوایل تابستان سال گذشته شاهد آتش‌سوزی‌های گسترده به ویژه در بخش عراق بود. در ادامه این روند، اوایل مهرماه آن سال بار دیگر آتش تالاب هورالعظیم از بخش عراقی شعله‌ور شد. بطوری که بوی تند دود آتش‌سوزی و هاله دود آن، در برخی روزها هوای دشت آزادگان، هویزه، حمیدیه و اهواز را آلوده کرده و حتی موجب تعطیلی یکروزه مدارس در هویزه شد.

تالاب هورالعظیم آخرین بازمانده تالاب‌های بین‌النهرین در جنوب غربی کشور است که در خوزستان قرار دارد. یک سوم این تالاب مرزی در ایران و دو سوم آن در کشور عراق واقع شده و به گفته کارشناسان در صورت خشک شدن این تالاب به یک کانون بزرگ و خطرناک تولید گرد و غبار تبدیل خواهد شد. فاجعه‌ای که هم‌اکنون نیز رخ داده است.

بر اثر آتش‌سوزی‌های متعدد در تالاب هورالعظیم در خاک عراق میزان آلودگی در برخی شهرهای استان افزایش یافته و تا وقتی حقاچه آن تامین نشود، بحران‌های ناشی از آن ادامه خواهد داشت.

به گفته سیدعادل مولا معاون محیط زیست طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان، مساحت آب هورالعظیم در حال حاضر به کمتر از ۴۰ درصد رسیده که آنهم در برخی قسمت‌ها آب دارد و بعضی قسمت‌ها فقط مرطوب است.

# چرا دولت بریتانیا اقدام جدی علیه نفوذ اسلامگرایان در بریتانیا انجام نمی‌دهد؟



تظاهرات هواداران حماس و اسلامگرایان افراطی و حامیان آنها/ لندن / ۱۱ نوامبر ۲۰۲۳ / رویترز

در جرائم نفرت‌پراکنی است. یک منبع دولت بریتانیا که نخواست نامش فاش شود به «دیلی تلگراف» گفت: «این شخص تندرو به دنبال تفرقه انداختن در کشور ما است. مشورت کردن پلیس با اینگونه اشخاص به همان اندازه که خطرناک است، مضحک هم هست!»

نفوذ در نهادهای حکومتی بریتانیا توسط جمهوری اسلامی نیز بارها در روزنامه‌های بریتانیا افشا شده. در اکتبر سال پیش روزنامه «تایمز» لندن، مقاله‌ای درباره سید سعیدرضا عاملی، دبیر پیشین شورای عالی انقلاب و مبتکر گشت ارشاد در جمهوری اسلامی نوشت که چگونه بخش حقوقی نهاد خیریه وابسته به او مشاور دولت بریتانیا در امور مهاجرت است.

اما چرا هیچ اقدام جدی از سوی بریتانیا صورت نمی‌گیرد؟ پرسشی که برای خیلی‌ها از جمله بخش بزرگی از جامعه ایرانی در این کشور مطرح است.

تصور بسیاری از ایرانیان، طبق معمول، بر اساس یک سیاست دانی جان ناپلئون است که «خود انگلیس آخوندها رو سر کار آورده چرا جلوشون رو بگیره؟!». اما نکته‌ای که باید در نظر گرفت این است که حتی اگر بپذیریم منافع انگلیس با بقای آخوندها در ایران گره خورده، اما امروز حرف از امنیت خود کشور پادشاهی بریتانیاست. مطمئناً عقل سلیم چنین حکم می‌کند که بریتانیا در مورد امنیت ملی خود باید جدی عمل کند.

ریشه مشکلات امروز بریتانیا در حوزه امنیت داخلی، مانند دیگر کشورهای اروپای غربی، در سیاست‌های مهاجرپذیری بی‌رویه است. به ویژه طی دو دهه اخیر، موج مهاجرت از کشورهای که مردم آنها هیچ همخوانی فرهنگی و اجتماعی با بافت جوامع اروپایی ندارند به صورت بی‌رویه، شتابزده و بدون کنترل این قاره کوچک را فرا گرفته آنهم با این امید از سوی سیاستمداران و دولت‌های اروپایی که

فرائض دینی، شبکه نفوذ خود را در داخل خاک بریتانیا چنان گسترش دهد که حتی در سازماندهی تظاهرات در این کشور مؤثر باشد و سیاست خارجی دولت بریتانیا را تحت تأثیر و فشار قرار دهد.

عدم مقابله جدی با فعالیت‌های جمهوری اسلامی در بریتانیا جمهوری اسلامی را گستاخ‌تر کرده تا جایی که مقامات امنیتی بریتانیا اظهار داشتند حداقل ۱۵ طرح ترور مخالفین رژیم در این کشور را خنثی کرده‌اند، بدون اینکه جزئیات بیشتری اعلام کنند.

مت جوکر، رئیس پلیس ضد تروریستی بریتانیا همین هفته در مصاحبه‌ای با برنامه ۶۰ دقیقه «سی‌بی‌اس‌نیوز» به مجری برنامه گفت: «من ۲۰ سال است که در امور پلیس امنیت ملی همکاری می‌کنم، اما آنچه ما در ۱۸ ماه اخیر دیده‌ایم یک شتاب واقعی در عملیات جمهوری اسلامی در خاک بریتانیاست.»

بسیاری تلاش کرده‌اند مقامات بریتانیا را درباره نفوذ نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی و اسلامگرایان افراطی دیگر در این کشور آگاه کنند. اما تنها موفقیتی که تا کنون به دست آمده، سلب مدیریت مرکز اسلامی در محله میداوایل لندن از دست هیات مدیره انتصابی علی خامنه‌ای بوده. موفقیتی که در مقایسه با دامنه و میزان فعالیت‌های جمهوری اسلامی و اسلامگرایان افراطی دیگر در انگلستان بسیار ناچیز است.

روزنامه «دیلی تلگراف» در ۴ نوامبر امسال، در یک مقاله تحقیقاتی افشاگرانه، نشان داد که یک وکیل پاکستانی‌تبار ضد اسرائیلی و مبتکر شعاری که از سوی دولت بریتانیا یهودستیز تلقی می‌شود، مشاور راهبردی پلیس بریتانیاست. همین روزنامه در ۲۸ اکتبر، افشا کرد که رئیس مسجدی که از بنیانگذار حماس به عنوان «استاد شهدای مقاومت» تعجید کرده، مشاور دادستانی سلطنتی و پلیس انگلستان

● خطری که بسیاری سال‌ها درباره آن هشدار داده‌اند ولی جدی گرفته نشدند، این روزها با تظاهرات عظیم هواداران حماس در شهرهای بریتانیا، برای خیلی‌ها ملموس‌تر شده است.

● ریشه مشکلات امروز بریتانیا در حوزه امنیت داخلی، مانند دیگر کشورهای اروپای غربی، در سیاست‌های مهاجرپذیری بی‌رویه است.

● طی دست‌کم دو دهه اخیر مباحثات با نیروهای افراطی، آنها توانسته‌اند آهسته و خزنده در تمام سطوح نهادهای حکومتی بریتانیا نفوذ کنند. از رسانه‌ها گرفته تا مدارس و دانشگاه‌ها و حتی در نیروی پلیس و قوه قضاییه! ● مشکل در نبود قوانین لازم نیست. با همین قوانین موجود در بریتانیا به راحتی می‌توان ریشه نفوذ افراطیون و دولت‌های متخاصم را خشکاند. مشکل در اجرای قوانین موجود و دولتمردانی است که از ترس پیامدهای مقابله با افراطیون، شهامت این را که اقدام جدی و عملی در مبارزه با آنان انجام دهند ندارند و نهادهای اجرایی نیز ضعیف و ناتوان به نظر می‌رسند.

پتکین آذر مهر - در تاریخ نبرد بین تمدن‌ها، شکست ارتش امپراتوری عثمانی در سال ۱۶۸۳ میلادی نقطه عطفی در فتوحات ارتش عثمانی بود که پیشروی مسلمانان در اروپا را در هم شکست\*. اگر عثمانی‌ها پیروز می‌شدند چه بسا که امروز کل اروپا مسلمان می‌بود.

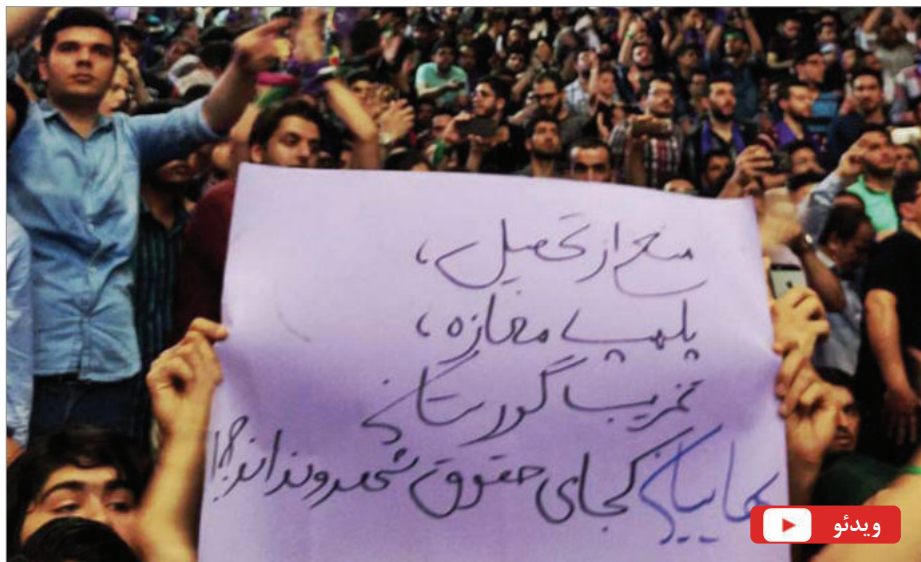
عبارت «دشمن در پشت دروازه» در زبان انگلیسی اشاره‌ای هست به همین لحظه حساس تاریخی که می‌توانست سرنوشت اروپا را برای همیشه تغییر دهد. هفته پیش کنستانتین کیسین، مفسر و طنزپرداز سیاسی بریتانیایی که اصالت یهودی روسی دارد، در یک سخنرانی با ارجاع به همین عبارت، درباره وضعیت فعلی بریتانیا هشدار داد: «دشمن پشت دروازه نیست، دشمن اینسوی دروازه است!» اشاره او به نفوذ مسلمانان و نیروهای اسلامگرا در اروپاست. پیشتر، رایین سیمکاکس، کمیسیونر ضد افراط‌گرایی بریتانیا، هم در یک سخنرانی عمومی به میزان فعالیت‌ها و حمایت‌های جمهوری اسلامی برای دامن زدن به افراط‌گرایی در بریتانیا پرداخته بود.

معضلی که بسیاری سال‌ها درباره آن هشدار داده‌اند ولی جدی گرفته نشدند؛ اما این روزها با تظاهرات عظیم هواداران حماس در شهرهای بریتانیا، خطر برای خیلی‌ها ملموس‌تر شده است.

روزنامه «تایمز» لندن، در ۲۷ اکتبر مقاله‌ای تحت عنوان «ایران تظاهرات طرفداران فلسطین را برده» چاپ کرد. در این مقاله تایمز ادعا کرد پلیس ضد تروریستی بریتانیا در گفتگوهایی خصوصی به آنها گفته اند که «تهران تلاش می‌کند تنش‌ها در تجمعات و اعتراضات را بالا ببرد.»

مقاله‌ای که گویا مورد توجه علی خامنه‌ای هم قرار گرفت و در جمع دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت ۱۳ آبان، روز دانش‌آموز در جمهوری اسلامی، با لحنی رضایت‌آمیز گفت: «لابد بسیج لندن و بسیج پاریس این کار را کرده‌اند!» واقعیت این است که جمهوری اسلامی طی این سال‌ها توانسته با سوء استفاده از سیاست‌های تساهل و آزادی مذاهب و حمایت از حق مردم در داشتن عبادتگاه و انجام

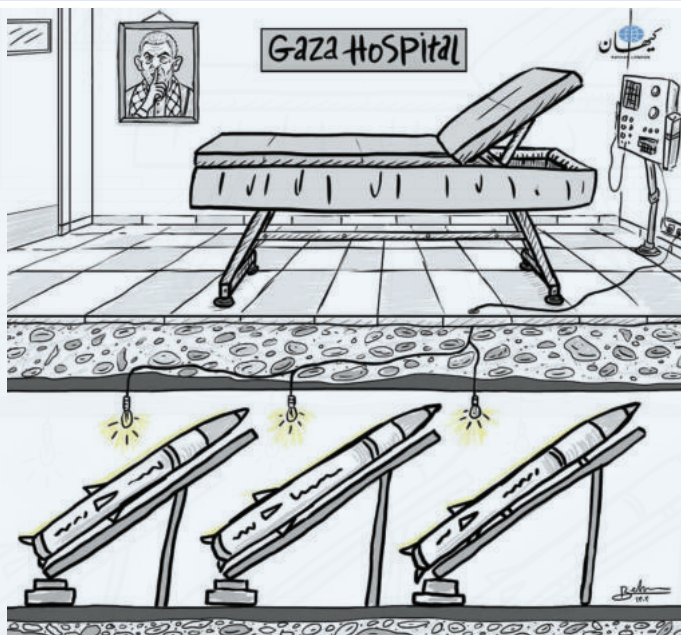
## فرهاد ثابتان: تنها جرم بهائیان ایران اعتقاد به دیانت بهائی است



جمهوری اسلامی هرگز امضای خود را از زیر «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» بر نداشته و بنابراین متعهد است که از جمله ماده ۱۸ هر دو پیمان را که آزادی عقیده و مذهب را تضمین می‌کنند محترم بشمارد. جمهوری اسلامی ولی آئین بهائی را به رسمیت نمی‌شناسد و پیروان این دیانت را «جاسوس و دشمن» خوانده و احکام اعدام، بازداشت، زندان و محرومیت از تحصیل و کسب و کار علیه آنها صادر می‌کند. احمد رأفت با فرهاد ثابتان استاد دانشگاه و سخنگوی جامعه بهائیان ایران گفتگویی انجام داده است.

موج جدیدی از بازداشت و محکومیت بهائیان ایران آغاز شده است. در آبان دست کم ۳۰ نفر در شهرهای مختلف ایران بازداشت شدند. در همین ماه ۲۶ بهائی دیگر که ۱۶ نفر از آنها زن هستند در مجموع به ۱۲۶ سال زندان محکوم شده‌اند. بسیاری نیز در هفته‌های اخیر، به ویژه پس از آغاز جنگ در غزه از سوی وزارت اطلاعات احضار شده‌اند. مامورین امنیتی در یورش به منازل شهروندان بهائی از خشونت بی‌شمار از حد متداول در جمهوری اسلامی استفاده کرده و در برخی موارد نیز ساکنین این منازل را با اسلحه گرم تهدید کردند.

## حماس و بیمارستان‌های غزه



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

این جمعیت مهاجر پس از سکونت در کشورهای اروپایی در این جوامع ادغام خواهند شد. اما امروز می‌بینیم که حداقل بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها نه تنها ادغام نشده، بلکه حتی نسل دوم این مهاجران می‌خواهند سیستمی را به جوامع اروپایی تحمیل کنند که والدین خود آنها از دست آن شرایط فرار کرده و به اروپا پناه آورده بودند.

آنهایی که این سیاست مهاجرپذیری بی‌رویه را ترویج و آن را اجرا کرده‌اند، در عین حال سعی در این داشته‌اند که انسجام اجتماعی (انتگراسیون) در اولویت سیاست‌های دولتی قرار داشته باشد. داشت این اولویت اگرچه صحیح است اما روشی که برای اجرای آن انتخاب کرده‌اند کاملاً غلط بوده و به همین دلیل نتیجه‌ای که امروز شاهد هستیم کاملاً برعکس آن سیاست از آب درآمده است. امروز ناهنجاری اجتماعی و گسستگی جوامع از یکدیگر که در اروپای غربی بطور موازی شکل گرفته‌اند، هر روز حادتر می‌شود. در تمام سال‌های گذشته بجای مبارزه با افراط‌گرایی در نطفه، نه تنها در بریتانیا بلکه در بیشتر کشورهای غربی از اسلام‌گرایان کمال مماشات و دلجویی به عمل آمده تا مبدا کسی به نژادپرستی یا «اسلام‌هراسی»، عبارتی که نسبتاً اخیراً ابداع شده، متهم شود. آنهم در حالی که با کسانی که در مقابل اسلام‌گراها ایستادند به شدت برخورد شده؛ از اخراج آنها از حرفه و محل کار و حذف آنان از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها تا بستن حساب‌های بانکی و حتی مجازات زندان!

طی دست کم دو دهه اخیر مماشات با نیروهای افراطی، همانگونه که می‌بینیم افراط‌گرایان توانسته‌اند آهسته و خزنده در تمام سطوح نهادهای حکومتی بریتانیا نفوذ کنند. از رسانه‌ها گرفته تا مدارس و دانشگاه‌ها و حتی در نیروی پلیس و قوه قضاییه!

دشمن از دروازه عبور کرده و وارد شهر شده. تا جایی که در مرز برهم خوردن تعادل نیروها هستیم. مشکل در نبود قوانین لازم نیست. با همین قوانین موجود در بریتانیا به راحتی می‌توان ریشه نفوذ افراطیون و دولت‌های متخاصم را خشکاند. مشکل در اجرای قوانین موجود است.

موضوع بر سر این است که دولتمردان منتخب در غرب، از ترس پیامدهای مقابله با افراطیون، شهامت این را که اقدام جدی و عملی در مبارزه با آنان انجام دهند ندارند و نهادهای اجرایی نیز ضعیف و ناتوان به نظر می‌رسند. برای ما ایرانیانی که وقایع شوم سال ۵۷ را به خاطر داریم، به گونه‌ای آنچه امروز در انگلستان و اروپای غربی در حال وقوع است تکرار همان تجربه تلخ و خونبار است. همدستی نیروهای چپ و اسلام‌گرا، سستی مقامات نظام در مقابله با افراطیون و قویتر شدن بیش از پیش دشمنی که دیگر بیرون دروازه نیست و وارد شهر شده است. آیا جایز است که اجازه دهیم بار دیگر سکوت اکثریت، باعث مسلط شدن یک اقلیت ویرانگر افراطی شود؟

\*سه اتفاق مهم باعث شکست ارتش عثمانی و آغاز افول این امپراتوری شد:

نخست، مقاومت جانانه‌ی ساکنان وین که با وجود تعداد کمی سرباز و توپ جنگی در مقایسه با ارتش عثمانی، حاضر به تسلیم نشدند و مانع فتح برق‌آسای شهر خود شدند. دوم، اتحاد امپراتوری هابسبورگ اتریش با فدراسیون مشترک‌المنافع لهستان و لتوانی.

سوم، یکی از بزرگ‌ترین حملات سواره‌نظام در تاریخ به فرماندهی پان سویسیکی که صفوف خسته‌ی عثمانی‌ها را تار و مار کرد.

## بورسیه دختران دانشجو از غزه توسط جمهوری اسلامی بازماندن از تحصیل به دلیل فقر برای دختران ایران



بیش از ۵۵۶ هزار کودک در سن ۱۵ تا ۱۷ سال از تحصیل بازماندند که ۲۹۵ هزار تن، پسر و ۲۶۱ هزار تن، دختر هستند.

گزارش مرکز آمار ایران همچنین نشان می‌دهد «نرخ ترک تحصیل» دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۶، ۰/۹۹ درصد بوده اما پس از پنج سال، در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ به ۱/۲ درصد رسیده و در دوره متوسطه اول نیز ۴/۱۱ درصد بوده که به مرور به ۵/۴۷ درصد رسیده که سیری صعودی را ثبت نشان می‌دهد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز همراه امسال در گزارشی تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ را ۹۱۱ هزار و تعداد دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده را ۲۷۹ هزار تن اعلام کرد.

بنا بر این گزارش اگر چه میزان ترک تحصیل در یک دهه اخیر در دوره متوسطه دوم حدود ۲۲ درصد کاهش یافته اما در عوض میزان ترک تحصیل در دوره ابتدایی حدود ۲۰ درصد و در دوره متوسط اول حدود ۵۰ درصد بیشتر شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه میزان بازماندن از تحصیل با سطح رفاه خانواده‌ها ارتباط مستقیم دارد، اعلام کرده که بیشترین میزان بازماندگی از تحصیل و ترک تحصیل در پنج استان سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، خراسان رضوی، خراسان شمالی و گلستان بوده است. در استان سیستان و بلوچستان حدود ۱۸ درصد از دانش‌آموزان از تحصیل بازمانده‌اند.

انجمن صنفی معلمان استان فارس نیز روز اول مهر در پیامی با عنوان «مهرماه و جاماندگان از مهر»، نوشته بود: بازگشایی مدارس را در حالی آغاز می‌کنیم که «چندین هزار کودک به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده‌اند و کودکان کار به عنوان «قربانیان کوچک فقر»، از جمله آثار این بازماندگان از تحصیل هستند.

معصومه نجفی پازوکی معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از بازماندن ۱۶۰ هزار دانش‌آموز

انسیه خزعلی در حالی از بورسیه دختران دانشجو از غزه خبر داده که آمار ترک تحصیل در ایران رو به افزایش بوده است. بازماندن از تحصیل که اصلی‌ترین عامل آن فقر و مشکلات اقتصادی است، در میان دختران و حتی دختران دبستانی بیشتر است.

بر اساس جدیدترین آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار



ایران ۵۵۶ هزار دانش‌آموز قبل از ورود به مقطع دبیرستان، به دلایلی که اصلی‌ترین آن فقر و محرومیت عنوان شده ناچار به «ترک تحصیل» شده‌اند.

این آمار نشان می‌دهد در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲

● انسیه خزعلی معاون ابراهیم رئیسی از طرح حکومت برای بورسیه دختران دانشجو از غزه خبر داده و گفته «دختران دانشجوی غزه را استقبال می‌کنیم که بیایند در اینجا درس بخوانند!»

● به گزارش مرکز آمار ایران ۵۵۶ هزار دانش‌آموز قبل از ورود به مقطع دبیرستان، به دلایلی که اصلی‌ترین آن فقر و محرومیت عنوان شده ناچار به «ترک تحصیل» شده‌اند.

● معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از بازماندن ۱۶۰ هزار دانش‌آموز دبستانی از تحصیل خبر داده است.

معاون ابراهیم رئیسی در امور زنان و خانواده از بورسیه دختران دانشجو از غزه خبر داده است. برنامه‌ریزی برای بورس دادن به دختران دانشجو از غزه در حال است که آمار ترک تحصیل در ایران به دانش‌آموزان دبستانی رسیده و مهمترین عامل آن «فقر» است.

انسیه خزعلی معاون ریاست جمهوری اسلامی در امور زنان و خانواده از بورسیه دختران دانشجو از غزه خبر داده و گفته در ابتدا سه نفر از دانشجویان غزه را بورس می‌کنیم و دانشگاه‌ها به ترتیب این کار را ادامه دهند و «دختران دانشجوی غزه را استقبال می‌کنیم که بیایند در اینجا درس بخوانند.»

او در ادامه افزوده که «قبلاً اعلام کردیم از دانشجویان افغانستانی حمایت می‌کنیم و در دانشگاه‌ها به ویژه دانشگاه‌هایی که اختصاص به بانوان دارد، از این افراد استقبال خواهیم کرد.»

معاون ابراهیم رئیسی در امور زنان و خانواده گفته «جایگاهی که اسلام برای زن، خانواده و حفظ ارزش‌های خانواده قائل است، از مسئولیت‌هایی است که بر دوش ما قرار دارد و اگر این خانواده‌ها و حیات طبیعه و شهدا و آثاری که شما ترجمه‌هایش را می‌بینید نبودند و این زیبایی‌ها تصویر نشده بود، در مقابل ظلمی که در فلسطین مشاهده می‌کنید، این بزرگی‌ها، پاک‌ها و ایثارها برای بودن انسانیت جای تجلیل و تقدیر دارد.»

# رجب طیب اردوغان: اسرائیل یک دولت تروریستی و نفرین شده است

## اولاف شولتز: اظهارات اردوغان «یاوه» است



سخنرانی رجب طیب اردوغان در نشست پارلمانی حزب عدالت و توسعه

حمایت‌های بشردوستانه را ارائه می‌کنیم.» وی تأکید کرد: «اقداماتی را انجام خواهیم داد تا اطمینان حاصل کنیم که رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل که مردم مظلوم غزه را وحشیانه به قتل رساندند در دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه شوند.»

اردوغان رئیس جمهوری ترکیه ششم آبان‌ماه نیز در مراسم «صدمین سالگرد تاسیس جمهوری ترکیه» که در آرامگاه مصطفی کمال آتاتورک در استانبول برگزار شد گفته بود، «حماس یک سازمان تروریستی نیست و یک جنبش آزادیبخش است.» وی مقامات اسرائیل را تهدید کرد که «ممکن است یک شب ناگهانی حمله کنیم!»

گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل در واکنش به سخنان اردوغان گفته بود «یک مار، مار باقی می‌ماند... او تلاش کرد وجهه‌اش را بهبود بخشد، اما یک یهودستیز باقی مانده است.» اردوغان پیش از این نیز در چند سخنرانی حملات لفظی شدیدی علیه اسرائیل کرد و دولت این کشور عضو سازمان ملل را «فاشیست» خواند. روزنامه آلمانی «اشپیگل» در گزارشی با اشاره به مواضع تند رئیس جمهوری ترکیه علیه اسرائیل می‌نویسد اندکی پیش از سفر اردوغان به برلین، اولاف شولتز صدراعظم آلمان در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با نخست وزیر یونان، اتهامات اردوغان علیه اسرائیل را «یاوه» خواند و گفت: «اسرائیل کشوری است که به حقوق بشر احساس تعهد می‌کند، به قوانین بین‌المللی متعهد است و در اقدامات خود مطابق با آن عمل می‌کند.»

اگرچه اردوغان به ویژه در دو سه سال گذشته تلاش کرد روابط خود با اسرائیل و دولت‌های غربی را بهبود بخشد و زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ترکیه که عضو «ناتو» نیز هست فراهم کند اما دوباره با حمایت از تروریست‌های حماس و حملات لفظی علیه دولت اسرائیل و یهودی‌ها در برابر مواضع اتحادیه اروپا قرار گرفته است. نخستین آسیبی که سخنان اردوغان علیه اسرائیل به اقتصاد ترکیه زده، سقوط شدید بورس استانبول و ارزش لیر در این کشور است.

● رئیس جمهوری اسلامگرای ترکیه با حمایت از تروریست‌های حماس گفته «من شفاف می‌گویم که اسرائیل یک دولت تروریستی است... خطاب به نتانیاهو می‌گویم، تو پمپ اتمی و هسته‌ای داری و با اینها تهدید می‌کنی. مهم نیست که چه داری، تو داری می‌روی.»

● اندکی پیش از سفر اردوغان به برلین اولاف شولتز صدراعظم آلمان در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با نخست وزیر یونان، اتهامات اردوغان علیه اسرائیل را «یاوه» خواند و گفت: «اسرائیل کشوری است که به حقوق بشر احساس تعهد می‌کند، به قوانین بین‌المللی متعهد است و در اقدامات خود مطابق با آن عمل می‌کند.»

رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری اسلامگرای ترکیه روز چهارشنبه ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان‌ماه) در نشست گروه پارلمانی حزب حاکم «عدالت و توسعه» در آنکارا در سخنانی تند با اشاره به وضعیت غزه به حمایت از گروه تروریستی حماس پرداخت و ادعای همه اسلامگرایان را تکرار کرد که «اسرائیل یک دولت تروریستی است.»

به گزارش خبرگزاری «آنادولو» اردوغان در این سخنرانی گفت: «اسرائیل در حال اجرای استراتژی نابودی کامل یک شهر و مردم آن است. من شفاف می‌گویم که اسرائیل یک دولت تروریستی است... خطاب به نتانیاهو می‌گویم، تو پمپ اتمی و هسته‌ای داری و با اینها تهدید می‌کنی. مهم نیست که چه داری، تو داری می‌روی.»

وی تهدید کرد: «در صورت تداوم قتل عام توسط اسرائیل به شکل کنونی، به تمام جهان ثابت خواهد شد که اسرائیل یک دولت تروریستی و نفرین شده است.»

رئیس جمهوری اسلامگرای ترکیه بار دیگر از شبه‌نظامیان حماس حمایت کرد و گفت آنها «مبارزانی هستند که برای دفاع از وطن و جان خود مبارزه می‌کنند و ما از تکرار این واقعیت به دلیل خوش نیامدن برخی‌ها منصرف نخواهیم شد.» اردوغان در بخش دیگری از این سخنرانی توضیح داد: «در یک طرح دوگانه، ما همچنان به انزوی اسرائیل در عرصه بین‌المللی ادامه می‌دهیم و در عین حال همه انواع

دبستانی از تحصیل خبر داده و گفته که «در حوزه ابتدایی ۱۶۰ هزار دانش‌آموز به عنوان بازمانده از تحصیل معرفی شدند؛ پس لازم است که برای سایر دانش‌آموزان نیز نسبت به کیفیت آموزشی، دقت ویژه شود.»

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش همچنین از تفاوت کیفیت آموزشی در مناطق شهری و روستایی خبر داده و گفته بود که «نرخ تکرار پایه در حوزه معاونت آموزش ابتدایی را پایه اول تمام مدارس به خصوص مدارس روستایی است. مدارس روستایی، ۷۱ درصد از افرادی که شامل تکرار پایه شدند را تشکیل می‌دهند، پس اگر بخواهیم فرصت یادگیری عادلانه ایجاد کنیم، لازم است تا توجه ویژه به روستاها داشته باشیم.»

منظور از «تکرار پایه» همان مردودی یا رفوزگی است که به گفته این مقام وزارت آموزش و پرورش، بیشترین رفوزگی را دانش‌آموزان روستایی و به ویژه کلاس اولی‌ها تشکیل می‌دهند!

روزنامه «خراسان» روز شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۲، در گزارشی با عنوان «هولناک مثل آمار ترک تحصیل» با اشاره به آمار اعلام شده از سوی معاون آموزش و پرورش نوشته که «روی دیگر آمار جاماندگان از تحصیل در مقطع ابتدایی، آمارهای دیگری است که در این زمینه وجود دارد؛ آمارهایی با اعداد و ارقامی هولناک که به معنای واقعی کلمه، لرزه به اندام هر ایرانی دلسوز می‌اندازد.»

ترک تحصیل به دلیل فقر از مدارس به آموزش عالی نیز کشیده شده است. روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز در گزارشی با عنوان «دانشگاه در محاصره فقر» به کاهش آمار ورود به دانشگاه‌ها به دلیل فقر اشاره کرده و نوشته که «دانشگاه زمانی امید بسیاری از مردم از طبقه فرودست تا طبقه متوسط بود برای ارتقای زندگی و رسیدن به چشم‌اندازی روشن. اکنون پس از چهاردهه آموزش عالی دچار چالش جدی شده است. تازه‌ترین آمار وزارت آموزش و پرورش نشان می‌دهد، حدود یک میلیون دانش‌آموز حتی فرم شرکت در کنکور را دریافت نمی‌کنند.»

رضا نقی‌زاده مدیر کل برنامه‌ریزی آموزش عالی در گفتگو با «دنیای اقتصاد» کاهش تقاضا برای ورود به دانشگاه به دلالی از جمله فقر را رد کرده و گفته که «ما با کاهش روبه‌رو نبوده‌ایم. هر کسی که دیپلم گرفته در کنکور شرکت کرده است. کاهش شرکت‌کنندگان کنکور ربط مستقیم به جمعیت دانش‌آموزی کشور دارد.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» اما با استناد به آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان داده که «فقر» سبب کاهش تعداد دانش‌آموزان و افزایش «ترک تحصیل» در کشور شده و به همین دلیل تعداد دانش‌آموزان نیز کاهش یافته است. عبدالرسول عمادی، رئیس سابق مرکز سنجش وزارت آموزش و پرورش، کم‌شدن شرکت‌کنندگان آموزش عالی را ریشه در شرایط و بحران‌های اقتصادی و تحریم‌ها و فقر می‌داند. ریشه‌هایی که بررسی آنها ضروری است، چرا که آینده ایران در گرو تصمیم‌گیری‌های امروز است.

همچنین منصور کبک‌نایان عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی چندی پیش آمارهایی از سهم مدارس و دهک‌های اجتماعی در رتبه‌های زیر ۳ هزار کنکور منتشر کرد که نشان از عمق نابرابری آموزشی در ایران دارد. این آمارها می‌گوید: دهک اول، دوم و سوم که از آنها به عنوان کم‌برخوردار یاد می‌شود، تنها ۲ درصد از صندلی دانشگاه‌های معتبر را به خودشان اختصاص دادند و دهک ۸، ۹ و ۱۰ که برخوردارترین هستند، توانستند ۸۰ درصد از ۳ هزار رتبه اول کشور در کنکور را داشته باشند. در این میان سهم دانش‌آموزان مدارس غیردولتی ۸۰ درصد بود.

## توهم تاریخی امروز و انقلاب اسلامی ۱۹۷۹



تظاهرات هواداران حماس و اسلامگرایان افراطی و حامیان آنها/ لندن / ۱۱ نوامبر ۲۰۲۳

و حماس، به خوبی به یاد می‌آورم که در آن دوران نیز شخصیت‌های فمینیست و LGBT معروف دنیا حمایت‌شان را از انقلاب اسلامی و خمینی به روشنی ابراز کرده و حجاب زنان تظاهرکننده در شهرهای ایران را نماد مقاومت در برابر «استبداد سلطنتی» و «امپریالیسم غرب» می‌نامیدند.

همان زمان فمینیست‌هایی از جمله کیت میلر آمریکایی به تهران رفتند. سیمون دوبووار فرانسوی که ریاست «کمیته بین‌المللی دفاع از حقوق زنان» را بر عهده داشت، یک هیئت بیست نفره به ایران فرستاد که از فمینیست‌های روزنامه‌نگار، نویسنده، حقوقدان و کشگر جنبش زنان از ملیت‌های گوناگون مانند فرانسوی، ایتالیایی، آلمانی و مصری تشکیل می‌شد. در هیئت همراه آنها افراد جامعه دگرباشان جنسی نیز حضور داشتند. اعضای این هیئت که با پشتیبانی از انقلاب اسلامی رفته بودند تا از حقوق زنان ایران دفاع کنند با بسیاری از زمامداران آن دوران از جمله روح‌الله خمینی و مهدی بازرگان و محمود طالقانی دیدار و گفتگو کردند.

شاید بتوان در مورد، اورینا فالاجی استثنایی قائل شد که پس از مصاحبه با خمینی، فجایی را که در راه بودند از جمله حجاب اجباری، سنگسار و از دست دادن هرگونه حقوق مدنی برای زنان ایران را تا حدی پیش‌بینی کرد و بعدها که هجوم اسلامگرایان به غرب را دید، در مقالات و کتاب خود به دولت‌مندان دموکراسی‌ها علیه اسلام سیاسی هشدار داد و پاسخ‌اش را با اتهام «اسلام‌هراسی» دریافت کرد!

سیاستمداران چپ اروپا و دولت‌مندان لیبرال هوادار حزب دموکرات آمریکا نیز از این توهم مستثنا نبودند. تقریباً بدون استثنا احزاب سوسیالیست و کمونیست و رهبران‌شان در اروپا از خمینی و انقلاب اسلامی حمایت کردند و تظاهرات بزرگی علیه حکومت شاه از طرف این احزاب و سندیکا‌های کارگری برگزار شد.

در ایالات متحده آندرو یانگ سفیر آمریکا در سازمان ملل در دولت کارتر، خمینی را به نوعی دمکرات مقدس تشبیه و انقلاب اسلامی را با انقلاب حقوق مدنی و

چهل و پنج سال پیش، بزرگان فرهنگ و سیاست اروپا و آمریکا به شخص کوردل و تاریک‌اندیشی مثل رهبر انقلاب اسلامی در ایران ابراز احترام می‌کردند.

روشنفکران چپ در غرب خمینی را چون چه گوارا می‌دیدند که بساط باتیستا (شاه) را از ایران «سرتاسر فساد و وابستگی به یانکی‌ها» در هم می‌کوبید.

در نوشته‌های آنها حتی ادعا می‌شود که «انقلاب اسلامی یک بیداری مردمی از آلودگی تولیدشده توسط جامعه سرمایه‌داری و فرهنگ منحط آن است!»

لیبرال‌های آمریکا در نشنگی عجیبی که سلول‌های عقل و خرد آنان را به تمامی بی‌حس کرده بود، روح‌الله خمینی را با بنیانگذاران دموکراسی در ایالات متحده مقایسه می‌کردند! در تبعید فرانسوی‌اش در نوفل‌لوشاتو، خمینی شبانه‌روز توسط خبرنگاران و روشنفکران چپ در پاریس احاطه شده و هر سخن بی‌سرو ته و خالی از معانی او را با کلی ویراستاری و بزک روانه صفحات روزنامه و رادیو تلویزیون‌ها می‌کردند.

به جرأت می‌توان گفت که گویا همه با چشمان نافذ و شرربار وی هیپنوتیزم شده بودند! شری که قرار بود به زودی رژیم «وابسته» شاه را به آتش بکشد و البته با همین کار، منطقه خاورمیانه را برای چند دهه دچار بی‌ثباتی و درگیری‌های خونین کند که نخستین آن در غیاب حکومتی توانمند و ارتش ملی که سران یا اعدام و یا اخراج شده و یا مجبور به ترک کشور شده بودند، گریبان خود ایران را گرفت: جنگ هشت ساله!

لیست شخصیت‌های فرهنگی دنیای غرب که برای خمینی هورا می‌کشیدند بسیار طولانی است؛ از برندگان جایزه نوبل آینده مانند گابریل گارسیا مارکز و گونتر گراس گرفته تا ژان پل سارتر، رژه گارودی و میشل فوکو و اریک رولو که در مقالات خود خمینی را با شخصیت‌های اسطوره‌ای غرب مقایسه می‌کردند.

این روزها که در رسانه‌های اجتماعی، عکس‌ها و کلیپ‌هایی دیده می‌شود از راهپیمایی فمینیست‌ها و جامعه LGBT و دگرباشان جنسی در حمایت از فلسطین

● در سال ۱۹۷۸ در پایتخت‌های اروپایی و واشنگتن در ایالات متحده تظاهراتی مشابه این روزها در دفاع از «فلسطین» و حماس، علیه شاه و به نفع انقلاب اسلامی و روح‌الله خمینی برگزار می‌شد.

● کسانی که دائم دم از تشکیل «دولت فلسطین» می‌زنند، ولی هیچ اشاره‌ای به ضرورت دموکرات بودن آن نمی‌کنند، گویا متوجه نیستند که اگر این گروه‌های تروریستی اسلامگرا قادر به جنایت‌هایی در شرایط بدون «دولت» و «کشور» هستند، وای به روزی که از تشکیلات یک کشور مستقل مثل ارتش و نیروی‌های نظامی متعارف برخوردار شوند! عین گروه اسلامگرایی که سال ۱۳۵۷ در ایران به قدرت دولتی و حاکمیت یک کشور دست یافت و جمهوری اسلامی را با همه پیامدهای خونبار و ویرانگرش بنیان گذاشت!

بهرام فرخی - این روزها که تظاهرات و راهپیمایی‌ها در هواداری از فلسطین و حماس و علیه اسرائیل پایتخت‌های اروپایی را فرا گرفته و روشنفکران چپ در اروپا و لیبرال‌ها در آمریکا، آتش بیار معرکه شده‌اند، برای کسانی که خاطرات‌شان اجازه می‌دهد که حوادث سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ در ایران و غرب را به یاد بیاورند، نکات مشترک زیادی را تداعی می‌کند.

در سال ۱۹۷۸ در پایتخت‌های اروپایی و واشنگتن در ایالات متحده تظاهرات مشابهی علیه شاه و به نفع انقلاب اسلامی و روح‌الله خمینی برگزار می‌شد.

در آن سال‌ها گل سرسبد فیلسوفان و نویسندگان سرشناس و روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های سیاسی برجسته چپ در اروپا و لیبرال در آمریکا دچار یک توهم بزرگ شده بودند. در چنان شرایطی از تلویزیون‌های ماهواره‌ای و اینترنت و رسانه‌های اجتماعی خبری نبود و تنها راه خبررسانی از خارج اعلامیه‌ها و شبانه‌ها و یا یک رادیو ترانزیستوری موج کوتاه بود که در پاره‌ای از ساعات شب قادر به گرفتن بی‌بی‌سی انگلیس می‌شد.

حامیان غربی انقلاب به خوبی توانستند با همین وسایل اندک و به ظاهر ابتدایی ایده‌های واهی خود را در بین مردم بی‌خبر ایران منتشر کنند و پیر و جوان، باسواد و بی‌سواد، شهری و روستایی و... را دچار همان توهمی کنند که خود دچارش شده بودند.

نسلی هم که از نظر فکری معروف به «پنجاه و هفتی» شده، کورکورانه و در کمال ساده‌لوحی راهی را رفت که بعد از ۴۴ سال، نه تنها خودشان را قربانی کردند بلکه آتش این حماقت تاریخی همچنان گریبان نسل‌های بعد از آنها را نیز در داخل و خارج ایران می‌سوزاند.

در این روزها که «۵۷» به عدد کوردلی و بلاهت تبدیل شده و از آن به عنوان نوعی ناسزا استفاده می‌شود، باید متصفانه گفت که آن زمان نه تنها مردم ایران بلکه روشنفکران و سیاستمداران جهان، به ویژه در غرب که عمری را به تحقیق و تفحص در امور فرهنگی و اسلامی و سیاسی و حقوق بشر گذرانده بودند نیز گرفتار این توهم ویرانگر شدند.

آن زمان تازه اوایل دوران اغواگری بزرگ غرب بود؛ زمانی که دموکراسی‌های غربی هنوز باور داشتند که می‌توانند لکوموتیو اسلامی را کنترل کنند و سیاستمداران ساده‌لوح آنها اسلام سیاسی را سدی علیه توسعه‌طلبی اتحاد جماهیر شوروی می‌دانستند.

## بازرسی گسترده پلیس آلمان از «مسجد امام علی» هامبورگ وابسته به جمهوری اسلامی



مرکز اسلامی هامبورگ وابسته به جمهوری اسلامی که با نام‌های «مسجد آبی» و «مسجد امام علی» شناخته می‌شود

را بطور جدی دنبال می‌کنیم.» این مقام ارشد آلمان تأکید کرد که دولت اقدامات یهودستیزانه و ضد اسرائیلی را تحمل نمی‌کند. بعد از حمله مرگبار تروریست‌های حماس به اسرائیل در «هفت اکتبر» اغلب احزاب سیاسی آلمان خواهان تعطیلی مرکز اسلامی هامبورگ به دلیل داشتن رابطه با گروه‌هایی مانند حزب الله لبنان شدند. در همین ارتباط امید نوری پور رهبر حزب سبز آلمان، مرکز فرهنگ اسلامی فرانکفورت را متهم کرد با تهدید مخالفان رژیم ایران، نقش دستگاه پروپاگاندای جمهوری اسلامی را دارد و همراه با مرکز اسلامی هامبورگ باید فوراً تعطیل شوند.

معاون این مرکز در ماه نوامبر ۲۰۲۲ به اتهام ارتباط با اعضای حزب‌الله لبنان که در آلمان گروه تروریستی محسوب می‌شود از این کشور اخراج شد. روزنامه بیلد آلمان در همین ارتباط در گزارشی نوشت «ملای نفرت پراکن» از آلمان اخراج شد.

وزارت کشور آلمان می‌گوید در حال جستجوی شواهد مربوط به مرکز اسلامی هامبورگ است که مظنون به حمایت از گروه شبه‌نظامی حزب‌الله است. این در حالیست که تا کنون از جمله از سوی ایرانیان مهاجر و تبعیدی تا کنون تلاش‌های بسیاری برای افشای فعالیت‌های این مرکز صورت گرفته است. سرویس‌های اطلاعاتی آلمان بر این باورند که «مسجد امام علی» پایگاهی برای تحریک افراط‌گرایان و عوامل جمهوری اسلامی است.

● در این مأموریت امنیتی بیش از ۵۰ دفتر و ساختمان وابسته به مرکز اسلامی هامبورگ در هفت ایالت هامبورگ، برلین، نیدرزاکسن، بایرن، هسن، بادن وورتمبرگ و نوردراین وستفالن بازرسی شده‌اند.

● به گزارش پایگاه خبری «پولیتیکو»، نانسی فزیر وزیر کشور آلمان درباره این اقدام گفت که «فعالیت‌های اسلامگرایانه به شدت تحت نظر قرار گرفته‌اند و اکنون به ویژه زمان آن است که در حالت آماده‌باش و رویکرد سختگیرانه قرار داشته باشیم. به همین دلیل است که ما هر مورد مشکوکی را بطور جدی دنبال می‌کنیم.»

ده‌ها نفر از نیروهای پلیس آلمان پنجشنبه ۱۶ نوامبر ۲۵ (آبان) برخی دفاتر مرتبط با مرکز اسلامی هامبورگ، وابسته به جمهوری اسلامی را به ظن ارتباط با «گروه تروریستی حزب‌الله لبنان» و اقدام علیه قانون اساسی آلمان بازرسی کردند.

گزارش شده که در این مأموریت امنیتی بیش از ۵۰ دفتر و ساختمان وابسته به مرکز اسلامی هامبورگ در هفت ایالت هامبورگ، برلین، نیدرزاکسن، بایرن، هسن، بادن وورتمبرگ و نوردراین وستفالن بازرسی شده‌اند.

به گزارش پایگاه خبری «پولیتیکو»، نانسی فزیر وزیر کشور آلمان درباره این اقدام گفت که «فعالیت‌های اسلامگرایانه به شدت تحت نظر قرار گرفته‌اند و اکنون به ویژه زمان آن است که در حالت آماده‌باش و رویکرد سختگیرانه قرار داشته باشیم. به همین دلیل است که ما هر مورد مشکوکی

شهروندی آمریکاییان مقایسه می‌کرد. ویلیام سولیوان سفیر آمریکا در تهران پا را فراتر گذاشته و در مکاتبات خود، شخصیت خمینی را با گاندی مقایسه کرد! ریچارد فولک فرستاده کارتر برای ملاقات با خمینی در پاریس، او را رهبر یک انقلاب خشونت‌پرهیز قلمداد نمود! از این دست مقایسه‌ها و تمجیدها در روزنامه‌ها و خاطرات نوشته شده از آن زمان به فراوانی یافت می‌شود و مقالات بی‌شماری می‌توان درباره آنها نوشت.

واقعیت امر اما این است که خمینی جنایتکار و حامیانش به نوعی با عقل دنیا و مخاطبان خود بازی کردند! او بنیانگذار رژیم شد که سرتاسر جهان از اروپا و آسیا گرفته تا آفریقا و آمریکا را دچار ناامنی و مردم رنج‌دیده‌ی ایران را بیش از چهار دهه به گروگان و اسارت گرفته است.

با اینهمه از همان زمان، سکوت ویرانگری روشنفکران و سیاستمداران غربی را فرا گرفته که در برابر جنایاتی که در حق زنان، بهائیان، نوکیشان مسیحی، یهودیان، اقوام ایرانی و حتی شهروندان عادی می‌رود، هیچ جز تعارفات دیپلماتیک ابراز نمی‌کنند. آن لب‌هایی که آنهمه داستان در سال‌های ۵۶ و ۵۷ می‌بافت، با سکوت بهم دوخته شده‌اند.

در سال‌های اخیر که جوانان نسل Z در ایران از این همه جنایت به ستوه آمده و پس از چندین خیزش که با خونریزی رژیم روبرو شد، جنبش ملی «زن زندگی آزادی» را رقم زدند، و وجدان جمعی چنین روشنفکران و سیاستمدارانی را به پرسش می‌کشند، ولی باز هم از تظاهرات عظیم در پایتخت‌های اروپا و آمریکا، برای آزادی و دموکراسی در ایران خبری نیست.

پرسش اینجاست که سرانجام چه زمانی دولت‌های دموکراتیک غربی چشم‌های خود را باز می‌کنند تا واقعیات و حقایق را ببینند و نه اینکه از زبان لابیگران و فرستاده‌های پیدا و پنهان جمهوری اسلامی چیزهایی را بشنوند! همانطور که تمامی دنیا در ۱۹۷۹ چشم خود را به روی واقعیت خمینی و ایدئولوژی ویرانگرش بسته بود، امروز هم چشم‌های خود را به روی حماس و اسلام سیاسی بسته است.

تقریباً تمامی مفسرهای سیاسی از گوشه و کنار دنیا بر نقش رژیم جنایتکار اسلامی در حملات تروریستی ۷ اکتبر و شعله‌ور شدن جنگ در خاورمیانه تأکید دارند، ولی این نقش از طرف دولت‌مندان اروپا و آمریکا با تأیید نمی‌شود و یا تأیید خود را چنان مبهم بیان می‌کنند که کسی از آن چیزی درنبايد. گویی از اژدهایی که خود پرورش داده‌اند در هراسند.

قدر مسلم این است که در میان مردم زخم‌خورده ایران کم نیستند کسانی که از حضور و پیشروی اسلامگرایان در قلب اروپا لبخند با معنایی نزنند و در دل خواستار تنبیه جوامع غربی نشوند تا شاید آنها نیز درکی واقعی از چهار دهه رنج و مشقتی که بر آنها تحمیل شده، به دست آورند. در این میان، کسانی که دائم دم از تشکیل «دولت فلسطین» می‌زنند، ولی هیچ اشاره‌ای به ضرورت دموکرات بودن آن نمی‌کنند، گویا متوجه نیستند که اگر این گروه‌های تروریستی اسلامگرا قادر به جنایت‌هایی در شرایط بدون «دولت» و «کشور» هستند، وای به روزی که از تشکیلات یک کشور مستقل مثل ارتش و نیروی‌های نظامی متعارف برخوردار شوند! عین گروه اسلامگرایی که سال ۱۳۵۷ در ایران به قدرت دولتی و حاکمیت یک کشور دست یافت و جمهوری اسلامی را با همه پیامدهای خونبار و ویرانگرش بنیان گذاشت!

\*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

## ادعای رویترز به نقل از «منابع مطلع»:

## علی خامنه‌ای به رهبر حماس گفته در این جنگ دخالت نمی‌کنیم!



از دیدارهای اسماعیل هنیه رهبر حماس با علی خامنه‌ای در تهران

اسرائیل، شرکای محور را در مواجهه با دشمنی با قدرت آتش بسیار برتر [اسرائیل] با انتخاب‌های سختی روبرو کرده است. وقتی با چنین حمله‌ای خرس را بیدار می‌کنید، برای متحدان شما بسیار دشوار است که بخواهند در موقعیتی مشابه شما قرار بگیرند.

## درخواست حماس برای کمک از «محور مقاومت»

رویترز در ادامه این گزارش نوشته «حماس برای بقای خود علیه اسرائیل می‌جنگد، اسرائیلی که قول داده حماس را نابود کند و انتقام بگیرد و در حمله تلافی‌جویانه به منطقه‌ای کوچک بیش از ۱۱ هزار فلسطینی را کشته است.» محمد دئیف یکی از فرماندهان حماس هفتم اکتبر در پیامی صوتی فراخوان داده بود «برادران ما در مقاومت اسلامی در لبنان، ایران، یمن، عراق و سوریه! امروز روزی است که مقاومت شما با مردم خود در فلسطین متحد می‌شود.»

در اظهارات عمومی البته رهبران حماس از جمله خالد مشعل از حزب‌الله برای اقداماتش تشکر کرده‌اند. اما مشعل در یک مصاحبه تلویزیونی گفت که «نبرد به چیزهای بیشتری نیاز دارد!» این حرف بیشتر نشانه‌ی ناامیدی است. رویترز به نقل از «شش مقام آگاه که مستقیماً از دیدگاه‌های تهران آگاه هستند» ولی به دلیل حساسیت موضوع حاضر به افشای نام خود نشدند، ادعا کرده که «جمهوری اسلامی به عنوان رهبر این اتحاد مستقیماً در این درگیری مداخله نخواهد کرد مگر اینکه خودش توسط اسرائیل یا ایالات متحده مورد حمله قرار بگیرد.»

با اینهمه ملایان حاکم بر ایران قصد دارند به استفاده از شبکه متحدان مسلح خود از جمله حزب‌الله برای حمله موشکی و پهپادی علیه اهداف اسرائیلی و آمریکایی در سراسر خاورمیانه ادامه دهند.

آنها افزودند که این استراتژی اقدامی برای نشان دادن همبستگی با حماس در غزه و ضربه به نیروهای

هدف قرار داده‌اند. حوثی‌های یمن نیز چندین موشک و پهپاد به سمت اسرائیل پرتاب کردند. برخی تحلیلگران معتقدند شبه‌نظامیان با این درگیری در



حال آزمایش محدودیت‌های ائتلاف منطقه‌ای خود هستند. اعضای این ائتلاف شامل دولت سوریه، حزب‌الله لبنان، حماس فلسطین و سایر گروه‌های شبه‌نظامی از عراق تا یمن می‌شود که خودشان اولویت‌ها و چالش‌های داخلی متفاوتی دارند. مهتد حاج علی کارشناس اندیشکده مرکز خاورمیانه کارنگی در بیروت می‌گوید «حمله هفت اکتبر حماس به

● خبرگزاری رویترز به نقل از «سه مقام ارشد» گزارش داد رهبر جمهوری اسلامی در دیدارش با اسماعیل هنیه رهبر حماس در تهران گفته «شما هیچ هشدار در مورد حمله هفتم اکتبر خود به اسرائیل به ما ندادید و ما از طرف شما وارد جنگ نخواهیم شد.»

● البته حسن نصرالله رهبر حزب‌الله نیز سوم نوامبر در یک سخنرانی مدعی شد که حماس حمله خود به اسرائیل را از متحدانش مخفی نگه داشته و «همین موفقیت آن را تضمین کرده!»

● یک مقام حماس به رویترز گفته که علی خامنه‌ای هنیه را تحت فشار قرار داده تا صداهایی را که در این گروه فلسطینی علنی از رژیم ایران و متحد قدرتمند لبنانی آن حزب‌الله می‌خواهند با تمام قدرت به نبرد علیه اسرائیل ببینند، ساکت کند.

● یکی از منابع گفته است که حماس تمایل دارد حزب‌الله با زرادخانه عظیم موشکی خود به عمق اسرائیل حمله کند. اما حزب‌الله معتقد است که این امر باعث می‌شود که اسرائیل بدون آنکه حمله به غزه را متوقف سازد، همزمان لبنان را ویران کند.

در شرایطی که برخی مقامات جمهوری اسلامی و فرماندهان حماس به نقش جمهوری اسلامی در حمله تروریستی هفتم اکتبر علیه اسرائیل اشاره می‌کنند، خبرگزاری رویترز چهارشنبه ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان) به نقل از «سه مقام ارشد» گزارش داد که علی خامنه‌ای در دیدارش با اسماعیل هنیه رهبر حماس در تهران گفته «شما هیچ هشدار در مورد حمله هفتم اکتبر خود به اسرائیل به ما ندادید و ما از طرف شما وارد جنگ نخواهیم شد.»

در این گزارش آمده مقامات جمهوری اسلامی و حماس که از گفتگوهای خامنه‌ای و هنیه آگاه هستند، ادعا می‌کنند که علی خامنه‌ای به اسماعیل هنیه گفت که «ایران به حمایت سیاسی و معنوی خود از این گروه ادامه خواهد داد، اما مستقیماً مداخله نخواهد کرد.»

یک مقام حماس به رویترز گفته که علی خامنه‌ای هنیه را تحت فشار قرار داده تا صداهایی را که در این گروه فلسطینی علنی از رژیم ایران و متحد قدرتمند لبنانی آن حزب‌الله می‌خواهند با تمام قدرت به نبرد علیه اسرائیل ببینند، ساکت کند.

رویترز همچنین می‌نویسد، حزب‌الله نیز از حمله ویرانگر ماه گذشته حماس که به کشته شدن ۱۲۰۰ اسرائیلی انجامید غافلگیر شد. سه منبع نزدیک به این گروه گفته‌اند که نیروهای حزب‌الله حتا در روستاهای نزدیک مرز که خط مقدم جنگ با اسرائیل در سال ۲۰۰۶ بودند، در حالت آماده‌باش نبودند. یکی از فرماندهان حزب‌الله مدعی شده: «ما با جنگ از خواب بیدار شدیم!»

با اینهمه رویترز در گزارش خود می‌افزاید این برای نخستین بار در چهار دهه گذشته است که «محور مقاومت» که یک اتحاد نظامی است که توسط رژیم ایران ساخته شده، همزمان در چندین جبهه بسیج می‌شود.

حزب‌الله تقریباً ۲۰ سال است که درگیر شدیدترین درگیری‌ها با اسرائیل بوده است. شبه‌نظامیان تحت حمایت جمهوری اسلامی نیروهای آمریکایی را در عراق و سوریه



→ اسرائیلی بدون درگیر شدن مستقیم با اسرائیل است که احتمال دارد پای آمریکا را هم به میان بکشد.

دنيس راس ديپلمات ارشد سابق آمريكايي متخصص در خاورميانه كه اکنون در انديشكده «انستيتوی واشنگتن برای سياست خاور نزدیک» کار می‌کند، گفت: «این روش آنها برای ایجاد بازدارندگی است. روشی برای اعلام اینکه تا زمانی که به ما حمله نکنید، این راه باقی می‌ماند اما اگر به ما حمله کنید، همه چیز تغییر می‌کند.»

جمهوری اسلامی بارها ادعا کرده که همه اعضای محور مقاومت مستقل تصمیم می‌گیرند. رويترز می‌افزاید که وزارت خارجه جمهوری اسلامی به درخواست این خبرگزاری جهت اظهار نظر درباره این بحران و نقش «محور مقاومت» پاسخی نداد. حماس به پرسش‌هایی که به مشاور رسانه‌ای اسماعیل هنیه ارسال شد پاسخ نداد و حزب‌الله نیز به درخواست این خبرگزاری برای اعلام موضع واکنش نشان نداد. یکی از منابع گفته است که حماس تمایل دارد حزب‌الله با زرادخانه عظیم موشکی خود به عمق اسرائیل حمله کند. اما حزب‌الله معتقد است که این امر باعث می‌شود که اسرائیل بدون آنکه حمله به غزه را متوقف سازد، همزمان لبنان را ویران کند. البته حسن نصرالله رهبر حزب‌الله نیز سوم نوامبر در یک سخنرانی مدعی شد که حماس حمله خود به اسرائیل را از متحدانش مخفی نگه داشته و «همین موفقیت آن را تضمین کرده!» به گفته نصرالله، متحدان حماس از این پنهانکاری دلخور نشده‌اند!

رویتز در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد «ایالات متحده نیز علاقه دارد تا از وقوع جنگی فراتر از غزه جلوگیری کند. آمریکا پس از دو جنگ پرهزینه و شوم در عراق و افغانستان در دو دهه گذشته، اکنون خود را در حال حمایت مالی از دفاع اوکراین در برابر تهاجم روسیه می‌بیند.» جو بایدن تا کنون به دنبال محدود کردن نقش ایالات متحده در بحران غزه عمدتاً در حد تضمین کمک نظامی به اسرائیل بوده است. او همچنین دو ناو هواپیمابر و چند جنگنده را به شرق مدیترانه منتقل کرد که به عنوان هشدار برای تهران نیز به شمار می‌رود.

تنش‌ها رو به افزایش است. طبق گزارش پنتاگون، از زمان آغاز جنگ غزه در پاسخ به حمایت آمریکا از اسرائیل، دست کم ۴۰ حمله پهبادی و موشکی توسط شبه‌نظامیان «محور مقاومت» در عراق و سوریه به نیروهای آمریکایی انجام شده است. مقامات آمریکایی می‌گویند که آمریکا سه حمله تلافی‌جویانه به تأسیسات در سوریه علیه شبه‌نظامیان مرتبط با ایران انجام داده است.

دو منبع امنیتی اسرائیلی به رويترز گفته‌اند که اسرائیل به دنبال گسترش خصومت نیست، اما تأکید کردند که این کشور آماده است در صورت نیاز برای محافظت از خود، در جبهه‌های جدید بجنگد. آنها گفتند که مقامات امنیتی قوی‌ترین تهدید فوری علیه اسرائیل را حزب‌الله می‌دانند.

رویتز در بخشی دیگری می‌نویسد جمهوری اسلامی موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، در حالی که اسرائیل مدت‌هاست ایران را تهدید کرده که اگر دیپلماسی نتواند فعالیت هسته‌ای تهران را مهار کند، دست به اقدام نظامی خواهد زد. به گفته کریم سجادیپور کارشناس مسائل ایران در اندیشکده کارنگی بنیاد صلح بین‌المللی، در بحران کنونی، ممکن است نگاه واقع‌بینانه بر سیاست‌های تهران غالب شود. وی تأکید کرده «ایران تعهد چهار دهه‌ای خود را در مبارزه علیه آمریکا و اسرائیل بدون وارد شدن به درگیری مستقیم نشان داده است. ایدئولوژی انقلابی رژیم مبتنی بر مخالفت با آمریکا و اسرائیل است، اما رهبران آن قصد خودکشی ندارند، بلکه می‌خواهند در قدرت بمانند.»

## رویتز به نقل از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:

# جمهوری اسلامی ایران برای ساخت سه مپ اتم اورانیوم ممنوعه دارد



جمهوری اسلامی تاکنون «پنج گام» در نقض تعهدات برجامی خود برداشت و میزان تولید و غنا و ذخایر اورانیوم خود را افزایش داد

حدود سه کیلوگرم در ماه کاهش یافته است. در همان مقطع رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سخنانی در مؤسسه امور بین‌الملل سوئد گفته بود هیچکدام از طرفین برجام مرگ آن را اعلام نمی‌کند، اما در وضعیت فعلی این توافق «بوج» شده است. وی در آن نشست هشدار داد «جمهوری اسلامی دارای سلاح هسته‌ای نیست اما به اندازه کافی اورانیوم برای چند مپ ذخیره کرده است.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی که هشتم نوامبر (۱۷ آبان‌ماه) در مجمع عمومی سازمان ملل قرائت شد بار دیگر تأکید کرد که به علت عدم همکاری جمهوری اسلامی با بازرسان آژانس امکان راست‌آزمایی از صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی ممکن نیست. پیش از این هدا سامسون یکی از سفرای نمایندگی اتحادیه اروپا در سخنانی در نشست عمومی سازمان ملل درباره گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داد، «خطر بحران گسترش سلاح‌های هسته‌ای در منطقه در نتیجه تداوم مسیر هسته‌ای ایران بیشتر شده است.»

بر اساس آخرین گزارش‌ها جمهوری اسلامی شماری از بازرسان آژانس را به اتهام جاسوسی اخراج کرده است. این بازرسان تابعیت فرانسوی و بریتانیایی داشتند. گروسی گفته بود «نباید در رابطه با اتمی شدن ایران مثل کره شمالی شکست بخوریم.»

عدم همکاری رژیم ایران با آژانس در شرایطی است که مخالفان جمهوری اسلامی از یکسو و جمهوریخواهان آمریکا از سوی دیگر به دولت بایدن هشدار می‌دهند هرگونه مداخلات با جمهوری اسلامی به ویژه پرداخت‌های چند میلیارد دلاری به رژیم و نادیده گرفتن تحریم‌ها به تأمین مالی پروژه‌های اتمی و گسترش تروریسم کمک می‌کند.

● خبرگزاری رويترز گزارش داد «ذخایر اورانیوم غنی شده ایران با غنای ۶۰ درصد از ۷/۶ کیلوگرم در ماه سپتامبر (شهریور) به ۳/۱۲۸ کیلوگرم افزایش یافت.»

● برای ساخت هر مپ اتم تقریباً ۴۲ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده نیاز است که بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی ایران سه برابر این مقدار را در اختیار دارد.

● در گزارش محرمانه آژانس تأکید شده جمهوری اسلامی همچنان در مورد مسائل کلیدی در روند بازرسی‌های این نهاد بین‌المللی سنگ‌اندازی می‌کند.

طبق گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی برای ساخت سه مپ اتمی اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی نزدیک به درجه تسلیحاتی در اختیار دارد.

خبرگزاری رويترز روز چهارشنبه ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان) گزارش داد «ذخایر اورانیوم غنی شده ایران با غلظت ۶۰ درصد از ۷/۶ کیلوگرم در ماه سپتامبر (شهریور) به ۳/۱۲۸ کیلوگرم افزایش یافته است.»

برای ساخت هر مپ اتم تقریباً ۴۲ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده نیاز است که بر اساس گزارش آژانس، رژیم ایران سه برابر این مقدار را در اختیار دارد.

به گفته‌ی کارشناسان، رساندن اورانیوم غنی شده با غلظت ۶۰ درصد به ۹۰ درصد که در ساخت سلاح هسته‌ای کاربرد دارد از نظر فنی دشوار نیست.

در گزارش آژانس تأکید شده جمهوری اسلامی همچنان در مورد مسائل کلیدی در روند بازرسی‌های این نهاد بین‌المللی سنگ‌اندازی می‌کند.

یک دیپلمات ارشد در شهریورماه گفته بود که میزان تولید اورانیوم ممنوعه در ایران از حدود ۹ کیلوگرم در ماه به

# تداوم رکود تورمی در بازار مسکن؛ وام‌های بی‌خاصیت و طرح‌های روی هوا!



طرح «نهیضت ملی مسکن» ثبت‌نام کرده بودند، پیامک اخطاریه و هشدار حذف از این طرح ارسال شده است. در این گزارش آمده که قرار بود «آورده متقاضی» روی هم رفته ۳۵۰ میلیون تومان باشد؛ یعنی ۲۰۰ میلیون تومان آورده اولیه، که باید در اقساط ۴۰ میلیون تومانی پرداخت می‌شد و ۱۵۰ میلیون تومان هم وام مسکن که بازپرداخت اقساط آن، بعد از تحویل کلید آغاز می‌شد. این گزارش تأکید کرده که نه تنها خانه‌ها دوساله ساخته نشد، که چون مبلغ آورده اولیه در طول ساخت چندین مرتبه تغییر کرد، متقاضیان با مشکلات بسیاری روبه‌رو شدند.

خریگرانی «ایلنا» نوشته است که مبلغ درخواستی به بهانه افزایش نرخ تورم مسکن و گران شدن مصالح ساختمانی، به قدری بالا رفت که دیگر توان پرداخت آن از عهده بسیاری از متقاضیان خارج شد.

از سوی دیگر دولت در اقدامی تبلیغاتی، مبلغ وام مسکن را افزایش داد اما به همان نسبت هزینه دریافت وام و اقساط آن نیز نجومی شد و در نتیجه خانوارهای حقوق بگیر که دولت ادعا داشت هدف اصلی این اقدام هستند، توان پرداخت اقساط آن را ندارند.

دولت به تازگی دستور پرداخت وام ۲ میلیارد تومانی خرید مسکن را به شعب بانک مسکن ابلاغ کرد. افزایش رقم وام مسکن در حالی با تبلیغات گسترده دولت و رسانه‌های حکومتی همراه شده که این وام نیز با اقساط ۳۷ میلیون تومانی و سود ۸/۷ میلیارد تومانی، ناکارآمد و بی‌خاصیت ارزیابی می‌شود.

محاسبه اقساط و سود وام جدید مسکن نشان می‌دهد متقاضیان واجد شرایط (خانوارهای دارای ۴ فرزند زیر ۲۰ سال) نشان می‌دهد کل سود وام مذکور در ماه ۱۲ سال ۲۲ بیش از ۷ میلیارد تومان است. به عبارت دیگر متقاضی در پایان دوره بازپرداخت اقساط با احتساب هزینه مربوط به خرید اوراق حق تقدم که در زمان حاضر حدود ۴۰۰ ←

خانوار شهری در کل کشور به ۳۸ درصد و در استان تهران به ۵۱ درصد رسیده و به احتمال زیاد سهم مسکن در سبد هزینه‌های خانوارهای پایتخت باید به ۶۰ درصد هم رسیده باشد. اگر سهم مسکن از هزینه‌های سبد خانوار به بالاتر از ۳۰ درصد برسد، خانوار دچار فقر مسکن شده؛ یعنی خانوار برای تأمین اجاره مسکن باید قید خیلی از هزینه‌های بهداشتی، فرهنگی، تفریحی و هزینه‌های بهداشت و سلامت را بزند.

همانطور که در این گزارش اشاره شده، رکود تورمی در بازار مسکن به معنای افزایش سهم مسکن در سبد مصرفی خانوارها است؛ آنهم در شرایطی که بر اساس آمارها ۴۰ درصد جمعیت شهرنشین کشور و بیش از نیمی از جمعیت پایتخت مستأجر هستند.

آمارها از ۱۰ برابر شدن قیمت مسکن طی پنج سال گذشته خبر می‌دهد و میانگین قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در پایتخت به ۸۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسیده است.

دولت برای کاهش جمعیت مستأجران و حل بحران «هزینه اجاره‌بها» برای خانوارهای حقوق‌بگیر، طرح‌هایی از جمله ساخت مسکن ارزان و پرداخت وام مسکن را در دستور کار داشته که هر دو این طرح‌ها بی‌خاصیت بوده و به حل مشکل کمکی نخواهند کرد.

طرح ساخت انبوه واحدهای ارزان که در طرح «نهیضت ملی مسکن» دنبال می‌شد نتوانسته بر اساس برنامه پیش برود و دولت از ساخت این واحدها عقب است. همچنین هزینه ساخت این واحدها که پیشتر اعلام شده بود بابت هر متر مربع ۴ میلیون تومان خواهد بود تا کنون به ۱۵ میلیون تومان افزایش یافته که این افزایش نشان می‌دهد قیمت هر واحد آپارتمان در این طرح هم حدود چهار برابر افزایش یافته است.

خریگرانی «ایلنا» در گزارشی به این موضوع پرداخته و نوشته که برای کارگرانی که پیشتر برای دریافت واحدهای

سهم مسکن از کل هزینه‌های خانوار شهری در کل کشور به ۳۸ درصد و در استان تهران به ۵۱ درصد رسیده و به احتمال زیاد سهم مسکن در سبد هزینه‌های خانوارهای پایتخت باید به ۶۰ درصد هم رسیده باشد.

دولت در اقدامی تبلیغاتی، مبلغ وام مسکن را افزایش داد اما به همان نسبت هزینه دریافت وام و اقساط آن نیز نجومی شد و خانوارهای مستأجر که هدف اصلی این وام هستند، توان پرداخت اقساط آن را ندارند.

ارزش درآمدهای مردم نیز روز به روز کاهش یافته در حالی که قیمت مسکن به سرعت در حال افزایش است. در چنین شرایطی خانه‌دار شدن برای مستأجران در ایران به رویایی دست‌نیافتنی تبدیل شده است.

در حالی که قیمت‌ها در بازار مسکن همچنان افزایش می‌یابد، آمارها نشان می‌دهد که ساخت و ساز نیز به دلیل سوء مدیریت دولت کاهش داشته و در نتیجه بازار بیش از پیش با رکود تورمی روبه‌روست.

روزنامه فرهیختگان در شماره امروز چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲ در گزارشی به وضعیت بازار مسکن پرداخته و نوشته که «سهم تهران از کل ساخت و سازها از ۳۸ درصد در سال ۹۲ به ۱۷ درصد رسید».

این گزارش با اشاره به اینکه «موانع سخت مجوزهای ساخت و ترجیح احتکار زمین بجای خانه‌سازی، نفس مسکن پایتخت را گرفته» نوشته که «آمارها حکایت از آن دارد طی سال‌های اخیر ساخت و ساز و عرضه مسکن در تهران بطور قابل‌توجهی روند کاهشی داشته است.»

گزارش «فرهیختگان» تأکید کرده که بر اساس محاسبات تعداد واحدهای مسکونی درج‌شده در پروانه‌های ساختمانی احداث از حدود ۳۲ تا ۳۸ درصد بین سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ۲۷ درصد تا سال ۹۷ رسیده و این مقدار طی سه سال اخیر به ۱۷ درصد کاهش یافته است. این گزارش افزوده که «سهم مسکن از کل هزینه‌های

➔ میلیون تومان است حدود ۵/۹ میلیارد تومان بابت

وام جدید خرید مسکن پرداخت می‌کند!

در آنسو نیز بانکها به دلیل در دست نبودن منابع مالی کافی از پرداخت وام‌های مسکن خودداری کرده و با بهانه‌تراشی و معطل کردن متقاضی زمان می‌خورند. روزنامه «اطلاعات» در شماره امروز چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲ درباره عدم پرداخت وام بانکی به ویژه برای طرح نهضت ملی مسکن نوشت که «وزیر اقتصاد خبر داد که بانک‌های متخلف در موضوع لزوم اعطای تسهیلات به طرح مسکن ملی بیش از ۲۶ هزار میلیارد تومان جریمه شدند که با قطعی شدن برخی جرایم بانکی در مرحله تجدیدنظر، این رقم بیشتر هم خواهد شد.»

در این گزارش آمده که «وقتی به فهرست بانک‌های متخلف نگاه می‌کنیم در می‌یابیم که تقریباً هیچ بانکی نیست که مشمول جریمه نشده باشد، دولتی و خصوصی هم ندارد. حال این سؤال مطرح می‌شود که مگر شبکه بانکی زیر نظر مستقیم بانک مرکزی و بانک مرکزی زیر نظر وزارت اقتصاد نیست؛ پس چرا و به چه دلیل به امر و تکلیف مقام بالادستی خود اعتنا نکرده‌اند؟ چرا وقتی همه به نوعی زیرمجموعه وزارت محسوب می‌شوند کار باید به جایی برسد که مقام بالادستی ناگزیر به شکایت و دادگاه و جریمه شود؟ اگر آنها در طول ماه‌های گذشته تخلف و نافرمانی داشته‌اند چرا همچنان به کارشان ادامه داده‌اند و چه قدرتی دارند که می‌توانند از دستور و تکلیف سر باز زنند؟» این گزارش در پرسش‌های دیگری نوشته که «آیا با این جریمه مشکل حل می‌شود و تولید مسکن رونق می‌گیرد و همه سر به راه می‌شوند و یا برداشت این مبلغ جریمه از حساب‌های آنان نزد بانک مرکزی یا اجبار قانونی به پرداخت آن از محل سرمایه آنان است یا با چاپ بیشتر پول و یا افزایش بدهی آنان به بانک مرکزی و ... صورت می‌گیرد؟ آیا تحمیل چنین تکلیفی بر آنان از ابتدا کارشناسی شده و براساس منطق اقتصادی بوده یا تکلیف ما لایطاق محسوب شده و گریزی از آن نبوده است؟ آیا نمی‌توان چنین پرسیدی که این بانک‌ها که همه زیرنظر دولت هستند اگر می‌توانستند که به وعده و تکلیف عمل می‌کردند و اگر نکردند مگر با جریمه چیزی حل می‌شود؟»

به گزارش «اطلاعات» با گذشت بیش از دو سال از روی کارآمدن دولت جدید حال حتماً ارکان دولت باید پذیرفته باشند که وعده ساخت یک میلیون مسکن چه در تبلیغات انتخاباتی و چه در آغازین روزهای کار دولت از اساس اشتباه و غیرممکن بود.

این گزارش تأکید کرده که «حتی اگر به فرض محال و با صرف صدها هزار همت از بودجه دولت ساخته هم می‌شد قادر به حل مشکل مسکن نبود و این سرمایه‌گذاری کلان تنها به چاقتر شدن بدنه بخش دولتی و واسطه‌گری مسکن و توزیع گسترده رانت می‌انجامید.»

همچنین آمده که «حتی اگر دولت سالی یک میلیون مسکن می‌ساخت یا بسازد هم ارزش افزوده این بخش در سایه مناسبات رانتی و دلال پرورانه‌ای که در دو دهه اخیر مهمترین نیاز جامعه را به گروگان گرفته، به اندازه‌ای است که تأثیر عمده و محسوسی بر رفع نیاز جامعه نگذارد و تنها بر میزان افراد و گروه‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی دارای چند یا چندین و چند صد واحد مسکونی بیافزاید.»

اینهمه در حالیست که ارزش درآمدهای مردم نیز روز به روز کاهش یافته در حالی که قیمت مسکن به سرعت در حال افزایش است. در چنین شرایطی خانه‌دار شدن برای مستأجران در ایران به رویایی دست‌نیافتنی تبدیل شده است.

## دیدار نماینده سازمان ملل با امیرعبداللهیان در مورد غزه؛ سفیر اسرائیل در سازمان ملل: رژیم ایران بخشی از مشکل است، نه راه حل!



دیدار حسین امیرعبداللهیان با مارتین گریفیتس معاون دبیرکل سازمان ملل در امور بشردوستانه در ژنو

● مارتین گریفیتس معاون دبیرکل سازمان ملل در امور بشردوستانه و رئیس بخش امدادسانی این سازمان در ژنو با حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی دیدار کرد.

مارتین گریفیتس معاون دبیرکل سازمان ملل در امور بشردوستانه و رئیس بخش امدادسانی این سازمان، روز چهارشنبه ۲۴ آبان‌ماه، در ژنو با حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی دیدار کرد. این دیدار با واکنش مقامات اسرائیل روبرو شد.

امیرعبداللهیان با اشاره به دیدارهای خود با مقامات حماس و دولت قطر در دوحه، گفت که «حماس برای اقدام درباره اسرای غیرنظامی آمادگی دارد و چنانچه اسرائیل دست از نسل‌کشی در غزه بردارد، گروه‌های مقاومت نیز دست از حمله متقابل برخواهند داشت.»

به گزارش وبسایت وزارت خارجه جمهوری اسلامی، امیرعبداللهیان گفت «برخلاف ادعای طرف آمریکایی، میزان ارسال کمک‌های انسانی به غزه بسیار ناچیز و در حد صفر است و لازم است سازمان ملل در این زمینه بطور فوری و جدی اقدام نماید.»

شبکه «فاکس نیوز» با اشاره به صحبت‌های گریفیتس با امیرعبداللهیان در یک مصاحبه از میراف ایلون شاهر سفیر و نماینده دائم اسرائیل در مقر سازمان ملل در ژنو می‌پرسد «به نظر شما [رژیم] ایران چه نقشی در این زمینه ایفا می‌کند؟» وی پاسخ می‌دهد: «شما چه نقشی برای حامیان اصلی یک سازمان تروریستی که افرادش بیش از ۱۲۰۰ اسرائیلی را به قتل رساندند، تجاوز کردند و شکنجه کردند، می‌بینید؟!»

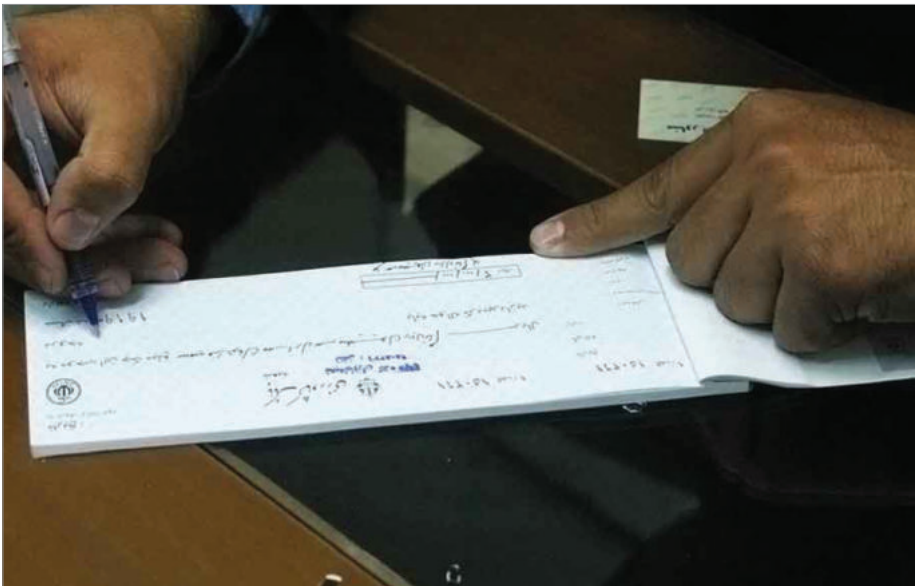
وی در ادامه گفته «آیا او [وزیر خارجه جمهوری اسلامی] درباره تسلیحاتی که [رژیم] ایران در پوشش محموله‌های بشردوستانه به حماس رساند تا در عملیات هفت اکتبر برای کشتن اسرائیلی‌ها استفاده شود پرسیده‌اند؟ آیا او در مورد پولی که به حماس می‌دهد تا هزینه هتل‌های پنج ستاره رهبرانش در قطر را پرداخت کند، پرسیده‌اند؟ همانهایی که حماس را تشویق به کشتن اسرائیلی‌ها می‌کردند! [رژیم] ایران بخشی از مشکل است، نه راه حل. زمان آن فرا رسیده که سازمان ملل این حقیقت ساده را درک کند.»

همزمان گریفیتس در ایکس تصویری منتشر کرده که نشان می‌دهد وی با لبخند و به گرمی بازوی امیرعبداللهیان را می‌فشارد. او در متنی کوتاه تأکید کرده که ارسال و توزیع کمک‌های بشردوستانه به غزه، از جمله سوخت، دارو و

تدارکات برای اداره بیمارستان‌ها، حیاتی است. این پُست ساعتی پس از آن منتشر شد که وی گفت از گزارش‌های مربوط به حمله نظامی اسرائیل به بیمارستان «الشفاء» در غزه، که به گفته آمریکا و اسرائیل مقر اصلی تسلیحاتی و دفتر فرماندهی حماس بوده، «متحیر» شده است. این مقام سازمان ملل نوشته بود «حمایت از نوزادان، بیماران، کادر پزشکی و همه غیرنظامیان باید بر همه نگرانی‌های دیگر غلبه کند... بیمارستان‌ها میدان جنگ نیستند.» این در حالیست که عکس‌ها و ویدئوهایی از سوی ارتش اسرائیل منتشر شده که تونل‌های مخفی زیر این بیمارستان را نشان می‌دهد و از سوی کشورهای و همچنین نهادهای بین‌المللی با اعزام نمایندگان و کارشناسان مربوطه قابل راست‌آزمایی است. اعتراض مقامات اسرائیلی بیه همین نکته است که چرا سازمان ملل به استفاده حماس از بیمارستان‌ها به عنوان مخفیگاه و «سپر انسانی» توجه نمی‌کند. نوربرت روتگن نماینده پارلمان آلمان در ایکس خطاب به این مقام سازمان ملل نوشته است «با کمال احترام: این رژیم ملاها که امیرعبداللهیان آن را نمایندگی می‌کند بود که رشد حماس را از نظر مالی، سیاسی و نظامی ممکن ساخت و از این راه در وقوع فاجعه انسانی در غزه مشارکت داشته، او بخشی از مشکل است، نه بخشی از راه حل.»

هلیل نویر مدیر اجرایی «دیده‌بان سازمان ملل» نیز در واکنش به دیدار معاون سازمان ملل در امور بشردوستانه با امیرعبداللهیان تحت عنوان «سورزئال» در ایکس نوشت «گریفیتس افتخار می‌کند که درباره وضعیت ویران غزه با رژیم قاتل صحبت کرده که با خشنودی مردم خود را می‌کشد و حماس را برای کشتن و شکنجه غیرنظامیان اسرائیلی و قربانی کردن غیرنظامیان غزه به عنوان سپر انسانی و ویران کردن آنجا آموزش می‌دهد.»

جمهوری اسلامی قصد دارد از جنگ غزه به عنوان فرصتی برای خروج از انزوای بهره‌بردار کند و دیدار حسین امیرعبداللهیان با مقام‌های خارجی و نمایندگان سازمان ملل با همین هدف انجام شده است. محور اصلی آنچه امیرعبداللهیان به آنها می‌گوید تأکید مستقیم و غیرمستقیم بر آزادی گروگان‌هایی است که حماس آنها را به اسارت برده است. رژیم ایران با آگاهی از حساسیت و اهمیت دولت‌های غربی و به ویژه خود اسرائیل در مورد جان شهروندانی که در چنگ حماس اسیرند، تلاش می‌کند تا به عنوان واسطه به بازی گرفته شود تا در ازای آزادی این شهروندان امتیازاتی دریافت کند.



## آمار چک‌های برگشتی، بیانگر عملکرد نامطلوب تیم اقتصادی دولت

نوشته که «پاییز سال ۹۷ بود که مجلس شورای اسلامی قانون اصلاح قانون صدور چک را به تصویب رساند؛ قانونی که با ثبت اجباری نقل و انتقال چک‌های جدید در سامانه «صیاد»، از ابتدای سال ۱۴۰۰ بطور کامل اجرایی شد.»

این گزارش افزوده که بررسی آمار چک‌های برگشتی حاکی از آن است که همزمان با اجباری شدن ثبت چک‌ها در سامانه «صیاد» و امکان استعلام سوابق صادرکننده چک، در ابتدای کار تعداد چک‌های برگشتی کاهش محسوسی پیدا کرد؛ اما این روند در آمارهای ماه‌های اخیر در حال بازگشت به پیش از آغاز قانون «چک صیادی» است.

همانطور که روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز تأکید کرده آمارهای چک‌های برگشتی نشان از شرایط نامساعد کسب‌وکارها دارد. تشدید رکود تورمی سبب کاهش تولید و فعالیت اقتصادی شده و این موضوع می‌تواند یکی از دلایل کاهش تعداد چک‌ها باشد. ضمن اینکه آمار بالای چک برگشتی نیز نشان از عدم توانایی صادرکنندگان چک در تأمین مبلغ چک دارد که یکی از آثار وضعیت متلاطم اقتصادی و کمبود منابع است. مدتهاست فعالان اقتصادی هشدار می‌دهند که در پی سیاست‌های دولت، تأمین سرمایه در گردش برای واحدهای تولیدی سخت‌تر شده و بانک‌ها نیز به سختی تأمین مالی می‌کنند.

کارشناسان معتقدند آثار رکود اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصاد از قبیل رشد تولید ناخالص داخلی، اشتغال، درآمدهای واقعی، تولید صنعتی و قیمت‌های عمده و خرده فروشی نمایان می‌شود. در شرایط رکود در اقتصاد، توان معامله‌گران برای تأمین منابع را کاسته می‌شود.

برخی گزارش‌ها سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی را عامل افزایش چک‌های برگشتی ارزیابی می‌کنند؛ سیاستی که باعث کاهش حجم پول در دسترس بانک‌ها برای وام‌دهی شده و با کاهش پرداخت تسهیلات بانکی، بنگاه‌های اقتصادی را نیز با کمبود منابع نقد مواجه کرده است. به این ترتیب این بنگاه‌ها قادر به ایفای تعهدات خود نبوده‌اند.

افزایش نرخ بهره، کاهش حجم نقدینگی و افزایش سخت‌گیری‌های بانکی از جمله اقدامات انقباضی بانک مرکزی است که تنها یکی از آثار مخرب آن در ساختار اقتصادی کشور، افزایش شمار چک‌های برگشتی بوده است.

می‌کنند در مجموع حدود ۷ میلیون و ۴۴۵ هزار فقره چک در شهریور ماه معامله شده که از این مقدار، ۹۱/۴ درصد وصول شده‌اند.

آمار تفکیکی استان‌ها نیز نشان می‌دهد که در این ماه، بیش از ۴۸ درصد چک‌ها به ترتیب در سه استان تهران، اصفهان و خراسان رضوی ردوبدل شده‌اند که سهم تهران از چک‌های مبادله‌ای حدود ۲/۳ میلیون فقره به ارزشی بیش از ۲۲۸/۸ هزار میلیارد تومان بوده است.

از سویی دیگر نیز کمترین چک‌های برگشتی نیز در سه استان گیلان با ۶/۵ درصد، قم با ۷/۵ درصد و خوزستان، کرمانشاه و گلستان، هر یک با ۷/۷ درصد صادر شده است. در این میان، در استان تهران نیز حدود ۱۸۸ هزار فقره چک به ارزش ۲۷/۱ هزار میلیارد تومان برگشت خورده است که این ارقام از نظر تعداد ۸/۳ درصد و از نظر مبلغ ۱۱/۸ کل چک‌های برگشت خورده هستند.

برآوردهای بانک مرکزی نشان می‌دهد ۶۴۱ هزار فقره چک از بالغ بر هفت میلیون چک مبادله‌شده و ۶۱ هزار میلیارد تومان از مبلغ حدودا ۴۷۲ هزار میلیارد چک‌های مبادله‌شده برگشت خورده‌اند که رقمی قابل توجه است. روزنامه «دنیای اقتصاد» روز پنجشنبه ۱۸ آبان در گزارشی با عنوان «چک برگشتی در منطقه هشدار»، به این موضوع پرداخت و نوشت که وضعیت چک‌های برگشتی در پنج ماه ابتدایی سال حامل «خبرهای منفی» درباره شرایط کسب‌وکار در ایران است.

بر اساس این گزارش «قانون جدید چک» که با صرف تلاش‌ها و هزینه‌های زیادی در فاز اجرایی قرار گرفت، در ابتدا باعث کاهش محسوس چک‌های برگشتی شد؛ اما در ماه‌های اخیر این روند تغییر معناداری را تجربه می‌کند. به نظر می‌رسد این تغییر روند حاصل شرایط نامساعد کسب‌وکار از یکسو و اعمال سیاست‌های محدودیت اعتباردهی از سوی دیگر است.

این در حالیست که مقامات بانک مرکزی معتقد بودند که با پیاده سازی قانون جدید چک که به «چک صیادی» معروف بود، چک‌های جدید را نمی‌توان در وجه حامل صادر کرد و صرفا قابلیت ظهنویسی به صورت سیستمی خواهند داشت. امکان صدور چک بلاحمل کمتر می‌شود و افراد دارای سابقه چک برگشتی رفع سوءاثر نشده، قادر به ثبت چک نخواهند بود.

گزارش «دنیای اقتصاد» درباره اثرات قانون جدید چک

● ۶۴۱ هزار فقره چک از بالغ بر هفت میلیون چک مبادله‌شده و ۶۱ هزار میلیارد تومان از مبلغ حدودا ۴۷۲ هزار میلیارد چک‌های مبادله‌شده برگشت خورده‌اند که رقمی قابل توجه است.

● در آخرین ماه تابستان ۱۴۰۲ مجموعا به مبلغ ۴۷۲/۱ هزار میلیارد تومان چک در معاملات استفاده شده که حدود ۸۷/۱ درصد از ارزش چک‌ها وصول شده و بقیه برگشت خورده‌اند.

● سیاست‌های انقباضی دولت باعث کاهش حجم پول در دسترس بانک‌ها برای وام‌دهی شده و با کاهش پرداخت تسهیلات بانکی، بنگاه‌های اقتصادی را نیز با کمبود منابع نقد مواجه کرده است.

آمارهای بانک مرکزی از تعداد و مبلغ چک‌های برگشتی در شهریورماه امسال نشان می‌دهد ۸/۶ درصد از تمام چک‌ها و ۱۲/۹ درصد از مبلغ کل چک‌ها برگشت خورده‌اند. هرچند تعداد چک‌های برگشتی در شهریور نسبت به پنج ماه نخست امسال کاهش یافته اما همچنان تعداد قابل توجهی از چک‌ها برگشت خورده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در شهریور ۱۴۰۲ نسبت چک‌های برگشتی از کل چک‌ها چه از نظر مبلغ و چه از نظر تعداد در مقایسه با مرداد کاهش پیدا کرده است. ارزش کل چک‌های مبادله شده نیز در این ماه حدود ۴/۷ درصد و تعداد چک‌ها تقریبا ۶/۹ درصد کمتر شده است.

برآوردهای بانک مرکزی نشان می‌دهد ۶۴۱ هزار فقره چک از بالغ بر هفت میلیون چک مبادله‌شده و ۶۱ هزار میلیارد تومان از مبلغ حدودا ۴۷۲ هزار میلیارد چک‌های مبادله‌شده برگشت خورده‌اند که رقمی قابل توجه است.

داده‌ها نشان می‌دهد در آخرین ماه تابستانی ۱۴۰۲ مجموعا به مبلغ ۴۷۲/۱ هزار میلیارد تومان چک در معاملات استفاده شده که حدود ۸۷/۱ درصد از ارزش چک‌ها وصول شده و بقیه برگشت خورده‌اند.

مشاهدات بیان می‌کنند نسبت مبلغ چک‌های وصول شده به کل مبادلات چک در شهریور ۱۴۰۲ در مقایسه با ماه گذشته خود ۰/۴ واحد درصد بیشتر شده است. بررسی‌ها از ارزش کل مبادلات در این مقطع زمانی نیز نشان می‌دهد این شاخص نسبت به مردادماه امسال ۴/۷ درصد کمتر شده است.

بررسی چک‌های معامله شده از نظر تعداد نیز بیان



# زندگی ۳۲ درصد جمعیت کشور در محدوده بافت فرسوده

عنوان سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت حاشیه‌ای شناخته می‌شوند که بیش از ۹۰ درصد از آنها در محدوده‌های شهری قرار دارند. تازه‌ترین آمارها حاکی است که جمعیتی بالغ بر ۷ میلیون و ۱۳۶ هزار نفر در این بافت‌ها که ۱۱ درصد جمعیت شهری و حدود ۸ درصد از سطح شهرها را شامل می‌شود، ساکن هستند و بالغ بر ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار خانوار در این محدوده‌ها زندگی می‌کنند.

معاون وزیر راه و شهرسازی افزوده بود که بیش از ۹۰ درصد محدوده‌های حاشیه‌ای در محدوده شهری واقع‌اند و بیش از ۹۰ درصد واحدهای مسکونی واقع شده در این مناطق نیازمند جابجایی نیستند و در ۱۰ درصد محلات حاشیه‌ای باید جابجایی انجام بشود. بنابراین ۹۰ درصد این محدوده قابلیت اینکه ساماندهی شوند و ساخت و سازهای نوین در آنها انجام شود و مقاوم سازی شوند را دارا هستند. هرچند با بیان آمارهای حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی یا سکونت در بافت فرسوده، تصور می‌شود استان‌ها و شهرهای محروم کشور درگیر این پدیده‌ها هستند اما در تهران نیز وضعیتی بحرانی در این رابطه وجود دارد.

محمد آقامیری رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران همراه امسال اعلام کرده بود که آمادگی تهران در برابر زلزله‌ای با بزرگی ۷ ریشتر را ۲۰ درصد اعلام کرده و گفته بود که در تهران ۲۵۴ پل وجود دارد که همه آنها ناامن است و برخی از آنها مانند پل حافظ که فلزی است، به دلیل فرسوده بودن و پایان یافتن عمر آنها، باید جمع شوند.

او با بیان اینکه «برای مقاوم‌سازی پل‌های شهر تهران به ۲۰ سال زمان نیاز است» گفته که «با توجه به وجود بافت فرسوده، بسیاری از سازه‌ها فرو می‌ریزند. در اطراف بزرگراه «امام علی» و یا بزرگراه «نواب» سازه‌های زیادی وجود دارد که ریزش یکی از آنها، این بزرگراه‌ها را مسدود خواهد کرد.» محمد آقامیری با اشاره به حادثه پلاسکو با تأکید بر اینکه در این حادثه یک ماه و نیم چندین خیابان یک طرفه شدند تا عملیات آواربرداری انجام شود، گفت: تصور کنید که در زلزله تهران تعداد ۲۰ ساختمان همانند پلاسکو ریزش کند و چه حوادثی رخ خواهد داد.

رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران تأکید کرده که بر اساس برآوردهای اساتید زلزله‌شناسی کشور، بروز زلزله‌ای به بزرگای ۷ در شهر تهران حداقل ۲۰۰ هزار نفر تلفات را بر جای خواهد گذاشت و کلیه بحث‌هایی که در این جلسات مطرح می‌شود، در همان اتاق جلسات می‌ماند.

افزایش بافت فرسوده و خانه‌های ناایمن در سال‌های گذشته با هشدارهای کارشناسان همراه بوده و در حالی که در دولت‌های مختلف طرح‌هایی برای نوسازی بافت فرسوده تدوین و اجرا می‌شود اما همچنان سرعت رشد بافت فرسوده از اقدامات دولت بیشتر است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز پیشتر اعلام کرده بود حدود ۲۰ میلیون نفر در ایران در بافت‌های ناکارآمد شامل سکونتگاه غیررسمی، بافت تاریخی و بافت فرسوده ساکن هستند.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد ۶ میلیون نفر از این افراد مشخصاً در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. کسانی که اقتصاد ناکارآمد و فقر آنها را زاغه‌نشینی و در جای جای کشور پراکنده کرده است. وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی با استناد به آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نوشته بود که فقر مطلق در ایران در حال افزایش است و سالانه جمعیت بیشتری را در برمی‌گیرد. جمعیتی که در رفع نیازهای اولیه خود اعم از مسکن و خوراک هم مانده‌اند. چاره‌ای هم ندارند جز آنکه در جنگ برای بقا، سفره و سقف بالای سر خود را کوچک کنند. همین است که برخی را راهی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌کند. زاغه‌نشینی در واقع راهی است برای بقا در وضعیت بحرانی اقتصاد کشور.

همچنین با تشدید بحران آب در برخی مناطق کشور و به دنبال آن افزایش فرونشست، بیکاری و... برخی ساکنان این مناطق راهی شهرهای دیگر می‌شوند. روند مهاجرت‌های اقلیمی در ایران به گونه‌ای شده که بارها کارشناسان نسبت به خالی شدن مبدأ و سرریز جمعیت در مقاصد مهاجرتی هشدار داده‌اند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هم در این مورد نوشته که بررسی‌ها و ارزیابی‌ها بیانگر آن است که علی‌رغم تهیه و تصویب برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب، رشد جمعیت مهاجر و مهاجرت‌های گسترده به سمت کلانشهرها و برخی شهرهای بزرگ و فقر همه جانبه در سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان چالش مطرح است.

محمد آئینی معاون وزیر راه و شهرسازی نیز امرداد گذشته با ارائه آمار قابل توجه گفته بود که از مجموع ۱۶۲ هزار هکتاری که به عنوان محدوده‌های بازآفرینی شهری و محلات هدف طرح در کمیسیون ماده ۵ شهرها تعیین محدوده شدند، حدود ۵۸ هزار و ۹۵۶ هکتار به

● نماینده شرکت بازآفرینی شهری با ارائه آمار تکانه‌دهنده‌ای از بافت فرسوده و خانه‌های ناایمن در کشور گفته که هم‌اکنون بیش از ۳۲ درصد جمعیت کشور در محدوده بافت فرسوده زندگی می‌کنند.

● بیش از ۲۰ درصد مساحت شهری کشور شامل بناهای ناپایدار است و این بناها پایداری و مقاومت در برابر زلزله و بلایای طبیعی ندارند.

● رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران: در تهران ۲۵۴ پل وجود دارد که همه آنها ناامن است و برخی از آنها مانند پل حافظ که فلزی است، به دلیل فرسوده بودن و پایان یافتن عمر آنها، باید جمع شوند.

نماینده شرکت بازآفرینی شهری با اشاره به اینکه ۳۲ درصد جمعیت کشور در محدوده بافت فرسوده زندگی می‌کنند، گفته که دو میلیون بنای ناپایدار فاقد هرگونه سازه بتونی در کشور وجود دارد.

علی باب‌الحوائجی نماینده شرکت بازآفرینی شهری، از زیرمجموعه‌های وزارت راه و شهرسازی، روز پنجشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۲ با ارائه آمار تکانه‌دهنده‌ای از بافت فرسوده و خانه‌های ناایمن در کشور گفته که هم‌اکنون بیش از ۳۲ درصد جمعیت کشور در محدوده بافت فرسوده زندگی می‌کنند.

او افزوده که بیش از ۲ میلیون بنای ناپایدار فاقد هرگونه سازه بتونی در کشور وجود دارد که باید در سریع‌ترین زمان ممکن بازسازی شود.

به گفته این مقام مسئول بیش از ۲۰ درصد مساحت شهری کشور شامل بناهای ناپایدار است و این بناها پایداری و مقاومت در برابر زلزله و بلایای طبیعی ندارند.

علی باب‌الحوائجی همچنین گفته که «نوسازی بافت‌های فرسوده به مثابه تیری است با چند نشان که در وهله اول باعث کاهش بناهای ناپایدار و به طبع آن ارتقای حفظ جان هموطنان مان در این محدوده‌ها می‌شود که این خود ضرورت اصلی در این حوزه است و در مرحله بعد مسکن مورد نیاز جامعه به ویژه مسکن در استطاعت را برای اقشار کم درآمد فراهم می‌کند.»

نماینده شرکت بازآفرینی شهری با این ادعا که «حفظ جان ساکنین بناهای غیرمقاوم یکی از اولویت‌های اصلی دولت است» گفته که نوسازی بافت‌های فرسوده به تنهایی از توان دولت و شهرداری‌ها خارج است!

## یکی دیگر از آثار فقر و فلاکت گسترده: سرقت سالانه ۱۰۰ میلیارد تومان تجهیزات جاده‌ای



حدود ۵۴۵ هزار فقره در سال، به بیش از ۹۰۰ هزار مورد افزایش پیدا کرد.

حسین رحیمی، رئیس پلیس تهران، آبان ماه گذشته اعلام کرده بود ۵۵ درصد از سارقان بازداشت شده را سرقت‌اولی‌ها تشکیل می‌دهند.

روزنامه اعتماد نیز ۲۵ خردادماه سال جاری در این باره نوشت: «سارقان در گفت‌وگو با رسانه‌ها اکثراً می‌گویند که مشکلات اقتصادی داشتند، برای همین تصمیم گرفتند دست به سرقت بزنند، اما سرقت؛ ارتباط بسیار نزدیکی با بحران‌های جامعه دارد.

در این میان دزدی‌هایی بی‌سابقه در کشور رخ می‌دهد که پدیده‌های نوظهور و ناشی از فقر مطلق هستند؛ از جمله سرقت لباس از روی بند رخت، سرقت گلدان مجتمع‌های مسکونی و اداری، سرقت کفش از پشت ورودی آپارتمان‌ها که از موارد سرقت‌هایی هستند که به عنوان «سرقت خُرد» شناخته می‌شوند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» امرداد امسال در گزارشی با عنوان «صعود سرقت از باند فقر» نوشته بود طی ۱۰ سال گذشته به جز در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ که اقتصاد ایران ثباتی نسبی داشت، میزان جرائم مربوط به سرقت همواره صعودی بود و طی سال‌های پایانی این دهه نیز در بالاترین سطح قرار داشت.

این گزارش تأکید کرده بود که برخی برای مقابله با جرائم اجتماعی، تنها رویکردهای سلبی را مدنظر قرار می‌دهند؛ به این معنی که می‌توان با افزایش برخوردهای انتظامی، سطح سرقت‌ها را کاهش داد. اما نکته مهم این است که یکی از پیش‌رانه‌های رشد سرقت‌ها در سال‌های اخیر، شرایط اقتصادی جامعه بوده است.

در ادامه این گزارش آمده بود که «بالا بودن نرخ تورم و کاهش رشد اقتصادی باعث شده است که حدود یک‌سوم از جمعیت به زیر خط فقر برسند و حتی خانوارهای بالای خط فقر نیز از نظر درآمدی فاصله قابل توجهی با

کامپوزیت تغییر داده شده که ارزشی برای سرقت نداشته باشد.

سرقت تجهیزات جاده‌ای بیش از دو سال است که از سوی مقامات استانی و کشوری گزارش می‌شود. برای نمونه علی زندی‌فر مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان البرز اسفند ۱۴۰۰ از خسارت دو میلیارد تومانی سرقت علائم و تجهیزات جاده‌ای از جمله علائم راهنمایی و زنده پل‌ها طی یک سال خبر داده بود.

همزمان حیدر نوروزی مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان تهران نیز افزایش سرقت تجهیزات جاده‌ای را تأیید کرده و گفته بود بطور کل این سرقت‌ها شامل سرقت تابلوها، علائم، پایه تابلو، گاردریل، پایه گاردریل، دوربین‌های نظارتی و ثبت تخلف، کابل‌های سیستم‌های دوربین‌های تصویری و تابلوهای پیام متغیر، سیستم روشنایی شامل سیم و کابل‌های این سیستم‌ها و پایه‌های آن، حتی برخی پایه‌های بتنی به دلیل وجود آرماتور موجود در آن می‌شود.»

مسعودرضا ثامنی معاون شرکت فاضلاب تهران نیز با اعلام اینکه دزدیدن درپوش فاضلاب در تهران افزایش یافته گفته بود که سرقت‌های انجام گرفته شرکت فاضلاب را مجبور کرده روش‌هایی به کار بگیرد که پائین‌تر از استانداردهای تعیین شده هستند بطوری که جنس درپوش‌های فاضلاب باید چدن باشند اما به دلیل جلوگیری از این سرقت‌ها شرکت فاضلاب تهران مجبور شده از درپوش‌های بتنی و یا جنس‌های دیگر استفاده کند تا میزان سرقت‌ها کاهش یابد. افزایش سرقت تنها به تجهیزات جاده‌ای خلاصه نمی‌شود؛ فقر و گرسنگی انواع سرقت در کشور را افزایش داده است. پایگاه «داده‌های باز ایران» فروردین امسال در گزارشی با تکیه بر داده‌های «مرکز آمار ایران» از افزایش ۷۰ درصدی آمار سرقت در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ خورشیدی خبر داد.

طبق گزارش این پایگاه، طی دوره مزبور آمار سرقت از

● معاون راهداری سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای: سرقت‌ها فقط از جاده‌های بین شهری اتفاق نمی‌افتد و حتی در شهرها و به ویژه در تهران نیز تجهیزات جاده‌ای و علائم رانندگی سرقت می‌شوند.

● «پایگاه» داده‌های باز ایران: فروردین امسال در گزارشی از افزایش ۷۰ درصدی آمار سرقت در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ خورشیدی خبر داد.

● سرقت لباس از روی بند رخت، سرقت گلدان مجتمع‌های مسکونی و اداری، سرقت کفش از پشت ورودی آپارتمان‌ها که به عنوان «سرقت خُرد» شناخته می‌شوند نیز پدیده‌های نوظهور و ناشی از فقر هستند.

فقر گسترده در ایران سبب افزایش آمار بزهکاری‌ها و ناهنجاری‌ها، و بروز پدیده‌هایی بی‌سابقه در کشور شده است. از جمله اینکه آمارها نشان می‌دهد سالانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومان علائم و تجهیزات ایمنی و تجهیزات روشنایی در سطح جاده‌ها به سرقت می‌روند.

رضا اکبری معاون راهداری سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای امروز ۲۰ آبان ۱۴۰۲ در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» از افزایش سرقت تجهیزات جاده‌های کشور خبر داده و گفته که «طبق آمار تجمیع شده از سوی استان‌ها سالانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومان علائم و تجهیزات ایمنی و تجهیزات روشنایی در سطح جاده‌های به سرقت می‌روند.»

رضا اکبری گفته که تجهیزات و تابلوهای ایمنی به سرقت رفته در ضایعاتی‌ها به فروش می‌رود و تأکید کرده که سرقت‌ها فقط از جاده‌های بین شهری اتفاق نمی‌افتد و حتی در شهرها و به ویژه در تهران نیز تجهیزات جاده‌ای و علائم رانندگی سرقت می‌شوند.

معاون راهداری سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گفته که حجم سرقت‌ها به حدی زیاد شده که این سازمان تلاش کرده از مواد و مصالحی مصرف کند که به درد دزدی نخورد و قابل سرقت نباشد، برای مثال پایه‌ها از آهن به

## یک دادگاه فرانسه حکم بازداشت علیه بشار اسد به جرم «جنایت علیه بشریت» صادر کرد



بشار اسد در میان پاسداران سوری، دمشق، ۲۶ ژوئن ۲۰۱۶

پاریس از آوریل ۲۰۲۱ تحقیق در مورد حملات شیمیایی رژیم بشار اسد با مبع‌های شیمیایی علیه مخالفان را آغاز کردند. این تحقیقات پس از شکایت چندین مرکز و انجمن از جمله مرکز سوری رسانه‌ها و آزادی بیان آغاز شد. پیش از این، دادگاه کیفری بین‌المللی دو حکم بازداشت علیه سران کشورها صادر کرده که شامل عمر البشیر رئیس‌جمهوری پیشین سودان و همچنین ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه می‌شود. یادآوری می‌شود آن زمان که بشار اسد با هر روشی از جمله استفاده از تسلیحات شیمیایی اقدام به سرکوب مخالفان می‌کرد، قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس از طرف علی خامنه‌ای مأمور شده بود تا به رژیم سوریه کمک برساند. محمود چهارباغی فرمانده توپخانه سپاه پاسداران در سوریه، ششم مهرماه ۱۳۹۸ گفت «حضرت آقا حاج قاسم را فرستاد گفت برو بشار اسد را حفظ کن.»

وی اعتراف می‌کند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با هواپیمای شرکت «ماهان ایر» تسلیحات به سوریه منتقل می‌کرده است. یحیی رحیم صفوی مشاور عالی علی خامنه‌ای نیز در سال ۱۳۹۵ در یک سخنرانی گفته بود «اگر ایران نبود، عراق و سوریه سقوط کرده بود.»

اینهمه در حالیست که مقامات جمهوری اسلامی مدت‌ها حضور نظامی رژیم در سوریه را انکار می‌کردند اما این رویکرد پس از آنکه شواهد انکارناپذیر دیگر قابل کتمان نبودند، تغییر پیدا کرد و گفته شد که جمهوری اسلامی ایران در این جنگ حضور مستشاری دارد. پس از آن نیز با توجه به اجساد کشته‌شدگان نیروهای اعزامی که از سوریه به ایران برگردانده می‌شدند، قابل پنهان کردن نبود، رژیم برای توجیه دخالت در سوریه عنوان کرد که آنجا «عمق استراتژیک» حکومت است! علی خامنه‌ای مدعی شد که «اگر در سوریه با دشمن نجنگیم باید در کرمانشاه و تهران بجنگیم!»

در شرایط کنونی، از یکسو حمله تروریستی وحشیانه حماس علیه اسرائیل و عملیات نظامی آن کشور در دفاع از موجودیت خود که در حال خارج کردن غزه از دست این گروه وابسته به جمهوری اسلامی است، و از سوی دیگر صدور چنین حکمی علیه یکی از متحدان رژیم، در کنار تحركات نظامی در منطقه از سوی متحدان اسرائیل، عرصه را بیش از پیش برای حکومت اسلامی در ایران تنگ کرده است.

● دادگاه قضایی پاریس حکم بازداشت بشار اسد رئیس‌جمهوری رژیم سوریه را به اتهام همدستی در جنایت علیه بشریت در حملات شیمیایی در این کشور در سال ۲۰۱۳ صادر کرد. این دادگاه همچنین اسد را به دلیل مشارکت در کشتار مخالفان رژیم وی مقرر دانست.

● به گزارش خبرگزاری فرانسه، همین دادگاه ماهر اسد برادر بشار را نیز محکوم کرد. وی در جریان سرکوب گسترده مخالفان سوری به عنوان فرمانده لشکر چهارم زرهی در جنایت‌های جنگی سوریه نقش داشته است.

دادگاه قضایی پاریس چهارشنبه ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان) حکم بازداشت علیه بشار اسد رئیس‌جمهوری رژیم سوریه به اتهام همدستی در جنایت علیه بشریت در حملات شیمیایی در این کشور در سال ۲۰۱۳ صادر کرد. این دادگاه همچنین اسد را به علت مشارکت در کشتار مخالفان رژیم سوریه مقرر دانست. به گزارش خبرگزاری فرانسه، همین دادگاه ماهر اسد برادر بشار را نیز محکوم کرد. وی در جریان سرکوب گسترده مخالفان سوری به عنوان فرمانده لشکر چهارم زرهی در جنایت‌های جنگی سوریه نقش داشته است.

این احکام به دنبال تحقیقات جنایی در مورد حملات شیمیایی که در اوت ۲۰۱۳ در شهر دوما سوریه صورت گرفت صادر شده است.

اطلاعات ایالات متحده نشان می‌دهد که در این حملات از گاز سارین استفاده شده است. بیش از هزار نفر که اغلب شهروندان غیرنظامی بودند در این حمله کشته شدند. سارین یک گاز عصبی است که به عنوان سلاح کشتار جمعی طبقه‌بندی شده و توسط کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی در رده تسلیحات ممنوعه قرار گرفته است.

ژنرال غسان عباس مدیر شعبه ۴۵۰ مرکز مطالعات و تحقیقات علمی سوریه که به واسطه توسعه سلاح‌های شیمیایی شناخته شده و ژنرال بسام الحسن افسر رابط و رئیس حراست نیز در این دادگاه مجرم شناخته شده‌اند.

خبرگزاری فرانسه می‌نویسد این نخستین حکم بازداشت بین‌المللی است که علیه بشار اسد صادر می‌شود. نیروهای دولتی سوریه در جریان اعتراضات ضد حکومتی در این کشور که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد با خشونت گسترده مخالفان را سرکوب کردند. بازپرس‌های واحد جنایات علیه بشریت دادگاه قضایی

جمعیت فقیر نداشته باشند. در این شرایط، تورم باعث افزایش قیمت دارایی‌ها شده است. در نتیجه این افزایش، قیمت یک دارایی مصرفی نظیر گوشی همراه یا یک قطعه از خودرو، به چند برابر حداقل حقوق کارگران رسیده و همین موضوع باعث شده سارقان، ریسک و عواقب سرقت را بپذیرند.»

«دنیای اقتصاد» در ادامه افزوده بود که «نسبت بالای نرخ بیکاری جوانان نشان می‌دهد که اقتصاد ظرفیت جذب افراد جویای کار را ندارد و این موضوع نیز عامل دیگری برای افزایش جرائم برای کسب درآمد است. روند افزایش سرقت در شرایط نامساعد اقتصادی و کاهش آن در شرایط مطلوب، این موضوع را تأیید می‌کند که شرایط اجتماعی یک جامعه به میزان زیادی متأثر از احوال اقتصادی کشور است.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در خردادماه اعلام کرده بود که در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، حدود ۱۱ میلیون نفر به جمعیت فقیر ایران اضافه شده است. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید شده بود که نرخ فقر از سال ۱۳۸۵ در ایران روند فزاینده‌ای داشته و از سال ۱۳۹۷ به بعد به بالای ۳۰ درصد رسیده که به معنای قرار گرفتن نزدیک به یک‌سوم جمعیت ایران زیر خط فقر است.

محمد باقری بنایی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز خردادماه امسال با اشاره به افزایش خط فقر و گسترش جمعیت زیر خط فقر در ایران، گفته بود که با توجه به تورمی که در یکی دو سال اخیر در اقتصاد کشور ایجاد شده، رقم خط فقر در تهران به ۳۰ میلیون تومان رسیده است.

اینهمه در حالیست که کارشناسان اقتصادی معتقدند چشم‌انداز مثبتی برای کاهش و حتی ثابت ماندن تورم در کشور وجود ندارد. در همین‌باره مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی شاپور اهواز گفته که «من چشم‌اندازی برای کاهش نرخ تورم نمی‌بینم. ضربه به بنیان‌های ساختاری کشور چنان سهمگین است که متاسفانه سیگنال‌ها نشانی از کاهش نرخ تورم ندارند.»

به گفته مرتضی افقه «مقاماتی که به تورم ۳۹/۵ درصدی و چهل درصدی افتخار می‌کنند باید بدانند این نوع تورم‌ها در جهان بسیار کمیاب است و کشورهای در دوره‌های کوتاه با چنین فجایع اقتصادی مواجه شده‌اند اما حالا می‌بینیم تورم در این محدوده مانده و چشم‌اندازی برای کاهش نیز ندارد.»

این اقتصاددان معتقد است که این دولت به دلیل آنکه در برابر طرفداران خود نیز سرشکسته شده است، نشان داده تمایل زیادی به دستاوردسازی دارد و نه تنها آمارهایی را نشر می‌دهد که مقبولش است، بلکه نسبت به تفسیرهای خوشبینانه و عجیب از آمارها اقدام می‌کند تا افکار عمومی را راضی کند که اوضاع بهبود یافته است.

او با تأکید بر اینکه سهم هزینه خوراک و مسکن در سبد خانوار ایرانی شبیه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نیست، گفته «متاسفانه تورم ریزش شدید طبقاتی را در ایران رقم زده است؛ طوری که طبقات متوسط تنها قادر به تأمین هزینه خوراک و مسکن خود هستند و نمی‌توانند فرهنگ و تفریح... را در سبد خود قرار دهند و طبقات فقیر نیز درگیر فقر شدیدتر شده‌اند.»

مرتضی افقه با تأکید بر اینکه بررسی‌ها نشان می‌دهد شش دهک درآمدی در ایران دچار فقر هستند، گفته که این بدان معنی است که بیش از نیمی از جمعیت ایران فقیر تلقی می‌شوند. از این شش دهک البته سه دهک در فقر مطلق و بسیار ناگوارتری بسر می‌برند.

## پنیر و تخم مرغ غذای اصلی خانوارهای کارگری؛ جمهوری اسلامی مخالف افزایش دستمزدها



پاکی را روی دست کارگران ریخت و اعلام کرد دستمزدها افزایش نخواهد کرد. او گفته که قانونگذار تعیین کرده حقوق و دستمزد باید سالانه تعیین شود و پیشنهاد تعیین متناوب دستمزد کارگران در یک سال غیرقانونی است.

در آنسو فعالان کارگری توضیح می‌دهند که با سطح دستمزدهای ناچیز کنونی خانوارهای کارگری توان تأمین هزینه‌های ضروری زندگی شامل خوراک و اجاره‌بها را ندارند. در واکنش به گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فرامرز توفیقی فعال کارگری گفته که ترمیم دستمزد کارگران یک ضرورت است و نمی‌توانند بگویند انشالله سال آینده!

فرامرز توفیقی امروز سه‌شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۲ ادعای وزارت کار مبنی بر اینکه قانون گفته رقم حداقل دستمزد سالی یکبار افزایش پیدا کند را رد کرده و توضیح داده که «اگر به بندهای یک و دو ماده ۴۱ دقت کنیم، می‌بینیم شرایطی را برای تعیین دستمزد مشخص کرده که این شرایط می‌تواند در طول سال تغییر کند؛ مثلاً تورم افزایش باید یا هزینه‌های حداقلی زندگی زیاد شود و از آنجا که مزد باید با توجه به این شاخص‌ها تعیین شود، پس با تغییر آن‌ها ملزم به چانه‌زنی مجدد در شورایی کار برای تعیین دستمزد هستیم.»

فرامرز توفیقی افزوده که «در همان قانون شورایی کار به صراحت آمده که این شورا باید هر ماه حداقل یک جلسه داشته باشد و در صورت تشخیص رئیس شورایی کار یا سه عضو از شورا باید جلسه فوری تشکیل شود؛ بنابراین نامه‌نگاری‌های مکرر سه عضو کارگری این شورا برای ترمیم مزد سال جاری کاملاً قانونی بوده و عدم تشکیل جلسه، قانون شکنی از سوی دولت و وزارت کار است.»

حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری نیز نیمه آبان‌ماه گفته بود که تلاش کارگران برای افزایش حقوق مجدد در نیمه دوم سال اگرچه با توجه به تورم یک نیاز جدی است، اما دولت به نظر نمی‌رسد زیر بار آن برود.

حسن صادقی درباره میزان مطلوب حقوق کارگران گفته بود که «ما الان حقوق ریالی می‌گیریم و هزینه دلاری می‌کنیم. کارگر ۷ میلیون حقوق می‌گیرد یا اضافه کاری می‌رود یا اسنپ می‌رود و شغل چندم انجام می‌دهد. کارگران بازنشسته ۵۰ درصد حقوقشان را با کار مجدد و قرض گرفتن زندگی می‌کنند. به نظر می‌رسد دستمزد امسال باید ۱۲ تا ۱۵ میلیون می‌شد تا بتوانند زندگی خود را اداره کنند. اما ترس از تورم وجود دارد، اما تاثیر مزد بر تورم خیلی کم است و توهم تورمی بیشتر از خود تورم است. راه چاره واقعی کردن دستمزدهاست. امروز زیر ۱۵ میلیون تومان حقوق یعنی فقیر!»

دیگر ندارم...» بر اساس این گزارش، «باقر» با تمام اضافه‌کاری‌ها و در حالی که کار دو نفر را در آن شرکت به تنهایی انجام می‌دهد، ماهی حدود ۱۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرد؛ خانه‌ی اجاره‌اش در یکی از مناطق حاشیه‌ای کرج است و صاحبخانه با هزار مکافات قبول کرده اجاره‌خانه‌ی امسال ماهی ۶ میلیون تومان باشد، یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هم اقساط جهیزی‌ی دخترش است که سال قبل به خانه‌ی بخت رفته. گزارش خبرگزاری «ایلنا» تأکید کرده که «یک دو دوتا چهارتای ساده نشان می‌دهد وقتی سبد معیشت خانوار آنهم در شهری مانند تهران حداقل ۲۵ میلیون تومان است و حداقل دستمزد و مزایا کمی بیشتر از ۹ میلیون تومان یعنی دقیقاً برابر با ۳۶ درصد هزینه‌های حداقلی یک زندگی ساده، بیشتر از نصف ماه، ته جیب خالی خالی‌ست، به خصوص وقتی مستاجر هم باشی و هر ماه چند میلیون تومان را جیرینگی تقدیم صاحبخانه کنی!»

شرایط دشوار زندگی کارگران و دیگر اقشاری که حقوق دریافتی آنها بر اساس رقم حداقل دستمزد است، مانند بازنشستگان تأمین اجتماعی، با بی‌اعتنایی دولت روبرو است. فعالان کارگری ماه‌هاست درخواست افزایش رقم دستمزدها را دارند اما وزارت کار هر بار به بهانه‌ای، این درخواست را نادیده گرفته و یا عقب انداخته است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تازگی در گزارشی اعلام کرده که در تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۲ اعضای شورای عالی کار ضمن مطالعه و بررسی وضعیت و اقتضائات بنگاه‌های اقتصادی به تحلیل شرایط موجود پرداخته و با در نظر گرفتن حفظ اشتغال و صیانت از نیروی کار، توان پرداخت صنایع و تناسب بین حقوق و دریافتی شاغلین و مزدبگیران بخش دولتی و بخش خصوصی نسبت به تعیین مزد اقدام کرده‌اند. در این راستا در سید و چهاردهمین جلسه شورای عالی کار مقرر شد چنانچه مزد کارمندان دولت در سال ۱۴۰۲ دوباره افزایش یابد، حداقل مزد مشمولان قانون کار نیز متناسب با آن افزایش یابد. این وزارتخانه افزوده که مهمترین خواسته کارگران در زمینه مزد، حفظ قدرت خرید و افزایش مزد واقعی آنان است. حفظ قدرت خرید کارگران از طریق افزایش مزد و کاهش نرخ تورم امکان‌پذیر است. با توجه به اینکه حداقل مزد از متغیرهای اقتصاد کلان است، افزایش آن بدون توسل به دیگر روش‌های تکمیلی-حمایتی و اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی به منظور مهار و کاهش تورم، نمی‌تواند به خودی خود سبب افزایش سطح درآمد واقعی و بهبود معیشت کارگران شود.

صورت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز آب

● با گرانی گوشت، مرغ و برنج، در دسترس‌ترین گزینه‌ی پیش روی کارگران برای تغذیه در روزهای بسیاری از ماه، باز هم همین تخم مرغ است و بس!

● یک کارگر در تهران: یک هفته است که خوراکم- شام و ناهار- تخم مرغ است، یک روز تخم مرغ با دو تا گوجه فرنگی، یک روز تخم مرغ با سیب‌زمینی و یک روز هم تخم مرغ آب‌پز.

خبرگزاری‌های داخلی در گزارش‌هایی از بحرانی شدن وضعیت معیشت اقشار کارگری خبر داده و نوشته‌اند که تخم‌مرغ و پنیر به خوراک اصلی سفره‌های کارگری تبدیل شده است. همزمان وزارت کار جمهوری اسلامی برای افزایش دستمزد کارگران بهانه‌تراشی کرده است.

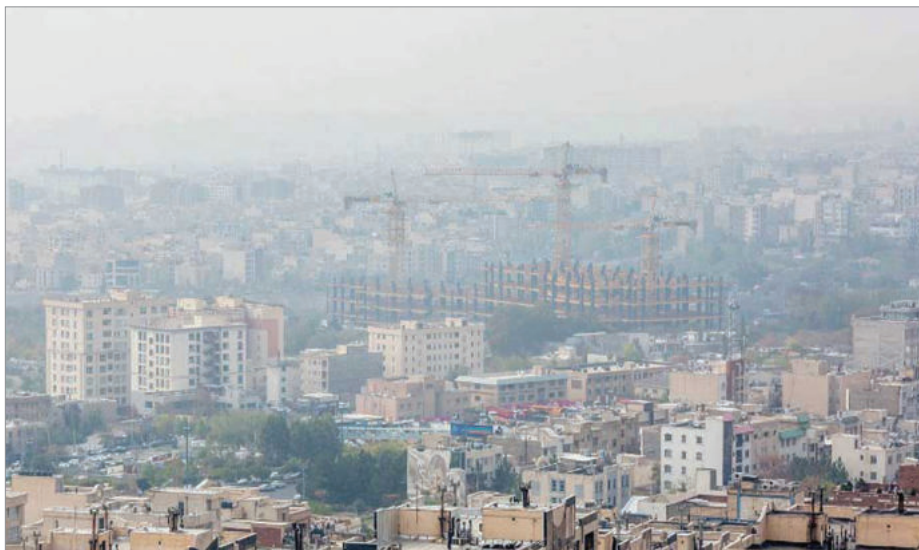
افزایش روز افزون قیمت مواد خوراکی در ایران و عقب‌ماندگی درآمد اقشار کارگری از هزینه زندگی سبب تهی شدن سفره این اقشار شده است. خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی تکانه‌دهنده اعلام کرده خانوارهای کارگری دست‌کم یک هفته در ماه فقط قادر به تهیه تخم‌مرغ به عنوان خوراک هستند. این گزارش تأکید کرده که وقتی سبد معیشت خانوار آن هم در شهری مانند تهران حداقل ۲۵ میلیون تومان است و حداقل دستمزد و مزایا کمی بیشتر از ۹ میلیون تومان یعنی دقیقاً برابر با ۳۶ درصد هزینه‌های حداقلی یک زندگی ساده، بیشتر از نصف ماه، ته جیب خالی خالی است.

در گزارش «ایلنا» آمده است در حالی که مجموع قیمت یک شانه تخم مرغ صد هزار تومانی و چند عدد نان، تقریباً برابر با دستمزد روزانه کارگران- ۱۷۶ هزار تومان- است، با گرانی گوشت، مرغ و برنج، در دسترس‌ترین گزینه‌ی پیش روی کارگران برای تغذیه در روزهای بسیاری از ماه، باز هم همین تخم مرغ است و بس!

«باقر» یک کارگر آبدارچی در یکی از شرکت‌های خدماتی مرکز تهران، به «ایلنا» گفته: «الان که با شما صحبت می‌کنم، یک هفته است که خوراکم- شام و ناهار- تخم مرغ است، یک روز تخم مرغ با دو تا گوجه فرنگی، یک روز تخم مرغ با سیب‌زمینی و یک روز هم تخم مرغ آب‌پز؛ همین دیشب یک کنسرو لوبیا خریدم که با تخم مرغ یا خالی بخورم، شد ۴۰ هزار تومان؛ یک خانواده‌ی چهار نفری این کنسرو را با دو تا تخم مرغ بجای شام خوردیم...»

این کارگر گفته که «چرامن کارگر بعد از ۲۰ و چند سال زحمت کشیدن و کار کردن، باید چندین روز در ماه، غذایم فقط تخم مرغ باشد؛ امروز هنوز ۲۱ ماه است و حسابم کاملاً خالی‌ست؛ تا آخر ماه پول همان تخم مرغ دانه‌ای ۵ هزار تومان را هم





# کلانشهرهای آلوده در ایران؛ قانون هوای پاک به کجا رسید؟

او تأکید کرده که «اعتقادی به تعطیلی مدارس در زمان آلودگی هوا نداریم و دستگاه‌های دیگر باید تکالیف‌شان را در زمینه آلودگی انجام دهند.»

علی‌فرهادی سخنگوی وزارت آموزش و پرورش نیز درباره تعطیلی مدارس در زمان آلودگی هوا به خبرنگاری «تسним» گفته که «مخالف تعطیلی دستگاه تعلیم و تربیت هستیم و معتقدیم که باید آخرین راه حل، تعطیلی مدرسه باشد چرا که آسیب دانش‌آموزان و تقویم آموزشی از تعطیلی مدرسه جدی است با این حال آموزش و پرورش تابع تصمیم استانداران است.»

به گفته او، طبق قانون، استاندار رئیس شورای آموزش و پرورش است «و اگر استانداران برای تعطیلی مدارس تصمیم بگیرند یعنی ملاحظات را در نظر گرفته و تلاش خود را انجام داده‌اند که تعطیلی مدارس آخرین مرحله باشد بنابراین به تصمیم استانداران احترام گذاشته و آن را اجرا می‌کنیم.»

در همین حال روزنامه اصولگرای «جوان» نوشته که مدارس به دلیل آلودگی هوا و شرایط جوّی، ۴۰ درصد از زمان تحصیل را تعطیل‌اند و قوانین نیز اجازه برگزاری کلاس جبرانی را نمی‌دهند.

در این مطلب آمده که «اصلی‌ترین چالشی که تعطیلی مدارس در هنگام آلودگی هوا ایجاد می‌کند، توقف فرآیند آموزش و اِتلاف ساعات آموزشی است. برای مثال در مقطع ابتدایی که مطابق سند برنامه درسی ملی باید در طول سال تحصیلی ۹۲۵ ساعت آموزش محقق شود، در حال حاضر به استناد نتایج آخرین آزمون بین‌المللی تیمز (۲۰۱۹) تنها ۶۲۷ ساعت آموزش محقق می‌شود که از این منظر ایران از بین ۵۸ کشور شرکت‌کننده در این آزمون رتبه ۵۸ را دارد. گزارش پژوهشگاه آموزش و پرورش نشان می‌دهد که ساعت محقق شده از این میزان نیز کمتر بوده و تنها ۵۷۶ ساعت به معنای اِتلاف حدود ۴۰ درصد از زمان آموزش است.»

روزنامه «جوان» افزوده که «قانون ابتدا و انتهای سال تحصیلی را مشخص و این امکان را سلب کرده است تا تعطیلات پیش‌بینی نشده را بتوان به نوعی جبران کرد. به عبارت دیگر آموزش و پرورش تنها می‌تواند از اول مهرماه تا ۳۱ اردیبهشت ماه کلاس‌ها را دایر کند و اگر یک روز در این بازه تعطیل شد، عملاً امکان قانونی برای جبران آن در شهریورماه یا خردادماه وجود نخواهد داشت.»

## قانون هوای پاک فقط روی کاغذ

با گذشت بیش از شش سال از تصویب و ابلاغ

به گفته او آمبولانس‌های اورژانس در این روزها «در مراکز جمعیتی و میادین» این پنج کلانشهر مستقر خواهند شد. رئیس سازمان اورژانس همچنین توصیه کرده که «افراد دارای بیماری‌های تنفسی، قلبی، عروقی، و بیماری‌های زمینه‌ای» بعلاوه «سالمدان، کودکان، و زنان باردار از حضور در فضاهای باز پرهیز کنند» و از «فعالیت‌های پرتحرک» نیز خودداری کنند.

محمداسماعیل توکلی رئیس مرکز اورژانس استان تهران نیز گفته که «اتوبوس آمبولانس‌ها و درمانگاه‌های سیار» در میدان‌های «آزادی، انقلاب و تجریش» مستقر می‌شوند.

## مشکل تعطیلی مدارس در روزهای آلوده

آلودگی ادامه‌دار هوا باعث اختلاف نظرهایی درباره تعطیلی مدارس شده است. در حالی که برخی کارشناسان نسبت به سلامت کودکان هشدار می‌دهند اما رئیس سازمان حفاظت محیط زیست می‌گوید «اعتقادی به تعطیلی مدارس در زمان آلودگی هوا نداریم» و مقامات آموزش و پرورش هم معتقدند تعطیلی مدارس باید «آخرین راهکار» باشد. این در حالیست که وقتی هوای آلوده برای تمام گروه‌ها خطرناک اعلام می‌شود و به مردم توصیه می‌کنند در فضای باز رفت و آمد نکنند، چطور دانش‌آموزان و کارکنان مدارس از این توصیه مستثنا می‌شوند!

علی سلاجقه رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در حاشیه جلسه امروز هیئت دولت در زمینه آلودگی هوا گفت: «گروه‌های گشت ما شبانه صنایع را پایش و مراکز متخلف را پلمپ می‌کنند. یک بحث اساسی در این مورد کامیون‌های گازوئیل‌سوز هستند که ترددشان در اطراف تهران بسیار زیاد است. این بحث در ستاد اضطرار آلودگی هوای تهران مطرح شده و باید تعیین تکلیف شود.»

وی در ادامه افزود که «دولت اگر می‌خواهد پیامی برای مردم داشته باشد باید پیام اجرایی باشد، قرار بود که هزار دستگاه اتوبوس وارد شهر تهران شود که شهرداری تهران هم این مسئله را پذیرفته و اخیراً قراردادهایی در این زمینه با چین امضا شده است.»

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست همچنین گفته که «بهینه‌سازی و کیفی‌سازی سوخت اقدام دیگری در خصوص آلودگی هواست که توسط وزارت نفت در پالایشگاه‌ها در حال انجام است. از جمله برنامه‌های کوتاه‌مدت، برقی کردن خودروها و گسترش ایستگاه‌های شارژ برقی در کلانشهرها است.»

● در روزهای گذشته کیفیت هوا در برخی ایستگاه‌های شهرهای تهران، کرج، اراک، اهواز و اصفهان از شاخص ۱۵۰ عبور کرد و در وضعیت قرمز قرار گرفت.

● مدارس به دلیل آلودگی هوا و شرایط جوّی، ۴۰ درصد از زمان تحصیل را تعطیل‌اند و قوانین نیز اجازه برگزاری کلاس جبرانی را نمی‌دهند.

● نماینده استان البرز در مجلس شورای اسلامی: از ۲۲۰ حکم قانون هوای پاک تنها ۲۰ حکم اجرا شده و ۶۰ حکم نصفه و نیمه انجام شده و ۱۴۰ حکم اصلاً اجرا نشده است.

در روزهای گذشته هوای پنج کلانشهر ایران با آلودگی شدید همراه بوده و پایگاه‌های اورژانس در این شهرها در حالت آماده‌باش قرار گرفتند. گزارش‌ها نشان می‌دهد ساکنان تهران در طول شبانه‌روز ۱۰ ساعت پرخطر را در مواجهه با آلودگی هوا تحمل می‌کنند. رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت معتقد است استنشاق هوا در روزهای آلوده‌ی شهرها معادل مصرف ۳ تا ۷ نخ سیگار برای هر شهروند است.

آلودگی هوا بار دیگر در ایران تشدید شده و در روزهای گذشته هوای پنج کلانشهر تهران، اصفهان، کرج، اراک و اهواز با آلودگی شدید و هشدارآمیز همراه بوده است.

در روزهای گذشته کیفیت هوا در برخی ایستگاه‌های شهرهای تهران، اهواز، اصفهان از شاخص ۱۵۰ عبور کرد و در وضعیت قرمز قرار گرفت. بر اساس هشدار سازمان هواشناسی، روز چهارشنبه و پنجشنبه هوای تهران، کرج و اراک به شدت آلوده خواهد بود.

ایستگاه‌های سنجش کیفیت هوای استان البرز امروز چهارشنبه ۲۴ آبان شاخص بر خط کیفیت هوا (ذرات معلق کمتر از ۵/۲ میکرون) را در شهرستان‌های اشتهارد، ایستگاه ماموت ساوجبلاغ، مترو کرج و منطقه سه کرج به ترتیب ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۱ و ۱۷۲ اعلام کرده‌اند که نشان از کیفیت ناسالم هوا برای تمام گروه‌ها دارد.

آلودگی هوا در کلانشهرهای کشور به حدی بحرانی شده که پایگاه‌های اورژانس به حالت آماده‌باش درآمده‌اند. جعفر معیادفر رئیس سازمان اورژانس روز گذشته درباره هشدار نازنجی این سازمان گفت پیش‌بینی شده است که کیفیت هوای تهران، کرج، اصفهان، اهواز، و اراک در روز چهارشنبه ۲۴ آبان، و همچنین صبح پنجشنبه ۲۵ آبان دوباره کاهش یابد و بر این اساس، «تمامی پایگاه‌ها و مراکز اورژانس در این پنج کلانشهر در آماده‌باش کامل قرار دارند.»

## نتیجه یک پژوهش جدید: افزایش رویگردانی جامعه آلمان از مذهب



کلیسای جامع (کاتولیک) شهر کلن که در فهرست میراث فرهنگی یونسکو ثبت شده و یکی از دیدنی‌های توریستی آلمان به شمار می‌رود

مسیحی می‌دانند ۱۳ درصد خود را پایبند به اعتقادات مذهبی، ۲۵ درصد اعلام کرده‌اند که از این اعتقادات فاصله دارند و ۵۶ درصد نیز خود را سکولار اعلام کرده‌اند. در بین کاتولیک‌ها ۲۷ درصد احتمال خروج از کلیسا در آینده را محتمل می‌دانند، این رقم در بین پروتستان‌ها ۳۵ درصد است.

در سال‌های اخیر به دلیل علنی شدن رسوایی‌های جنسی کشیشان کلیسا و سوء استفاده آنها از کودکان و به دلیل عدم شفافیت نهاد کلیسا در پاسخگویی به این اتهامات، به ویژه از سوی کلیسای کاتولیک، اعتماد به کلیسا کمتر و اعتراض به نهاد کلیسا در جامعه آلمان افزایش یافته است. ادامه این موضوع باعث خروج از عضویت در کلیسا و نیز رویگردانی از مذهب شده است. در بین آنان که هنوز با نهاد کلیسا ارتباط داشته و عضو آن باقی مانده‌اند جریان‌های متعددی شکل گرفته که خواهان رفرم و اصلاحات هستند.

پژوهش انجام شده حاصل نظرسنجی از ۵۲۸۲ شهروند است که در دسامبر ۲۰۲۲ توسط یکی از موسسات علمی معتبر آلمان انجام شده است. نتیجه این نظرسنجی که از سال ۱۹۷۲ هر ده سال یکبار انجام می‌گردد در اختیار سفارش‌دهنده آن، یعنی موسسه مطالعات اجتماعی کلیسای پروتستان قرار گرفته و آنها نیز پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، گزارش خود را منتشر می‌کنند.

بر اساس این پژوهش ۴۳ درصد از مردم آلمان مذهبی ندارند، ۲۵ درصد کاتولیک، ۲۳ درصد پروتستان، ۵ درصد پیرو مذاهب دیگر از جمله اسلام، ۳ درصد پروتستان آزاد (غیروابسته به کلیسا) و ۲ درصد هم مسیحی ارتدکس هستند.

منبع: شبکه یک تلویزیون دولتی آلمان

● بر اساس پژوهش منتشر شده در بین آنهایی که خود را مسیحی می‌دانند ۱۳ درصد خود را پایبند به اعتقادات مذهبی، ۲۵ درصد اعلام کرده‌اند که از این اعتقادات فاصله دارند و ۵۶ درصد نیز خود را سکولار اعلام کرده‌اند.

● طبق این پژوهش، ۴۳ درصد از مردم آلمان مذهبی ندارند، ۲۵ درصد کاتولیک، ۲۳ درصد پروتستان، ۵ درصد پیرو مذاهب دیگر از جمله اسلام، ۳ درصد پروتستان آزاد (غیروابسته به کلیسا) و ۲ درصد هم مسیحی ارتدکس هستند

حنیف حیدر نژاد- نتایج یک پژوهش که روز ۱۴ نوامبر ۲۰۲۳ توسط موسسه مطالعات اجتماعی کلیسای پروتستان منتشر شد نشان می‌دهد که رویگردانی از مذهب در بین آلمانی‌ها سرعت بیشتری گرفته است.

هشت نفر از هر ده نفری که مورد پرسش قرار گرفته‌اند می‌گویند که مذهب برای آنها یا اهمیتی ندارد یا اهمیت خیلی کمی دارد. ارزیابی می‌شود در سال ۲۰۲۴ تعداد باورمندان به مسیحیت نسبت به مجموع کل جمعیت آلمان به زیر ۵۰ درصد برسد.

در آلمان باورمندان به مسیحیت عمدتاً زیر پوشش دو کلیسای بزرگ، یعنی کلیسای کاتولیک و کلیسای پروتستان ثبت شده‌اند. با احتساب اعضای تمام شاخه‌های مسیحی، از جمله اعضای کلیساهای ارتدوکس و پروتستان‌های آزاد، سهم مسیحیان از کل جمعیت آلمان در پایان سال ۲۰۲۲ به ۵۲ درصد می‌رسید. از این میزان ۱۹/۵ میلیون نفر پروتستان و ۲۰/۹ میلیون نفر کاتولیک بوده‌اند.

بر اساس پژوهش منتشر شده در بین آنهایی که خود را

«قانون هوای پاک» همچنان آلودگی هوای شهرهای مختلف ایران در فصل‌های مختلف سال ادامه دارد. قانون هوای پاک از سال ۹۶ جایگزین قانون «نحوه جلوگیری از آلودگی هوا» شد. در این قانون حدود ۱۷۶ «تکلیف‌دستگاه» احصا شده است. تکلیف‌دستگاه یعنی موضوعی مانند نوسازی حمل و نقل عمومی متوجه چندین دستگاه است که این موارد احصا شده است. این قانون بر اساس ۳۴ ماده خود ۲۱ دستگاه اجرایی از جمله وزارت کشور، وزارت نفت، وزارت نیرو، نیروی انتظامی، شهرداری، صداوسیما، حکومت و... را مکلف کرده است که هر یک به تناسب وظایف خود، اقداماتی را برای کنترل آلودگی هوا در کشور اجرایی کنند.

با وجود تقسیم کار بین دستگاهی برای اجرای قانون هوای پاک اما هرچه زمان گذشت، بیشتر مشخص شد که دستگاه‌ها اعتنایی به اجرای آن نداشته‌اند. البته به گفته یوسف رشیدی کارشناس آلودگی هوا وزارتخانه‌های مختلف از عمد ترک فعل نکرده‌اند.

یوسف رشیدی گفته که «ما در نوشتن قوانین توجه خاصی به نحوه اجرایی کردن آن نمی‌کنیم و از پایه قانون را درست ننوشته‌ایم. بدین جهت با گذر زمان گرفتاری‌های بعدی به وجود می‌آید. وقتی زیرساخت و امکانات نداریم، هر کسی جایگزین مسئول وزارتخانه‌های فعلی باشد، باز هم نمی‌تواند کاری انجام دهد و ترک فعل رخ خواهد داد.»

به گفته رشیدی «ما فکر می‌کنیم با نوشتن قانون مشکل آلودگی هوا حل می‌شود اما مشکل آلودگی هوا با اقدام جدی و اجرای کارآمد صرف نظر از اینکه قانون باشد یا نباشد، حل خواهد شد.»

علیرضا عباسی نماینده کرج، فردیس و اشتهارد در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه ۲۲۰ حکم در قانون هوای پاک آمده که باید اجرایی و عملیاتی شود، گفته که «تنها ۲۰ حکم اجرا شده و ۶۰ حکم نصفه و نیمه انجام شده و ۱۴۰ حکم اصلاً اجرا نشده، با این روند چه هوای پاک و محیط سالمی را می‌خواهیم برای مردم فراهم کنیم؟»

روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز امروز چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲ در گزارشی نوشته که تهرانی‌ها در طول شبانه روز، ۱۰ ساعت پرخطر را در مواجهه با آلودگی هوا، تحمل می‌کنند. بررسی‌های «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد، هوای تهران از اوایل ساعت ۸ شب تا ابتدای ۶ صبح، در وضعیت «شدت بالای آلودگی» قرار می‌گیرد. در این ۱۰ ساعت خفگی، «غلظت ریز ذرات آلاینده هوا» نزدیک به ۲ برابر سایر ساعات شبانه‌روز می‌شود.

در گزارش «دنیای اقتصاد» آمده که این ۱۰ ساعت، درست دوره‌ای از زندگی شبانه‌روزی شهروندان تهرانی است که «اتفاقاً برای خرید، تفریح، تهران‌گردی یا ورزش و پارک‌گردی، در فضای باز و سطح شهر ظاهر می‌شوند.»

این گزارش افزوده که تهران امسال «بی‌دفاع‌تر» از قبل در مقابل آلودگی‌ها ظاهر شده است: «هنوز هوا سرد نشده، آلودگی سمی هوا بر آسمان شهر مسلط شده است. سال‌های گذشته با برودت هوا و کاهش دما به نزدیک ۱۰ درجه و کمتر، شاهد «وارونگی هوا» و «آلودگی ناشی از آن» بودیم؛ اما امسال خیلی زودتر، این بحران شکل گرفته است. هم دولت و هم شهرداری، در این ماجرا تاثیرگذار هستند.» در این گزارش تأکید شده که از عادی‌انگاری «خودروسواری بدون هزینه» در شهر تا کمبود ناوگان حمل و نقل عمومی و همچنین بی‌توجهی به «دورکاری» و تأثیر آن بر کاهش آلودگی‌ها، از جمله اشتباهات و ایرادات سیاست‌گذاران این حوزه است.

## پنج هزار سالمند «مجهول‌الهوویه» در خانه‌های سالمندان تهران



آن زمان وزارت بهداشت جمهوری اسلامی آمار سالمندانی را که هیچگونه درآمدی ندارند ۱۷ درصد اعلام کرد و گفت که شمار زنان سالمند بی‌درآمد نسبت به مردان بسیار بیشتر است.

روزنامه «اعتماد» در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ در همین ارتباط با طاهر موسوی جامعه‌شناس گفتگو کرد. این عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران، تصویر غم‌انگیزی از اوضاع سالمندان ارائه داده و گفته بود: «بیش از ۹۰ درصد زنان مسن تنهای ایرانی در سه دهک پایین درآمدی قرار دارند.»

به گفته‌ی رئیس مرکز تحقیقات سالمندی ایران تا سال ۲۰۵۰ یعنی ۲۵ سال دیگر بیش از ۳۰ درصد جمعیت کشور سالمند خواهند بود، بدون اینکه چشم‌انداز مثبتی برای دوران بازنشستگی‌شان وجود داشته باشد.

رئیس مرکز تحقیقات سالمندی در سال گذشته اعلام کرده بود: «ما آمادگی مدیریت همین ۱۰ میلیون سالمند را نداریم. ۶۰ درصد منابع بیمه‌ای برای این ۱۰ درصد هزینه می‌شود، در صورتی که آینده شرایط فرق می‌کند. در آینده سالمندانی پیرتر و آسیب‌پذیرتر خواهیم داشت. منابع بیمه‌ای برای کسی باقی نمی‌ماند در صورتی که در دنیا بحث سالمندی به عنوان صنعت سرمایه‌گذاری است.»

احمد دلبری با بیان اینکه در زمینه شاخص قابلیت و توانمندی سالمندان، ایران در جایگاه ۸۸ قرار دارد، گفته بود: «در گذشته از بیماری‌های اصلی سالمندی بحث بیماری‌های قلبی و عروقی و بیماری‌های زمینه‌ای ژنتیک عنوان می‌شد، در حالی که اکنون با توجه به گسسته شدن شبکه‌های اجتماعی افراد در دوران بازنشستگی، بسیاری از آنها دچار بیماری‌های روحی و روانی می‌شوند.»

در آخرین سرشماری ایران که سال ۱۳۹۵ انجام گرفت، آمار سالمندان ۹/۲ درصد یعنی هفت و نیم میلیون نفر ثبت شد. مطابق پیش‌بینی‌ها، این تعداد در سال ۱۴۳۰ به ۳۳ درصد جمعیت می‌رسد؛ یعنی از هر سه نفر یک نفر سالمند خواهد بود.

در همین ارتباط وبسایت «همشهری» در ۱۸ آبان‌ماه طی گزارشی به نتایج یک پژوهش اشاره کرد که نشان می‌دهد تعداد زنان سالمند تنها نسبت به مردان به بیش از ۴ برابر رسیده و ۷۱ درصد این زنان درآمدی ندارند. بنا بر این گزارش، اطلاعات مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که جمعیت ایران با فراز تقریباً تندی به سمت سالمندی می‌رود و این حوزه یکی از مسائل مهم و اساسی آینده کشور خواهد بود.

در این گزارش یکی از علل اصلی این موضوع کاهش فرزندآوری اعلام شده که دلایل متعددی از جمله تأخیر در ازدواج و مشکلات اقتصادی و تورم دارد.

در این گزارش همچنین آمده که تعداد زنان سالمند نسبت به مردان به بیش از ۴ برابر رسیده است. اینهمه در حالیست که بر اساس نتایج پژوهشی علمی و کاربردی با عنوان «پیام‌های اجتماعی- اقتصادی زندگی زنان سالمند تنها» ۷۱ درصد این زنان درآمدی ندارند.

در همین ارتباط وبسایت «همشهری» در گزارشی نوشت: «جمعیت‌شناسان می‌گویند طی ۳۰ سال آینده در جمعیت سالمندان کشور رکورد خواهیم زد. بطوری که آمار سالمندان که در حال حاضر ۹/۵ درصد است، تا آن زمان با احتساب دهه‌پنجاهی‌ها و دهه‌شصتی‌ها به بالای ۳۰ درصد خواهد رسید.»

بر اساس این گزارش، بیش از ۶۰۰ هزار سالمند زن و مرد در کشور هستند که به سه دلیل طلاق، فوت همسر یا هرگز ازدواج نکردن، تنها یا مجرد زندگی می‌کنند. از این تعداد تقریباً ۸۰ هزار نفر سالمند هرگز ازدواج نکرده‌اند که پیش‌بینی می‌شود این آمار در یک دهه آینده بیش از ۱۰ برابر شود.

شورای ملی سالمندان ایران چهار سال پیش اعلام کرده بود که حدود یک سوم سالخورده‌گان کشور از فقیرترین قشرهای جامعه هستند و بیش از نیمی از زنان سالمند از نظر اقتصادی به اطرافیان خود اتکا دارند.

● یوسف رضایی معاون توانبخشی اداره کل بهزیستی استان تهران: «ما برای نگهداری سالمندان مجهول‌الهوویه و فاقد سرپرست مؤثر با مشکلاتی روبرو هستیم، مراکز خصوصی به سختی این افراد را پذیرش می‌کنند این در حالی است که خیریه‌ها بیش از ۷۰ درصد از سالمندان مجهول‌الهوویه و فاقد سرپرست را نگهداری و یا حمایت می‌کنند.»

حدود پنج‌هزار سالمند «مجهول‌الهوویه» در خانه‌های سالمندان تهران زندگی می‌کنند. معاون توانبخشی اداره کل بهزیستی استان تهران روز ۲۱ آبان با اعلام این مطلب افزود: «بارانه مراکز برای هر نفر عادی در مرکز خصوصی و دولتی چهار میلیون و ۲۰۰ هزار برای فرد بوده و ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان برای مجهول‌الهوویه‌ها پرداخت می‌شود و تفاوت این میزان پرداختی بسیار کم است. همین موجب شده تا برخی مؤسسات و مراکز نگهداری معلولان برای پذیرش سالمندان و معلولان مجهول‌الهوویه مقاومت کنند.»

یوسف رضایی با اشاره به نگهداری دشوار سالمندانی که هویت آنها نامشخص است در تهران، گفت: «ما برای نگهداری سالمندان مجهول‌الهوویه و فاقد سرپرست مؤثر با مشکلاتی روبرو هستیم، مراکز خصوصی به سختی این افراد را پذیرش می‌کنند این در حالی است که خیریه‌ها بیش از ۷۰ درصد از سالمندان مجهول‌الهوویه و فاقد سرپرست را نگهداری و یا حمایت می‌کنند.»

در همین ارتباط فریده باغ‌علیشاهی سرپرست دفتر امور مراکز توانبخشی و مراقبتی بهزیستی در ۱۱ آبان سال گذشته اعلام کرده بود که «در حال حاضر ۱۴ هزار و ۵۰۰ نفر از سالمندان کشور در مرکز شبانه‌روزی حمایتی توانبخشی اقامت دارند که از این تعداد، ۲۵ درصد مجهول‌الهوویه فاقد سرپرست مؤثر هستند و با دستور قضایی برای نگهداری در مرکز شبانه‌روزی به سازمان بهزیستی معرفی شده‌اند.»



KAYHAN LONDON  
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

# KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN  
COMMUNITY

[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)



عکس هفته | جانباختگان آبان ۹۸  
که خانواده‌های آنها دفتر جدیدی را در دادخواهی علیه جمهوری اسلامی گشودند.